

وای بر ما... در تاریخ اولین ملی هستیم
که خون پیشوای خرد را با گندم و ذرت
فروختیم.
صد رحمت به اهل کوفه! لا اهل با دینارهای
طلا فروختند!

السلام علی الحسین

تفاهم نامه یا تسلیم نامه؟ «خامنه‌ای را به ذرت فروختند»

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان
KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEW FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوره: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های «دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.»
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سور هرز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. P.O. Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا

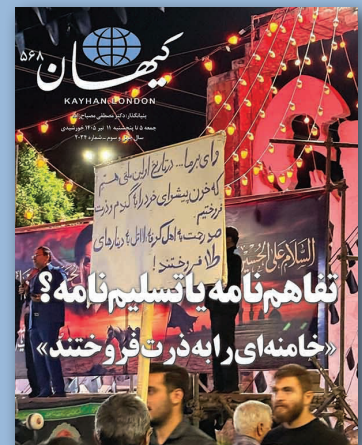
لطفا جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهرایران
شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406022723 در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirniah.com Email: pirnia@pirnia.com

سال چهل و سوم

کیهان شماره ۲۰۳۴ (۵۶۸)

۵ تا ۱۱ تیر ۱۴۰۵

۲۶ ژوئن تا ۲ ژوئیه ۲۰۲۶



کیشان

فهرست مطالب

۴ سرمقاله - سواب «گشایش» / روشنگر آسترکی

۴-۵ تیر هفته - تفاهم‌نامه یا تسلیم‌نامه؟ «خامنه‌ای را به ذرت فروختند» ... /

۶ دونالد ترامپ: جمهوری اسلامی با بازرسی‌های هسته‌ای در بالاترین سطح موافقت کرده است ... /

۶-۷ دونالد ترامپ: حکومت ایران را در موقعیتی قرار داده‌ام که آماده تسلیم شدن است ... /

۷ رافائل گروسی: آژانس به زودی بازرسی از تاسیسات هسته‌ای ایران را آغاز می‌کند ... /

۸ مجوز موقت دولت ترامپ به جمهوری اسلامی برای فروش نفت ... /

۸ بنیامین نتانیاهو: رویارویی با رژیم ایران و عوام‌لش هنوز تمام نشده است ... /

۹ تأکید قالیباف بر ایدئولوژی نظام: خونخواهی امام، آزادی قدسه! صد تانک تانیا هو بند کفش رهبری نمیشه! ... /

۹ هشدار مارکو ریبودر باره دریافت عوارض در «تنگه هر مز» ... /

۱۰-۱۱ تهدید نمایندگان مخالف توافق با آمریکا به یک‌باره تحصن در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی ... /

۱۱ شیطان و شیخان ... / خیراندیش (احمد احرار) ... /

۱۲-۱۳ دکتر حسن رهنمودی: بر سکوی آرزوها / بخش (۲) ... /

۱۴ وعده دوباره پزشکیان برای افزایش رقم کالا بر گ؛ وزیر اقتصاد می‌گوید فقط برخی دهک‌ها مشمول ... /

۱۵ مذاکرات محرمانه جمهوری اسلامی و آمریکا در سوئیس ... /

۱۶-۱۷ تلگراف: اختلاف نظر متحدان ترامپ بر سر توافق با رژیم ایران ... /

۱۷ ترامپ و تغذیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با دلار و ذرت و سویا ... / بهنام محمدی ... /

۱۸ ۱۸ سال زندان و محرومیت دائم از حرفه و کالت: حکم سنگین صادر شده علیه جواد علیگردی ... /

۱۹ فساد ساختاری در جمهوری اسلامی: ۹۴ میلیارد یورو از حاصل صادرات به ایران باز نگشت ... /

۲۰-۲۱ سر نوشت نامعلوم یک میلیارد دلار برداشت شده از صندوق توسعه ملی برای تأمین دارو ... /

۲۱-۲۲ گسترش اعتراضات صنفی در ایران: ۱۶۰۰ کارگر کارخانه ماشین‌سازی تبریز اعتصاب کردند ... /

۲۲-۲۳ فردگرایی و حریت: تأملی در نسبت میان فردیت، آزادی و شکوفایی جامعه انسانی ... / امرتضی انواری ... /

۲۴ سه هزار بیمار هموفیلی در ایران، پنج ماه محروم از دارو! ... /

۲۵ ایران گرسنه نیست؛ ایران گروگان گرفته شده است ... / اس. روزه ... /

۲۶ هشدار سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور درباره وضعیت روانی دانش‌آموزان ... /

۲۷ مرکز آمار ایران: سال گذشته رشد اقتصادی ایران بدون نفت به منفی ۰/۳ سقوط کرد ... /

۲۸-۲۹ اقدام عجیب دولت پزشکیان برای آزادسازی قیمت نان ... /

۲۹ خسته‌ترین مادر دنیا ... / مهدی نودر ... /

۳۰ ادامه اختلال اینترنت در ایران: ۶۸ درصد از کاربران اینستاگرام باز نگشتند! ... /

۳۱ گسترش پدیده «ارزان‌خواری» در ایران به علت گرانی و فقر ... /

۳۲-۳۳ سومین دوره هنر اجرا «روز پر فورمنس» در پاریس؛ من دوباره سبز خواهم شد، می‌دانم ... / کنایون حلاجان ... /

۳۳ برگزاری نمایشگاه هنری مرکز فرهنگی ایرانیان لندن به مناسبت هفته پناهندگان ... /

۳۴-۳۵ شاهنشاهی: تداوم تاریخی دولت ایرانی و مسئله هویت سیاسی ایران ... / عظیم یادام دوست ... /

۳۵ آذر عظیمیا، از خوانندگان بر نامه ماندگار «گل‌ها»، در گذشت ... /

۳۶-۳۷ دام منجی‌پنداری: روان‌شناسی امید کاذب و سیاستمدار خودشیفته ... / دکتر محمد طباطبایی ... /

۳۷ ادامه حملات سایبری به بانک‌های ایران: اختلال خدمات دهی تشدید شد ... /

۳۸ کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری: خشونت در محیط کار مانع اصلی برابری جنسیتی است ... /

۳۹ افزایش جرائم خشن و کودک‌فروشی در ایران به علت تشدید مشکلات اقتصادی و فقر ... /

۴۰-۴۱ جهنم آناتولی و باتلاق پناهندگان ایرانی در ترکیه ... / پژمان ابراهیمی ... /

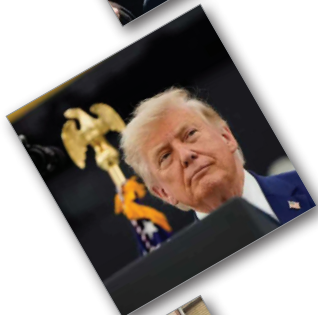
۴۱ کامران غضنفری: قالیباف خودسرانه مجلس شورای اسلامی را تعطیل کرده است ... /

۴۲-۴۳ خبرهای کوتاه ... /

۴۴ پشت جلد - عکس هفته / کربلایی که اینجاست!

بازنشر

بازنشر



سرمقاله

سراب «گشایش»

آزادسازی بخشی از پول‌های بلوکه‌شده ایران در چارچوب تفاهم‌نامه ۶۰ روزه با ایالات متحده، بار دیگر بازار وعده‌های اقتصادی در جمهوری اسلامی را گرم کرده است. وزیر اقتصاد از کاهش سرعت رشد تورم می‌گوید و رئیس کل بانک مرکزی وعده تخصیص چند میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی و تقویت پول ملی می‌دهد. اما برای جامعه‌ای که سال‌ها زیر فشار تورم، فقر و بی‌ثباتی فرسوده شده، این وعده‌ها بیش از آنکه نوید گشایش باشد، یادآور چرخه‌ای تکراری از امیدفروشی حکومتی است.

برای میلیون‌ها شهروندی که هر ماه و هر هفته بیشتر به زیر خط فقر رانده می‌شوند، «گشایش» در بیانیه‌های دیپلماتیک یا آمارهای گزینشی مقامات معنا پیدا نمی‌کند. گشایش یعنی کاهش واقعی قیمت نان، اجاره خانه، هزینه درمان، شهریه مدرسه و کرایه حمل‌ونقل؛ یعنی بازگشت حداقلی از توان خرید. مهم‌تر از همه، گشایش یعنی حفظ کرامت انسانی؛ اینکه خانواده‌ها بتوانند بدون شرمندگی، اضطراب و حذف پی‌درپی نیازهای اولیه، زندگی روزمره خود را اداره کنند.

تورم نیز برای مردم ایران صرفاً عددی در جدول‌های اقتصادی نیست. تورم به هیولایی روزمره تبدیل شده که در کوچک‌تر شدن سرفه، عقب‌افتادن خریدهای ضروری، حذف تفریح، ناتوانی در پاسخ به خواسته‌های طبیعی فرزندان و احساس داهی ناامنی اقتصادی خود را نشان می‌دهد. هر واحد افزایش تورم، برای خانواده‌های ایرانی به معنای از دست رفتن بخشی دیگر از رفاه، امنیت و امید است.

مقامات جمهوری اسلامی می‌کوشند با رویافروشی، واقعیت بحران را پنهان کنند؛ اما علت اصلی ناکامی‌های اقتصادی و معیشتی در ایران، نه صرفاً فشار خارجی، بلکه ساختار حکومتی است که بر مدار ناکارآمدی، فساد، رانت، بی‌ثباتی و سوءمدیریت مزمز می‌چرخد. به همین دلیل، تفاهم‌نامه‌ها و وعده‌های «گشایش» نمی‌توانند جامعه را امیدوار کنند. نشانه روشن آن نیز ادامه و گسترش اعتراضات صنفی پس از اعلام همین تفاهم‌نامه است.

در هفته گذشته دست‌کم ۱۲ تجمع و اعتراض از سوی بازنشستگان و کارگران برگزار شد و از نیمه هفته نیز حدود ۱۶۰۰ کارگر کارخانه ماشین‌سازی تبریز دست به اعتصاب زدند. تداوم این اعتراضات نشان می‌دهد تجربه ناکامی «پس‌برجام» همچنان در حافظه شهروندان زنده است. جامعه‌ای که یک‌بار شاهد تبدیل وعده رفع تحریم‌ها به تداوم گرانی، فساد و بی‌ثباتی بوده، اکنون دلیلی نمی‌بیند که «پساتفاهم» را سرآغاز تحولی واقعی در معیشت خود بداند.

اقتصاددانان پایان جنگ، تفاهم با غرب، کاهش تحریم‌ها و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را شرط «لازم» برای بهبود وضعیت اقتصادی می‌دانند؛ اما تأکید می‌کنند که این عوامل به تنهایی شرط «کافی» برای توسعه پایدار نیستند. تجربه جمهوری اسلامی نشان داده است که تزریق منابع مالی بدون برنامه، افزایش درآمدهای نفتی بدون تقویت ظرفیت‌های مولد، و آزادسازی دارایی‌ها بدون اصلاح ساختارهای اقتصادی، تنها به بازتولید همان بحران‌ها منجر می‌شود؛ افزایش نقدینگی، تشدید تورم، توزیع رانت، گسترش فساد و عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی.

مانع اصلی در مسیر گشایش اقتصادی نه آمریکا است و نه تحریم خارجی؛ بلکه ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی است. تحریم‌ها می‌توانند فشار را افزایش دهند، اما ریشه بحران در اقتصاد رانتی، نهادهای غیرشفاف، سلطه شبکه‌های وابسته به قدرت، فساد ساختاری، وابستگی به خام‌فروشی نفت، فرار سرمایه انسانی و فقدان سیاست‌گذاری پایدار نهفته است.

اقتصادی سالم و شکوفا بر اعتماد، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، حاکمیت قانون و حکمرانی خوب بنا می‌شود؛ همان الزاماتی که جمهوری اسلامی همواره از آنها گریخته، زیرا تحقق آنها به معنای محدود شدن شبکه‌های رانت، فساد و قدرت غیر پاسخگوست. از این رو، تا زمانی که اراده‌ای برای گسستن از این چرخه تباہ وجود نداشته باشد، هر تفاهم خارجی، هر آزادسازی منابع و هر وعده «گشایش» تنها مُسکنی کوتاه‌مدت خواهد بود؛ نه راهی برای نجات اقتصاد ایران.

تیر هفته

تفاهم‌نامه یا تسلیم‌نامه؟
«خامنه‌ای را به ذرت فروختند»

● در داخل ایران بخشی از جریان‌های درون حکومت محمدباقر قالیباف را متهم به جاه‌طلبی و خیانت می‌کنند. شنیده شده است که او و خانواده‌اش تهدید به مرگ شده‌اند. وفاداران نظام می‌گویند ما در جنگ کشته ندادیم که در نهایت از آمریکا ذرت و گندم وارد کنیم. از این رو بعید به نظر می‌رسد این روند به نتیجه‌ای منتهی شود که غرب در پی آن است؛ یعنی «صلح» و «ثبات» در منطقه.

در مقابل اما محمدباقر قالیباف مذاکره‌کننده ارشد جمهوری اسلامی ادعا می‌کند «تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» به اعلامیه شکست آمریکا تبدیل شده است. اکنون سه ماه از آتش‌بس موقت با جمهوری اسلامی گذشته است اما انبوهی از ابهامات وضعیت را کاملاً نامشخص کرده است.

دونالد ترامپ سوم فروردین ۱۴۰۵ با اشاره به جنگ ۴۰ روزه علیه جمهوری اسلامی، عنوان کرد که بسیاری از رهبران رژیم در این حملات کشته شده‌اند و گفت: «در حال حاضر یک تغییر رژیم اتفاق افتاده است.» او ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ بعد از سرکوب مرگبار خیزش شیروخورشید توسط سپاه پاسداران، بسیج و عوامل نیابتی، آن زمان که قول کمک به مردم ایران را داد، تأکید کرده بود «تغییر رژیم در ایران، بهترین اتفاقی است که می‌تواند بیفتد.» با این همه اما جی‌دی ونس معاون او اواخر خردادماه ۱۴۰۵ گفت «هدف ترامپ تغییر رژیم در ایران نبوده بلکه توقف برنامه هسته‌ای است.»

در مورد مفاد «تفاهم‌نامه» تردید و ابهام بسیار زیاد است، آنقدر که حتی برخی ناظران معتقدند طرفین به عمد متن تفاهم‌نامه را مبهم تدوین کرده‌اند تا بتوانند بهره‌برداری‌های سیاسی خودشان را داشته باشند. بر همین اساس هر

هرچند نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا در زورخیز برای پایان جنگ یک «تفاهم‌نامه» امضاء کردند اما براساس بیش از چهار دهه تجربه، حاکمان تهران نه تنها به هیچ تعهدی پایبند نیستند، بلکه با وقت‌کشی و ارفاق‌های بین‌المللی، منافع بدست آمده از توافقات را صرف گسترش تروریسم و انواع و اقسام تهدید کرده و از سوی دیگر ماشین سرکوب علیه مردم ایران را تقویت می‌کنند.

سه ماه پس از توقف جنگ، در شرایطی که هنوز فرصتی برای دفن جسد علی خامنه‌ای نیافته‌اند و سرنوشت مجتبی خامنه‌ای جانشین او نیز نامشخص است، باقی‌مانده‌های جمهوری اسلامی مذاکرات فشرده‌ای را با آمریکا آغاز کرده‌اند تا شاید با تکرار توافقی شبیه «برجام» بخشی از پول‌های بلوکه شده حاصل از فروش نفت، گاز و برق را که باید صرف رفاه مردم شود، در ازای کاهش موقت تهدیدات با هدف تضمین بقای نظام بدست آورند.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا می‌گوید، تفاهم‌نامه‌ای امضا شده با جمهوری اسلامی «شبیه تسلیم بی‌قید و شرط» است. او مدعی است حکومت ایران «با هر چیزی که من می‌خواهم موافقت می‌کنند و مجبورند. در غیر این صورت برمی‌گردیم و کاری را که لازم است انجام می‌دهیم.»



→ دو طرف می‌گویند پیروز این جدال هستند.

ابهام در زمینه هسته‌ای

اصلی‌ترین ابهامات در متن تفاهم‌نامه مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای رژیم ایران و ذخایر اورانیوم است. رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی،

«یک نقطه عطف بزرگ» توصیف کرد، اما اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، این ادعا را رد کرد و گفت نه دیداری میان مقام‌های ایرانی و رافائل گروسی در سوئیس انجام شده و نه برنامه‌ای برای بازرسی آژانس از تأسیسات هسته‌ای آسیب‌دیده ایران وجود دارد. علاوه بر اینها هنوز تکلیف ۴۵۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰

دریافتی به‌عنوان «هزینه خدمات» موضوعیت دارد.» عمان سوم تیرماه اعلام کرد برای تسهیل و تسریع در تخلیه تنگه هرمز یک مسیر دریایی جدید باز کرده است اما نیروی دریایی سپاه پاسداران هشدار داد «بدون اطلاع و هماهنگی با جمهوری اسلامی ایران از طرف برخی مراجع، مسیر جدیدی برای تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز اعلام شده



در مصاحبه با رسانه ژاپنی «ان‌اچ‌کی» گفت بازرسی از تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی به‌زودی آغاز خواهد شد و اولویت اصلی، تأیید محل نگهداری اورانیوم با غنای بالا است. او تأکید کرد با توجه به محدودیت زمانی ۶۰ روزه «تفاهم‌نامه»، این روند باید بدون وقت‌گشای پیش برود. اما کاظم غریب‌آبادی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی گزارش‌ها درباره موافقت با بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات هسته‌ای آسیب‌دیده را رد کرد.

او با انتقاد از اظهارات مقام‌های آمریکایی از جمله دونالد ترامپ و جی‌دی ونس، تأکید کرد: «می‌توانید با هیاهوی رسانه‌ای، سیاست «راه بینداز و جا بینداز» را پیش ببرید.» گروسی در ادامه همان مصاحبه تأکید کرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک نهاد مستقل است و بازرسی‌ها را بطور مستقل انجام خواهد داد. او گفت اگر جمهوری اسلامی بخواهد از آمریکا یا ناظران دیگری دعوت کند، موضوع جداگانه‌ای خواهد بود، اما آژانس نیازی نمی‌بیند که فرد یا طرف دیگری در انجام مأموریت آن کمک کند یا بر فعالیت‌هایش نظارت داشته باشد. با این همه ترامپ به فاکس‌نیوز گفت: «بازرسان آمریکایی در کنار بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات هسته‌ای در ایران بازدید خواهند کرد و جمهوری اسلامی با حضور بازرسان و انجام بازرسی از تأسیسات هسته‌ای خود موافقت کرده است.» جی‌دی ونس معاون ترامپ نیز موافقت [حکومت] ایران با بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را

درصدی در ایران مشخص نیست. آیا قرار است از ایران خارج شود یا مراحل رقیق‌سازی در داخل ایران انجام شود. بخشی از فرماندهان سپاه پاسداران با خروج اورانیوم‌های غنی‌شده مخالفاند اما شماری از اصلاح‌طلبان با آن موافق هستند و می‌گویند به «توازن» کمک می‌کند. در مقابل منابع اسرائیلی نیز گزارش داده‌اند بنیامین نتانیاهو گفته بدون خروج اورانیوم‌ها توافقی در کار نخواهد بود.

ابهام درباره وضعیت تنگه هرمز

بخش دیگری از ابهامات تفاهم‌نامه مربوط به وضعیت تنگه هرمز است. مقامات جمهوری اسلامی رسماً تأکید کردند با همکاری عمان «تنگه هرمز با دریافت عوارض باز خواهد بود.» آنها اعلام کردند فقط طی ۶۰ روز توافق بدون پرداخت عوارض، کشتی‌ها اجازه عبور خواهند داشت؛ اما مارکو روبریو وزیر خارجه آمریکا، گفت دریافت عوارض برای استفاده از تنگه هرمز با مخالفت جهان روبرو خواهد شد. او افزود: «وقتی می‌گویم تنگه‌ها باید باز باشند، منظورمان باز بودن رایگان آن‌ها در آبراه‌های بین‌المللی است» و تأکید کرد چنین سازوکاری پذیرفته نخواهد شد.

وزیر خارجه عمان نیز دریافت عوارض عبور از تنگه هرمز را رد کرد. درباره اینکه چرا عمان دریافت عوارض عبور از تنگه هرمز را تأیید نکرد یکی از اعضای کمیته رسانه‌ای تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی مدعی شد «قرار نیست آنچه دریافت می‌شود عنوان عوارض داشته باشد، بلکه هزینه

که این مسیر غیرقابل قبول و کاملاً خطرناک است.» موارد ابهام در تفاهم‌نامه فراتر از این‌هاست. به‌عنوان مثال بحث بر سر مقدار و شکل پول‌های آزادشده زیاد است. مقامات تهران می‌گویند این پول‌ها هرکجا که لازم باشد خرج می‌شود اما طرف آمریکایی می‌گوید باید صرف خرید محصولات کشاورزی آمریکا از جمله ذرت و گندم شود. از ابهامات اساسی دیگر مربوط به وضعیت لبنان و حزب‌الله است. گروه تروریستی حزب‌الله لبنان قدرتمندترین بازوی نظامی جمهوری اسلامی در منطقه، تهدید مستقیم برای امنیت اسرائیل است، اما نمایندگان یا مقامات اسرائیلی هیچ نقش مستقیمی در این مذاکرات ندارند.

مردم ایران می‌دانند از پول‌های آزادشده که مشخص نیست چطور و از چه طریقی به دست حکومت می‌رسد سهمی برای رفاه و آسایش آنها خرج نمی‌شود اما آنچه آنها را نگران می‌کند معاملات پشت پرده برای بقای نظامی است که قاتل همین مردم است. در داخل ایران بخشی از جریان‌های درون حکومت محمدباقر قالیباف را متهم به جاه‌طلبی و خیانت می‌کنند. شنیده شده است که او و خانواده‌اش تهدید به مرگ شده‌اند. وفاداران نظام می‌گویند ما در جنگ کشته ندادیم که در نهایت از آمریکا ذرت و گندم وارد کنیم. از این‌رو بعید به نظر می‌رسد این روند به نتیجه‌ای منتهی شود که غرب در پی آن است؛ یعنی «صلح» و «ثبات» در منطقه. همزمان، گرانی‌های سرسام‌آور در ایران ناراضیاتی و خشم عمومی را بیش از پیش افزایش داده است.

دونالد ترامپ: جمهوری اسلامی با بازرسی‌های هسته‌ای در بالاترین سطح موافقت کرده است



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا / عکس: رویترز

دونالد ترامپ: حکومت ایران را در موقعیتی قرار داده‌ام که آماده تسلیم شدن است

● دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در واکنش به تصویب طرح «توقف جنگ» در مجلس سنا در «تروث‌سوشال» نوشت: «من [حکومت] ایران را در موقعیتی قرار داده‌ام که آماده تسلیم شدن است و حاضر است عملاً هر چیزی به ما بدهد.»

● ترامپ شامگاه دوشنبه با اشاره به بازشدن تنگه هرمز گفت: «ما دو چیز داریم؛ یک تنگه باز و کشوری که هرگز سلاح هسته‌ای نخواهد داشت.» ترامپ طی گفتگو با خبرنگاران در دفتر کار خود در کاخ سفید، مدعی شد: «تا زمانی که آنها به ما احترام بگذارند- فی‌الوقت ترس استفاده کم زیرا نامناسب است- تا زمانی که به ما احترام بگذارند، ما هیچ مشکلی نخواهیم داشت.»

● در ایران بخشی از عوامل و حامیان حکومت به شدت محمداقرا قالیباف مذاکره کننده ارشد جمهوری اسلامی در مذاکرات اسلام‌آباد و زوربخ را مورد انتقاد قرار داده‌اند. فواد ایزدی مشاور سابق سپاه پاسداران که به عنوان کارشناس سیاسی در شبکه‌های مختلف تلویزیون داخلی حضور دارد از یکسو به بازشدن تنگه هرمز اعتراض دارد و از سوی دیگر از توافق احتمالی میان تهران و واشنگتن برای خرید محصولات کشاورزی آمریکا با پول‌های بلوکه شده ایران.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در واکنش به تصویب طرح «توقف جنگ» در مجلس سنا در «تروث‌سوشال» نوشت: «من [حکومت] ایران را در موقعیتی قرار داده‌ام که آماده تسلیم شدن است و حاضر است عملاً هر چیزی به ما بدهد.»

او افزود: «برای نخستین بار طی دهه‌ها، ایران برای ایالات متحده و رئیس‌جمهورش، یعنی من، احترام زیادی قائل شده است.»

ترامپ اضافه کرد: «چهار جمهوریخواه بازنده همراه با دموکرات‌ها رای دادند و ایران از نمایندگان ما پرسید این رای‌گیری چه معنایی دارد.» او اشاره کرد: «این سناتورها کار مرا دشوارتر کرده‌اند، اما به هر حال این موضوع را به سرانجام خواهیم رساند، چون من همیشه کار را تمام می‌کنم.» شماری از جمهوریخواهان ترامپ را به دلیل امضاء «تفاهم‌نامه» با جمهوری اسلامی زیر انتقاد قرار داده‌اند.

آنها می‌گویند هرگونه معامله با رژیم ایران، به صلح ←

من موافقت کرده‌ام که تنگه هرمز باز بماند و دیگر هیچ محاصره دریایی اعمال نشود.»

ترامپ در عین حال گفت، همه کشتی‌ها در موقعیت خود باقی خواهند ماند تا در صورت لزوم محاصره دوباره برقرار شود، هرچند به گفته او در حال حاضر چنین احتمالی «بسیار بعید» به نظر می‌رسد.

پیشتر یک مقام آمریکایی گزارش داده بود «جمهوری اسلامی ایران پذیرفته ذخایر اورانیوم خود را رقیق کند.»

همزمان سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، اسماعیل بقایی، سه‌شنبه دوم تیرماه ۱۴۰۵ در جمع خبرنگاران هرگونه دیدار با مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در طول مذاکرات اخیر ایران و آمریکا را رد و تأکید کرد که برنامه‌ای برای بازرسی بازرسان آژانس از تأسیسات آسیب‌دیده وجود ندارد.

او تصریح کرد که «اساساً در این زمینه هیچ شیوه‌نامه‌ای وجود ندارد.» با این حال، بقایی در ادامه افزود که ایران به عنوان عضو معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) و کشوری که متعهد به موافقت‌نامه‌های پادمان هسته‌ای است، روال جاری را ادامه خواهد داد و خاطرنشان کرد که این روال کاملاً روشن و مشخص است.

اقدام برای مقابله با تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی، از ضرورت‌هایی است که دولت‌های اروپایی هم نسبت به آن با آمریکا اتفاق نظر دارند.

امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه، روز ۲۵ خرداد اعلام کرد که اورانیوم غنی‌شده رژیم ایران باید تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «رقیق یا از کشور خارج شود» تا امکان ازسرگیری برنامه غنی‌سازی در آینده از تهران سلب شود.

● دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، سه‌شنبه دوم تیرماه در «تروث‌سوشال» نوشت که جمهوری اسلامی «بطور کامل و تمام‌عیار» با انجام بازرسی از تأسیسات اتمی در بالاترین سطح برای آینده‌ای بلندمدت موافقت کرده است.

● ترامپ در پیامی نوشت: «با وجود همه انکارها و اظهارات نادرستی که برخلاف این موضوع مطرح می‌شود... ایران بطور کامل و تمام‌عیار با انجام بازرسی‌های هسته‌ای در بالاترین سطح برای آینده‌ای بلندمدت [تا ابد] موافقت کرده است.»

● همزمان سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، اسماعیل بقایی، سه‌شنبه دوم تیرماه ۱۴۰۵ در جمع خبرنگاران هرگونه دیدار با مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در طول مذاکرات اخیر جمهوری اسلامی و آمریکا را رد و تأکید کرد که برنامه‌ای برای بازرسی بازرسان آژانس از تأسیسات آسیب‌دیده وجود ندارد.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، سه‌شنبه دوم تیرماه در «تروث‌سوشال» نوشت که جمهوری اسلامی «بطور کامل و تمام‌عیار» با انجام بازرسی از تأسیسات اتمی در بالاترین سطح برای آینده‌ای بلندمدت موافقت کرده است.

ترامپ در پیامی نوشت: «با وجود همه انکارها و اظهارات نادرستی که برخلاف این موضوع مطرح می‌شود... ایران بطور کامل و تمام‌عیار با انجام بازرسی‌های هسته‌ای در بالاترین سطح برای آینده‌ای بلندمدت [تا ابد] موافقت کرده است.»

او همچنین گفت که جمهوری اسلامی در جریان مذاکرات امتیازهای مهم دیگری نیز ارائه کرده است.

رئیس‌جمهوری آمریکا افزود: «بر اساس این موضوع و دیگر امتیازهای مهمی که ایران در حال ارائه آنهاست،

رافائل گروسی: آژانس به زودی بازرسی از تاسیسات هسته‌ای ایران را آغاز می‌کند



رافائل گروسی

میان آمریکا و جمهوری اسلامی برای پایان درگیری‌ها گفت این بازرسی‌ها هرچه سریع‌تر باید انجام شوند، زیرا این یادداشت تفاهم یک بازه زمانی ۶۰ روزه در نظر گرفته و فرصت زیادی برای از دست دادن وجود ندارد.

او گفت آژانس درباره محل احتمالی اورانیوم با غلظت بالا اطلاعاتی در اختیار دارد، اما ضروریست جمهوری اسلامی بطور رسمی محل نگهداری آن را اعلام کند.

مدیرکل آژانس همچنین گفت برخی از مراکز نگهداری این اورانیوم‌ها در حملات اخیر آسیب دیده یا تا حدی تخریب شده‌اند و ممکن است آژانس ناچار شود نحوه دسترسی به این مواد را بررسی کند.

او افزود آژانس به زودی با مقام‌های جمهوری اسلامی گفتگو خواهد کرد تا زمان‌بندی و جزئیات اجرای بازرسی‌ها مشخص شود.

گروسی در ادامه تاکید کرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک نهاد مستقل است و بازرسی‌ها را بطور مستقل انجام خواهد داد.

او گفت اگر جمهوری اسلامی بخواهد از آمریکا یا ناظران دیگری دعوت کند، موضوع جداگانه‌ای خواهد بود، اما آژانس نیازی نمی‌بیند که فرد یا طرف دیگری در انجام مأموریت آن کمک کند یا بر فعالیت‌هایش نظارت داشته باشد.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از زمان حملات آمریکا و اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی در خرداد ۱۴۰۴، امکان انجام بازرسی از تاسیسات اتمی در ایران را نداشته است.

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز ۲۰ خرداد قطعنامه‌ای علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تصویب کرد و از تهران خواست هرچه زودتر ذخایر باقیمانده اورانیوم غنی‌شده خود را اعلام کند و به بازرسان اجازه دهد این مواد را راستی‌آزمایی کنند.

● کمتر از یک هفته پس از مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا در زوریخ، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت، بازرسی از تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی به زودی آغاز خواهد شد و اولویت اصلی، تایید محل نگهداری اورانیوم با غلظت بالاست. او تاکید کرد، با توجه به محدودیت زمانی ۶۰ روزه «تفاهم‌نامه»، این روند باید بدون وقت‌گشی پیش برود.

● گروسی سه‌شنبه دوم تیرماه ۱۴۰۵ در مصاحبه با «ان‌اچ‌کی»، رسانه سراسری ژاپن، با اشاره به یادداشت تفاهم میان آمریکا و جمهوری اسلامی برای پایان درگیری‌ها گفت، این بازرسی‌ها هرچه سریع‌تر باید انجام شوند، زیرا این یادداشت تفاهم یک بازه زمانی ۶۰ روزه در نظر گرفته و فرصت زیادی برای از دست دادن وجود ندارد.

● او گفت، آژانس درباره محل احتمالی اورانیوم با غلظت بالا اطلاعاتی در اختیار دارد، اما ضروریست جمهوری اسلامی بطور رسمی محل نگهداری آن را اعلام کند.

● مدیرکل آژانس همچنین گفت برخی از مراکز نگهداری این اورانیوم‌ها در حملات اخیر آسیب دیده یا تا حدی تخریب شده‌اند و ممکن است آژانس ناچار شود نحوه دسترسی به این مواد را بررسی کند.

کمتر از یک هفته پس از مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا در زوریخ، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت بازرسی از تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی به زودی آغاز خواهد شد و اولویت اصلی، تایید محل نگهداری اورانیوم با غلظت بالاست. او تاکید کرد با توجه به محدودیت زمانی ۶۰ روزه «تفاهم‌نامه»، این روند باید بدون وقت‌گشی پیش برود.

گروسی سه‌شنبه دوم تیرماه ۱۴۰۵ در مصاحبه با «ان‌اچ‌کی»، رسانه سراسری ژاپن، با اشاره به یادداشت تفاهم

→ در منطقه آسیب می‌زند و تروریسم را تقویت می‌کند. با اینهمه ترامپ از آنچه اتفاق افتاده راضی است زیرا معتقد است شرایط برای تسلیم جمهوری اسلامی فراهم است.

در ایران بخشی از عوامل و حامیان حکومت به شدت محمداقبر قالیباف مذاکره کننده ارشد جمهوری اسلامی در



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

مذاکرات اسلام‌آباد و زوریخ را مورد انتقاد قرار داده‌اند. فواد ایزدی مشاور سابق سپاه پاسداران که به عنوان کارشناس سیاسی در شبکه‌های مختلف تلویزیون داخلی حضور دارد از یکسو به بازشدن تنگه هرمز اعتراض دارد و از سوی دیگر از توافق احتمالی میان تهران و واشنگتن برای خرید محصولات کشاورزی آمریکا با پول‌های بلوکه شده ایران.

ترامپ شامگاه دوشنبه با اشاره به بازشدن تنگه هرمز گفت: «ما دو چیز داریم؛ یک تنگه باز و کشوری که هرگز سلاح هسته‌ای نخواهد داشت». ترامپ طی گفتگو با خبرنگاران در دفتر کار خود در کاخ سفید، مدعی شد: «تا زمانی که آنها به ما احترام بگذارند - نمی‌خواهم از کلمه ترس استفاده کنم زیرا نامناسب است - تا زمانی که به ما احترام بگذارند، ما هیچ مشکلی نخواهیم داشت.»

او در پاسخ به سوالی درباره آزادی دارایی‌های مسدودشده ایران، ادعا کرد: «پولی که از حالت مسدودی خارج می‌شود برای خرید غذا استفاده خواهد شد و غذا منحصراً از طریق آمریکا و کشاورزان ما خریداری خواهد شد.»

رئیس جمهور آمریکا درباره معافیت وزارت خزانه‌داری آمریکا برای تحریم‌های نفتی ایران، اظهار داشت: «من باید دقیقاً وضعیت را بررسی کنم، اما اگر تحریم‌ها لغو شوند، پول به این کشور تزریق خواهد شد. تمام آن پول در حال بازگشت است.»

ترامپ در پاسخ به این سوال که «آیا می‌توانید مطمئن شوید که ایرانی‌ها از سود حاصل از فروش نفت برای بازسازی نیروهای نظامی خود استفاده نمی‌کنند؟» مدعی شد: «قرار نیست آنها این کار را انجام دهند.»

وی با ادعای اینکه هیچکس نمی‌خواهد رئیس‌جمهور ایران باشد، تهدید کرد: «اگر ایران به توافق خود عمل نکند یا رفتار مناسبی نداشته باشد، من کاری را که باید، انجام خواهم داد.»

مجوز موقت دولت ترامپ به جمهوری اسلامی برای فروش نفت



یک نفتکش غولپیکر در تنگه هرمز / عکس: رویترز

بنیامین نتانیاهو: رویارویی با رژیم ایران وعواملش هنوز تمام نشده است

● بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در دیدار با شماری از دانش‌آموختگان دوره افسران رزمی ذخیره در منطقه «گوش عتصیون» تأکید کرد، رویارویی با جمهوری اسلامی و عواملش همچنان ادامه دارد و آینده اسرائیل به میزان قدرت این کشور بستگی خواهد داشت.

● نتانیاهو توضیح داد: «اکنون در برابر جمهوری اسلامی



بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل

و نیروهای وابسته به آن ایستاده‌ایم. ما به آنها ضربه زدیم. این موضوع هنوز پایان نیافته؛ اما به قدرت ما بستگی دارد.»

● او افزود جایگاه اسرائیل در دهه‌های آینده به توانمندی و قدرت این کشور وابسته است و به همین دلیل دولت اسرائیل در حال تقویت ظرفیت‌های خود است.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در دیدار با شماری از دانش‌آموختگان دوره افسران رزمی ذخیره در منطقه «گوش عتصیون» تأکید کرد، رویارویی با جمهوری اسلامی و عواملش همچنان ادامه دارد و آینده اسرائیل به میزان قدرت این کشور بستگی خواهد داشت.

نتانیاهو توضیح داد: «اکنون در برابر جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته به آن ایستاده‌ایم. ما به آنها ضربه زدیم. این موضوع هنوز پایان نیافته؛ اما به قدرت ما بستگی دارد.»

او افزود جایگاه اسرائیل در دهه‌های آینده به توانمندی و قدرت این کشور وابسته است و به همین دلیل دولت اسرائیل در حال تقویت ظرفیت‌های خود است.

نخست‌وزیر اسرائیل گفت: «اینکه ۳۰ سال دیگر در چه جایگاهی باشیم، به قدرت ما وابسته است. به همین دلیل، آنچه اکنون انجام می‌دهیم، ساختن قدرتی بیشتر است.»

نخست‌وزیر اسرائیل همچنین بر ضرورت دستیابی به استقلال تسلیحاتی تأکید کرد و گفت: «من برای حمایتی که از سوی دوستان آمریکایی‌مان دریافت کرده‌ایم ارزش بسیاری قائلم، اما باید خود را از این وابستگی‌ها کنیم و یک ساختار تسلیحاتی مستقل برای خودمان ایجاد کنیم.»

هرچند با اعلام دونالد ترامپ جنگ ۴۰ روزه علیه جمهوری اسلامی با یک آتش‌بس موقت متوقف شد اما طی همین مدت بارها مقام‌های اسرائیل اعلام کردند کار با جمهوری اسلامی تمام نشده است. نتانیاهو پیشتر گفته بود شرایط برای سقوط نظام جمهوری اسلامی فراهم است و اسرائیل برای تأمین امنیت خود منتظر «توافق» نخواهد بود.

و پرچم‌گذاری کشتی‌ها و عملیات نجات دریایی، مجاز خواهند بود. این مجوز همچنین شامل کشتی‌هایی می‌شود که پیشتر تحت تحریم‌های مرتبط با جمهوری اسلامی قرار گرفته بودند. در متن مجوز آمده است که واردات نفت خام، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با منشا ایران به آمریکا نیز، در صورتی که بخشی از فرایند فروش، تحویل یا تخلیه مجاز باشد، امکان‌پذیر خواهد بود.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا در «ایکس» نوشت: «در راستای مذاکره سازنده و جاری در سوئیس، ایران متعهد شده که عبور و مرور آزاد و بدون مانع در تنگه هرمز را تضمین کند و همچنین به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه ورود به کشور را بدهد.»

بسنت افزود: «به عنوان بخشی از این چارچوب، وزارت خزانه‌داری یک مجوز عمومی موقت ۶۰ روزه صادر کرده است که تولید، تحویل و فروش نفت ایران را مجاز می‌سازد.» او تأکید کرد: «در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ و جی‌دی ونس ما همچنان در حال ایمن‌تر و مرفه‌تر کردن جهان هستیم.» همزمان سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی پس از پایان اجلاس «بورگن اشتوک» خبر داد و گفت: «نگاه هیئت ایران بر این است که باید گریبان طرف مقابل را برای اجرای تعهدات بگیریم.»

او توضیح داد، درباره صدور مجوز برای فروش نفت و آزادسازی دارایی‌های ایران بحث شد و پیشرفت‌های خوبی صورت گرفت. بقایای ادامه داد: «در خصوص عبور ایمن کشتی‌ها از تنگه هرمز نیز قرار شد سازوکاری ترتیب داده شود که مهم است.» وی اشاره داشت: ما به نوعی روز بسیار طولانی داشتیم. نشست‌ها از صبح یکشنبه شروع شد. در زمان نشست چهارجانبه اظهارنظر تهدیدآمیز آمریکا منتشر شد که باعث شد ایران اعلام بکند در چنین شرایطی حاضر به ادامه نشست چهارجانبه نیست.

● یک روز پس از نشست محرمانه سوئیس میان جی‌دی ونس معاون دونالد ترامپ با محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور مجوز عمومی، تولید، فروش، حمل و تخلیه نفت خام، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با منشا ایران را تا ۳۰ مرداد مجاز اعلام کرد.

● بر اساس این مجوز که ۲۲ ژوئن (اول تیرماه ۱۴۰۵) رسماً صادر شد، تمامی معاملات و خدماتی که برای تولید، فروش و انتقال این محصولات ضروری هستند، از جمله بیمه، مدیریت کشتی، تأمین خدمه، سوخت‌رسانی، ثبت و پرچم‌گذاری کشتی‌ها و عملیات نجات دریایی، مجاز خواهند بود. این مجوز همچنین شامل کشتی‌هایی می‌شود که پیشتر تحت تحریم‌های مرتبط با جمهوری اسلامی قرار گرفته بودند.

● اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا در «ایکس» نوشت: «در راستای مذاکره سازنده و جاری در سوئیس، ایران متعهد شده که عبور و مرور آزاد و بدون مانع در تنگه هرمز را تضمین کند و همچنین به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه ورود به کشور را بدهد.»

یک روز پس از نشست محرمانه سوئیس میان جی‌دی ونس معاون دونالد ترامپ با محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور مجوز عمومی، تولید، فروش، حمل و تخلیه نفت خام، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با منشا ایران را تا ۳۰ مرداد مجاز اعلام کرد.

بر اساس این مجوز که ۲۲ ژوئن (اول تیرماه ۱۴۰۵) رسماً صادر شد، تمامی معاملات و خدماتی که برای تولید، فروش و انتقال این محصولات ضروری هستند، از جمله بیمه، مدیریت کشتی، تأمین خدمه، سوخت‌رسانی، ثبت

هشدار مارکو روبیو درباره دریافت عوارض در «تنگه هرمز»



مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا

بین‌المللی آبی است و مالکیت انحصاری آن در اختیار هیچ کشوری نیست.»

روبیو همچنین افزود که ایالات متحده از دستیابی به «صلحی واقعی و پایدار» استقبال می‌کند، مشروط بر آنکه امنیت و رفاه آمریکا و متحدانش تضعیف نشود.

این اظهارات در حالی بیان شده است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شامگاه چهارشنبه ۳ تیرماه با صدور اطلاعیه‌ای هشدار داد، عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز بدون مجوز جمهوری اسلامی ایران قابل قبول نیست و شناورهای که از دستورالعمل‌های اعلام‌شده تبعیت نکنند، با برخورد مواجه خواهند شد. نیروی دریایی سپاه در اطلاعیه خود آورده است مسیر جدیدی که به گفته این نیرو، بدون اطلاع و هماهنگی با جمهوری اسلامی ایران از سوی برخی مراجع برای تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز اعلام شده، «غیرقابل قبول و کاملاً خطرناک» است.

تنگه هرمز که میان ایران و عمان قرار دارد، حیاتی‌ترین گذرگاه انرژی جهان به شمار می‌رود. پیش از جنگ ایران، یک‌پنجم نفت و گاز مصرفی جهان از این مسیر عبور می‌کرد. چند ساعت پیش از بیانیه سپاه دولت عمان از کشتی‌هایی که خواهان عبور از تنگه هرمز هستند خواسته بود برای عبور از مسیر موقت اعلامی عمان، با سازمان بین‌المللی دریانوردی (زیرنظر سازمان ملل) هماهنگ کنند. روبیو در ادامه سخنان خود در بحرین افزود: «اگر ایران از سیاست صدور ایدئولوژی فاصله بگیرد و بر رفاه مردم خود تمرکز کند، ایالات متحده آماده است در این مسیر به تهران کمک کند.»

او با بیان این که «واشنگتن برای برقراری گفت‌وگویی سازنده با هدف دستیابی به توافق با ایران تلاش خواهد کرد» گفت که ایالات متحده اطمینان خواهد داد «هر توافقی با ایران با منافع شرکای ما در منطقه در تعارض نخواهد بود.»

● جمهوری اسلامی ایران اصرار دارد کشتی‌ها باید برای عبور از تنگه هرمز عوارض پرداخت کنند. هرچند از گفته برخی مسئولان نظام پیداست این عوارض قرار است در پوشش خدمات امن برای عبور دریافت شود. وزیر خارجه آمریکا در جریان نشست وزیران خارجه «شورای همکاری خلیج فارس» در بحرین درباره دریافت عوارض از کشتی‌ها در تنگه هرمز هشدار داد.

● مارکو روبیو پنجشنبه ۴ تیر (۲۵ ژوئن) در جریان نشست وزیران خارجه «شورای همکاری خلیج فارس» گفت دریافت عوارض برای عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز می‌تواند به سایر آبراه‌های جهان نیز گسترش یابد و «هرج‌ومرج کامل» در نظام کشتیرانی بین‌المللی ایجاد کند.

● او توضیح داد: «هیچ کشوری حق ندارد برای عبور از تنگه هرمز عوارض تعیین یا دریافت کند... تنگه هرمز یک گذرگاه بین‌المللی آبی است و مالکیت انحصاری آن در اختیار هیچ کشوری نیست.»

جمهوری اسلامی ایران اصرار دارد کشتی‌ها باید برای عبور از تنگه هرمز عوارض پرداخت کنند. هرچند از گفته برخی مسئولان نظام پیداست این عوارض قرار است در پوشش خدمات امن برای عبور دریافت شود. وزیر خارجه آمریکا در جریان نشست وزیران خارجه «شورای همکاری خلیج فارس» در بحرین درباره دریافت عوارض از کشتی‌ها در تنگه هرمز هشدار داد.

مارکو روبیو پنجشنبه ۴ تیر (۲۵ ژوئن) در جریان نشست وزیران خارجه «شورای همکاری خلیج فارس» گفت دریافت عوارض برای عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز می‌تواند به سایر آبراه‌های جهان نیز گسترش یابد و «هرج‌ومرج کامل» در نظام کشتیرانی بین‌المللی ایجاد کند.

او توضیح داد: «هیچ کشوری حق ندارد برای عبور از تنگه هرمز عوارض تعیین یا دریافت کند... تنگه هرمز یک گذرگاه

تأکید قالیباف بر ایدئولوژی نظام: خونخواهی امام، آزادی قدسه! صدتا نتانیاهاو بند کفش رهبری همیشه!

سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی پس از اعلام و امضای «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» توسط دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری اسلامی، ۲۷ خرداد طی یک گفتگوی ویژه در «شبکه خبر» تلویزیون دولتی به عنوان مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای به توجیه آن برای کسانی پرداخت که هنوز از بقایای حکومت طرفداری می‌کنند.

وی در بخشی از سخنان خود به صحرای کربلا زد و گفت که نه کشتن یزید، بلکه «امام زمان» [که چندین نسل بعد



تولید شد] انتقام خون «امام حسین» بود! و الان هم وقتی «قدس» [اورشلیم پایتخت کشور اسرائیل] آزاد شود، انتقام خون رهبر نظام و سردارانش که توسط اسرائیل و آمریکا کشته شدند، گرفته خواهد شد!

این وعده سر خرمن به هواداران نظام در حالیست که جمهوری اسلامی در تفاهم‌نامه با آمریکا ظاهراً متعهد شده از سیاست‌های جنگ‌طلبانه خود دست بردارد. احتمالاً به همین دلیل نیز محمدباقر قالیباف، وظیفه‌ی «تابودی اسرائیل» و «آزادی قدس» را به گردن نسل‌های بعدی خودشان انداخته تا اکنون بتواند بقایای نسل جمهوری اسلامی را نجات دهد.

در این میان، کم نیستند کسانی که مقامات باقیمانده‌ی رژیم به ویژه قالیباف را در حذف و کشته شدن رهبر و ده‌ها تن از زمامداران لشکری و کشوری حکومت دخیل می‌دانند.

تهدید نمایندگان مخالف توافق با آمریکا به تحسن در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی



تصویر آرشیوی

نکرده»، اما رهبر جمهوری اسلامی با توجه به شرایط موجود اجازه امضای آن را داده است. آنان سپس نتیجه گرفته‌اند که اکنون زمان ورود مجلس برای نظارت بر اجرای شروط تفاهم‌نامه است. به این ترتیب، بیانیه نمایندگان را نمی‌توان فقط یک اعتراض اداری به تعطیلی مجلس دانست. این متن در واقع بیانیه ورود سازمان‌یافته مخالفان توافق به مرحله تازه‌ای از زمین زدن توافق است.»

بر اساس این گزارش یکی از مهمترین انگیزه‌های اصرار این جریان بر تشکیل صحن علنی، تعیین تکلیف طرح موسوم به «اعمال مدیریت و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز» است: «اعضای هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی پیشتر گفته‌اند تصمیم دارند این طرح را در جلسه علنی به قانون تبدیل کنند. طراحان آن نیز صراحتاً از این قانون به‌عنوان ابزاری برای افزایش قدرت چانه‌زنی ایران نام برده‌اند. اختلاف در اینجا است که تصمیم درباره باز یا بسته بودن تنگه هرمز و شیوه عبور کشتی‌ها، در متن تفاهم ایران و آمریکا از اصلی‌ترین موضوعات امنیتی و نظامی محسوب می‌شود. تبدیل یک تصمیم متغیر نظامی و دیپلماتیک به قانون الزام‌آور می‌تواند اختیار دولت، شورای عالی امنیت ملی و نیروهای مسلح را برای اجرای تفاهم محدود کند.»

در گزارش «رویداد ۲۴» تأکید شده «مخالفان توافق می‌توانند با تصویب قانونی سخت‌گیرانه، بازگشایی کامل تنگه، نحوه دریافت عوارض، مجوز عبور کشتی‌ها یا همکاری با کشورهای میانجی را به شروطی گره بزنند که اجرای تفاهم را دشوار یا ناممکن کند. ظاهراً آنچه باعث شده آمریکا پای میز مذاکره بیاورد، همین بسته ماندن تنگه هرمز است و در صورت عدم بازگشایی آن ایران را به نقض توافق متهم خواهد کرد و تعهدات خود درباره رفع محاصره، تعلیق تحریم نفتی و آزادسازی دارایی‌ها را اجرا نمی‌کند.»

اختلاف میان چهره‌های تندرو نزدیک به سعید جلیلی و جبهه پایداری با تیم مذاکره‌کننده طی روزهای

همچنین از مطرح نشدن موضوع مذاکرات و تفاهم‌نامه در مجلس انتقاد کرد و با زیر سوال بردن ادامه تعطیلی مجلس پرسید: «چه کسی قدرت دارد مجلس را تعطیل کند؟»

حسین صمصامی، دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از تداوم تعطیلی مجلس شورای اسلامی در شبکه «ایکس» نوشته است: «بیش از ۱۰۰ روز از تعطیلی صحن مجلس می‌گذرد و نکته تأسف بار آن است که در سامانه قانونگذاری، امکان ثبت استیضاح وزیر و صدور بیانیه مسدود شده است.»

حسین صمصامی این وضعیت را «کمتر از به توپ بستن مجلس» ندانسته و پرسیده است که «چه کسی پاسخگوست؟» در مقابل علیرضا سلیمی نماینده تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی، پس از انتشار بیانیه نمایندگان منتقد تعطیلی مجلس اعلام کرده «هیئت رئیسه و تک‌تک نمایندگان بر این باورند که آنچه رخ داد، یک دستور امنیتی بود.»

علیرضا سلیمی افزوده «با توجه به تغییر شرایط، به نظر بنده آن دلیلی که موجب می‌شد صحن تعطیل باشد، دیگر منتفی شده است و ان‌شاءالله به زودی شاهد بازگشایی صحن خواهیم بود.»

وبسایت «رویداد۲۴» نیز با انتشار خبر صدور بیانیه از سوی گروهی از نمایندگان نوشته «ظاهر بیانیه، دفاع از جایگاه مجلس، وظایف نظارتی نمایندگان و اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی است. نویسندگان بیانیه تعطیلی چندماهه صحن علنی را بی‌سابقه خوانده‌اند و گفته‌اند با امضای تفاهم‌نامه ایران و آمریکا، دیگر دلیلی برای بسته ماندن مجلس وجود ندارد.»

در گزارش «رویداد ۲۴» آمده که «مهمترین بخش بیانیه نه اعتراض به تعطیلی مجلس، بلکه موضع آن درباره تفاهم ایران و آمریکا است. امضاکنندگان مدعی شده‌اند این تفاهم‌نامه «علی‌الاصول رضایت مقام معظم رهبری را جلب

● گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند ساعت هشت صبح یکشنبه هفتم تیر به ساختمان بهارستان مراجعه می‌کنند و اگر مجلس شورای اسلامی باز نشده باشد، همان‌جا با مردم جلسه خواهند گرفت.

● نام بیش از ۳۰ نماینده، از جمله حمید رسایی، محمود نبویان، مهدی کوچک‌زاده، کامران غضنفری، محمدتقی نقدعلی، قاسم روانبخش، بیژن نوباوه و زهره سادات لاجوردی در میان امضاکنندگان دیده می‌شود. آنها از جمله نمایندگان مخالف مذاکره و توافق با ایالات متحده هستند. ● علیرضا سلیمی عضو هیئت رئیسه مجلس پس از انتشار بیانیه نمایندگان منتقد تعطیلی مجلس اعلام کرده «آنچه رخ داد، یک دستور امنیتی بود و با توجه به تغییر شرایط، به نظر بنده آن دلیلی که موجب می‌شد صحن تعطیل باشد، دیگر منتفی شده است و ان‌شاءالله به زودی شاهد بازگشایی صحن خواهیم بود.»

● وبسایت «رویداد ۲۴» گزارش داده یکی از مهمترین انگیزه‌های اصرار این جریان بر تشکیل صحن علنی، تعیین تکلیف طرح موسوم به «اعمال مدیریت و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز» است. اعضای هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی پیشتر گفته‌اند تصمیم دارند این طرح را در جلسه علنی به قانون تبدیل کنند.

شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اعتراض به ادامه تعطیلی این نهاد حکومتی اعلام کرده‌اند از روز یکشنبه هفتم تیرماه در محل مجلس حضور پیدا خواهند کرد و در صورت عدم بازگشایی این نهاد، در همانجا تحسن خواهند کرد. برخی تحلیلگران معتقدند این نمایندگان از مخالفان سرسخت مذاکره و توافق با ایالات متحده هستند و به بهانه تحسن در اعتراض به تداوم تعطیلی مجلس شورای اسلامی به دنبال ایجاد حاشیه برای دولت و تیم مذاکره‌کننده هستند.

گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند ساعت هشت صبح یکشنبه هفتم تیر به ساختمان بهارستان مراجعه می‌کنند و اگر مجلس شورای اسلامی باز نشده باشد، همان‌جا با مردم جلسه خواهند گرفت.

نام بیش از ۳۰ نماینده، از جمله حمید رسایی، محمود نبویان، مهدی کوچک‌زاده، کامران غضنفری، محمدتقی نقدعلی، قاسم روانبخش، بیژن نوباوه و زهره سادات لاجوردی در میان امضاکنندگان دیده می‌شود. آنها از جمله نمایندگان مخالف مذاکره و توافق با ایالات متحده هستند.

در همین رابطه کامران غضنفری، نماینده مجلس شورای اسلامی، در شبکه اجتماعی ایکس از برنامه شماری از نمایندگان برای «تحسن» مقابل ساختمان این نهاد در اعتراض به ادامه تعطیلی آن خبر داد. او نوشت که «چنانچه مجلس بسته باشد، تا باز شدن مجلس، در همانجا تحسن خواهیم کرد.»

حمید رسایی، یکی دیگر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، یکشنبه ۳۱ خرداد با انتقاد از ادامه تعطیلی مجلس گفته بود در صورت ادامه تعطیلی، همراه برخی نمایندگان مقابل ساختمان مجلس جلسه برگزار خواهد کرد. او

شیطان و شیخان

خیراندیشی (احمدحارار)

کیهان لندن شماره ۱۲۲۵ (مهر ماه ۱۳۸۷)

با نشر



مرجعی متشکل از زبده فقیهان و حقوقدانان. بدین ترتیب، در هر مورد که با وجود تخلف‌ها و تقلب‌های کلاسیک، کار انتخابات به‌دلخواه پیش نمی‌رفت شورای نگهبان دست به‌کار می‌شد و به‌بهبانهای انتخابات را متوقف می‌ساخت یا در مسیر مطلوب قرار می‌داد. بعد، دیدند این هم کافی نیست. نظارت استعلامی را به نظارت استصوابی تبدیل کردند. یعنی به‌جای آن که در موارد لزوم از شورای نگهبان نظرخواهی شود، شورای نگهبان می‌بایستی در تمام موارد برای انتخابات مهر تأیید بزند و بدون تصویب آن، انتخابات باطل!

به این نیز قانع نشدند. در مقام شیطنت قدمی فراتر نهادند و دایره «استصواب» را توسعه دادند. گفتند از همان ابتدا نباید گذاشت اشخاص «ناباب» وارد جاده انتخابات شوند تا مجبور باشیم در نیمه‌راه جلو آنها را بگیریم یا در پایان راه درد سر حذفشان را متحمل شویم. البته در حکومت اسلامی حق کاندید شدن برای همگان محفوظ است. هر کس داوطلب بود می‌تواند از فلان تا فلان تاریخ در دفتر ثبت نام حضور یابد و اسم‌نویسی کند. بعد، وزارت کشور پرونده و سوابق داوطلبان را بررسی می‌کند و کسانی را که حائز شرایط نباشند حذف می‌کند. اسامی حائزین شرایط با پرونده آنها از وزارت کشور می‌رود به شورای نگهبان و تنها کسانی حق حضور در مبارزات انتخاباتی خواهند داشت که از سوی شورای نگهبان «تأیید صلاحیت» شوند.

فی‌المثل، از همین حالا گفته‌اند به‌فرض آن که حجت‌الاسلام والمسلمین آقا سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری پیشین، یا به فرمایش مقام معظم رهبری «سید نجیب محترم»، به‌درخواست ارادتمندان و اصلاح طلبان پاسخ مثبت دهد و خود را برای ریاست جمهوری نامزد کند، از طرف شورای نگهبان «تأیید صلاحیت» نخواهد شد.

شیطان اگر عقلش به اینجایا می‌رسید در آغاز مشروطیت بیخ گوش محمدعلی شاه زمزمه می‌کرد که: اعلیحضرتا! از مشروطیت و مجلس چه بیم داری؟ من یادت می‌دهم چه‌جور انتخاباتی ترتیب دهی که به‌جای کدخدای باقر بقال، کلبعلی حمال وکیل شود و عوض این که وکیل مجلس تعیین کند که پادشاه چه وقت و چه چیز ناهار بخورد، از بالا به وکلای مجلس امر شود که چه گهی بخورند و به ملت بفهمانند چه گهی نباید بخورد!

شیخی شیطان را به‌خواب دید. ریش او را چسبید و بر سرش فریاد کشید که ای ملعون، این همه شرارت که در جهان هست بر اثر وسوسه‌های تو خناس است. تو بودی که آدم را فریفتی و موجب شدی از باغ بهشت رانده و به کره خاکی تبعید شود. تو بودی که میان‌ه‌ها بیل و قابیل را به هم زد و رسم برادرکشی را بین فرزندان آدم بنیان نهادی. تویی که آدمیان را به ارتکاب گناه وادار می‌کنی. تو مایه شر و فساد و رهایت نخواهم کرد تا از این پس فرصت شرارت و شیطنت نداشته باشی. شیطان در تلاش بود که خود را برهاند و شیخ رهاش نمی‌کرد. در این کشاکش، شیخ از خواب پرید و دید ریش خود را در دست می‌فشارد! شیخان و شیطان از هم جدا نیستند. در آئینه اگر نگاه کنند خودشان به این حقیقت پی می‌برند.

اولین شیطنت شیطان، حيله‌گری بود. وقتی خداوند آدم را آفرید و به هر دلیل، چندان از این آفرینش خوشحال شد که فرمان داد ملائک آدم را سجده کنند، شیطان زیر بار نرفت. او ملک مقرب بود و هیچ فرشته‌ای در درگاه الهی به‌اندازه او سوابق خدمت و اجر و قرب نداشت. دلیلی نمی‌دید که در برابر آفریده از راه نرسیده سر خم کند. خدا هم نمی‌خواست او را در این حالت دل‌شکستگی مشمول غضب قرار دهد. دستور داد آدم را در اتاقی که در کوتاهی داشت نشانند و به شیطان فرمود بسیار خوب، برو با آدم بنشین و دوستانه صحبت کن. شیطان پذیرفت ولی به‌جای آن که با سر داخل اتاق شود و ناخواسته تعظیم کرده باشد، عقب‌عقب وارد شد!

و اما شیخان در همین رشته نیز بر شیطان سبقت گرفته‌اند. شیطان، پیش از آن که شیخان در ایران حاکم شوند، راه‌های تقلب در انتخابات را به فرزندان آدم آموخته بود. در خیلی جاها، از ممالک اسلامی یا غیر اسلامی، در انتخابات تقلب می‌شد اما تقلب‌های کلاسیک مثل دستکاری در صندوقها یا خریدن آراء و رأی دادن با شناسنامه مردگان و غیره.

تقلب بود، اما شیطنت نبود. شیخان که به حکومت رسیدند تقلب را با حيله‌های شیطانی آمیختند. نظارت بر انتخابات، به‌طور سنتی برعهده هیأت نظر در هر حوزه انتخاباتی بود. اینان گفتند که برای تضمین و تسجیل صحت انتخابات لازم است مرجع دیگری هم بر کار ناظران نظارت کند و چه مرجعی موجه‌تر از شورای نگهبان قانون اساسی.

گذشته عمیق‌تر شده است. محمود نبویان، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، چند روز پیش در یک برنامه تلویزیونی در صداوسیما جمهوری اسلامی با خواندن از روی متنی که مدعی بود «نامه بکلی محرمانه» مجتبی‌خامنه‌ای است گفته بود رهبر سوم جمهوری اسلامی ۱۱ شرط درباره مذاکرات مشخص کرده بود که گرفت غرامت از آمریکا، حق غنی‌سازی، رفع تحریم‌ها، آزادی اموال مسدودشده و اعمال حاکمیت در تنگه هرمز از جمله آنها بوده است. او همچنین گفته که مجتبی‌خامنه‌ای خواسته بود اخذ عوارض از تنگه هرمز از همین حالا آغاز شود.

محمود نبویان همچنین ادعا کرده بود مجتبی‌خامنه‌ای این نامه را پس از مذاکرات اسلام‌آباد نمایندگان حکومت با نمایندگان دولت ترامپ برای تیم مذاکره‌کننده نوشته و تأکید کرده است: «آنچه در مذاکرات پاکستان رقم خورده با آنچه قرار بود بشود و شرط مشروعیت مذاکرات بوده، تفاوت کلی دارد و مذاکرات باید متوقف شود.»

محمود نبویان تأکید کرد که مجتبی‌خامنه‌ای گفته بود در مورد موضوع هسته‌ای مذاکره نکنید؛ یا باید به پیروزی برسید که یعنی دشمن حق شما را به رسمیت بشناسد، یا اینکه مساله هسته‌ای برای همیشه از دستورکار مذاکرات خارج شود.

این سخنان با واکنش‌های زیادی روبرو شد سبب رویارویی شدیدتر جریان‌های حکومتی موافق و مخالف مذاکره با ایالات متحده شد. همچنین معاونت سیاسی صداوسیما اعلام کرد سخنان او و اشاره‌اش به برخی اسناد دارای طبقه‌بندی و مکاتبات مسئولان عالی کشور، مصداق تخلف قانونی و مستوجب پیگرد قضایی است.

روزنامه «گاردین» نیز روز گذشته در گزارشی به حاشیه‌های حضور تلویزیونی محمود نبویان، نماینده مجلس و افشای «نامه‌های محرمانه» مجتبی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، پرداخت و آن را نشانه تنش در بالاترین سطوح حکومت ایران ارزیابی کرد.

این در حالیست که رسانه‌های حکومتی ۲۸ خردادماه پیامی مکتوب منسوب به مجتبی‌خامنه‌ای را منتشر کردند که در آن نیز تأکید شده بود با وجود آنکه «نظر دیگری» نسبت به تفاهم اخیر با ایالات متحده داشته، با تعهد مسعود پزشکیان در خصوص «پاسداشت حقوق ملت ایران و جبهه مقاومت»، با آن موافقت کرده است.

برخی تحلیلگران معتقدند این موضع‌گیری از سوی رهبر سوم جمهوری اسلامی در حالیکه نقش محوری و پررنگ او در مذاکرات را برجسته کرده در همین حال با این ادعا که مخالف تفاهم کنونی بوده است، تلاش کرده مخالفان توافق و مذاکره را هم آرام، و مدیریت کند!

مسعود پزشکیان گفته است بیش از ۹۰ درصد اعضای حاضر در شورای عالی امنیت ملی با تفاهم همراهی کرده‌اند. یک گزارش رسانه‌ای نیز به نقل از منبعی آگاه مدعی شده است که از ۱۲ عضو دارای حق رأی، ۱۱ نفر موافق و تنها یک عضو غیرنظامی مخالف بوده است. هویت آن عضو مخالف رسماً اعلام نشده اما در فضای سیاسی نام سعید جلیلی مطرح شده است.

در آنسو البته همچنان دست بالا در روند تحولات و تصمیم‌گیری‌ها در جمهوری اسلامی با سردار پاسدار محمدباقر قالیباف و بدنه‌ای وابسته به او در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که با او همراه و همسو است. محمدباقر قالیباف در حالی به‌عنوان مسئول تیم مذاکره‌کننده در رأس پیشبرد مذاکرات از سوی جمهوری اسلامی قرار گرفته که همزمان ارتباط خوبی با بدنه دولت مسعود پزشکیان دارد.

دکتر حسن رهنمودی: بر سکوی آرزوها (۲)

تختی و حبیبی درخشیدند و ابوالفضل صدری در نیمه راه استادیوم سخته کرد

تاریخ نشر در کیهان لندن: آبان تا دی ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۲۹ و ۹۳۳ و ۹۳۶

اقامت گزید و مدیریت شعبه یکی از کمیته‌های معروف بیمه امریکا را به عهده گرفت و در سال ۱۹۹۹ بازنشسته شد. دکتر رهنوردی خاطرات زندگانی ورزشی و سیاسی خود را در کتابی، با ویرایش ناصر انقطاع، تدوین کرده و آن را با نام «برسکوی آرزوها» انتشار داده است. بخشهایی ازین کتاب خواندنی را که برای بسیاری از ایرانیان خاطره برانگیز است در چند شماره چاپ می‌کنیم.

شاه آباد) به کشیدن و گذاشتن دندان می‌پرداخت و در مسابقات بزرگ وزنه‌برداری به شکست رکوردهای جهانی. تحصیلات عالی خود را در امریکا دنبال کرد و در رشته بهداشت عمومی نیز درجه دکترا گرفت. در بازگشت به ایران، به تدریج مشاور وزیر بهداشتی، سه دوره نماینده مجلس، معاون وزارت بهداشتی، بهزیستی، معاون وزارت آموزش و پرورش و استاندار یزد شد. پس از انقلاب در لس‌آنجلس

دکتر محمد حسن، رهنوردی برای ایرانیان چهره‌های شناخته‌شده است. او در نوجوانی، هنگامی که دانش‌آموز دبیرستان بود، با کسب موفقیت در مسابقات قهرمانی کشور، قدم در جاده شهرت گذاشت. از آن پس یک پایش در دانشگاه بود، یک پایش در ورزشگاه. از دانشکده دندانپزشکی که دیپلم گرفت دستی به «کلپتین» داشت و دستی به «هالتر». در مطب دندانپزشکی خود (چهارراه مخبرالدوله - اول خیابان

کیومرث ابوالملوکی، داور بین‌المللی

کشتی‌گیران

خجسته‌پور، مهدی یعقوبی، ناصر گیوه‌چی، امامعلی حبیبی، نبی سروری، عباس زندی، غلامرضا تختی، حسین نوری، عبدالله نادری، سرپرست وزنه‌برداری، اصلاتخانی، مربی وزنه‌برداری، کلیسانین، مربی وزنه‌برداری

وزنه‌برداران

محمود نامجو، حسین زرینی، هنریک تمز، ابراهیم پیروی، جلال منصور، دکتر حسن رهنوردی، فیروز پژمان. داود نصیری: سرپرست وزنه‌برداری، نجم‌الدین فارامی: دوند «دهگانه»، علی باغبانباشی: دونده، پورا عبدلین: سرپرست دو و میدانی، مجید بختیار: رئیس فدراسیون وزنه‌برداری، سرهنگ پرویز خسروانی: مدیر باشگاه تاج، حسین رضی‌زاده: مربی کشتی، شعاع معتمدی: مدیر باشگاه شعاع، دکتر علی زاهدی: پزشک کاروان، غلامرضا مجید: مدیر باشگاه، دکتر حمزوی، پناه ایزدی: همراه، قاسم فارسی: عکاس، محمود تفضلی، نویسنده ورزشی وزنه‌کاران بعد از ظهر روز دوشنبه بیست‌ویکم آبان‌ماه وارد ملیورن شدند. روز سه‌شنبه استراحت و روز چهارشنبه تمرین‌های خود را آغاز کردند.

آشنایی با حبیبی

مطلبی که می‌بایست درباره اردوی آمادگی بازی‌های ملیورن بنویسم، آشنایی من با امامعلی حبیبی، کشتی‌گیر و قهرمان نامدار بود. در اردو به من گفتند که جوانی از اهالی شاهی مازندران تا کنون توانسته تمام حریفان خود را شکست داده و وارد اردوی المپیک بشود و این جوان کارمند شهرداری شهر شاهی است و بسیار خوب درخشیده است. چون کسی را در اردو نمی‌شناخت و از آنجا که من سال‌های اول را از شهرستان ساری در مسابقه‌ها شرکت می‌کردم و به قول معروف یک پاز مازندرانی بودم، قرار شد با من دیداری داشته باشد تا اگر راهنمایی‌هایی از من خواست، انجام بدهم.

وقتی حبیبی به اتاق من وارد شد، او را سراپا انرژی، رشادت و قدرت دیدم. چون از وضع داوری‌ها شکایت داشت، تنها سفارشی که به عنوان یک ورزشکار با تجربه به او کردم این بود که اول سعی کن موفقیتی کسب کنی، بعداً نظریات خود را مطرح کن وگرنه زمانی که هنوز انتخاب نشده‌ای، با سران قوم در افتادن موفقیت تو را مشکل خواهد کرد. خدا را شکر که نصیحت برادرانه مرا گوش کرد. علاوه بر آنکه،

با تجربیاتی که از المپیک‌های سال ۱۹۴۸ لندن و ۱۹۵۲ هلسینکی به دست آمده بود، برای آمادگی هر چه بهتر ورزشکاران ایران در بازی‌های ملیورن، سازمان تربیت بدنی از هیچ‌گونه کوششی فروگذاری نکرد. اردوی بازی‌های المپیک با وسایل کافی و برنامه کاملاً حساب‌شده از لحاظ تمرین، خوراک، استراحت و برنامه‌های تفریحی برپا شده بود. مخصوصاً وضع بودجه تربیت بدنی نسبت به سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۵۲ به مراتب بهتر شده بود و افراد بیشتری به اردو دعوت شده بودند و با مسابقه‌هایی که انجام می‌گرفت، استعدادها بیشتر کشف می‌شد. بالاخره روز موعود فرا رسید و کاروان برگزیده‌شده روز پنجشنبه هفدهم آبان‌ماه سال ۱۳۳۵ در کاخ مرمر به حضور شاهنشاه رسیدند.

شاهنشاه در این شرفیابی همه ورزشکاران شرکت‌کننده را مورد تشویق قرار دادند، به‌خصوص قهرمانانی نظیر غلامرضا تختی را که ایشان فرمودند: «شما هم بی‌شک بر رقیبان خود فائق خواهید شد و باعث افتخار ایران می‌گردید» و به نامجو گفتند: «به شما بیش از اندازه امیدواریم، امید است برای ملت ایران اسباب سرافرازی شوید.»

شاهنشاه ورزشکاران را مخاطب قرار داده، فرمودند: «تا کنون برای این اردو زحمات فراوانی کشیده شده و از هیچ کوششی فروگذار نشده است. قهرمانان در شرایطی اردوهای تمرینی المپیک را به پایان رسانیده‌اند که گمان می‌کنم کمتر نظیری در دنیا برای آن بتوان یافت. ما امیدواریم که این کوشش و تلاش به ثمر برسد و قهرمانان ایران بتوانند مقام شامخی به دست آورند.»

به هر روی، روز شنبه نوزدهم آبان‌ماه سال ۱۳۳۵ هیئت اعزامی از فرودگاه مهرآباد به سوی ملیورن پرواز کردند. هیئت اعزامی مرکب از سی‌وهفت ورزشکار و سرپرست بود که عبارت بودند از: هشت کشتی‌گیر، هفت وزنه‌بردار، دو نفر دو و میدانی؛ یعنی هفده نفر شرکت‌کننده و بیست نفر که افرادی از قبیل رئیس فدراسیون، مدیران باشگاه‌های ورزشی، مربیان و داوران، همچنین پزشک، عکاس و نماینده مجلات ورزشی بودند که همه زیر سرپرستی تیمسار سرلشکر ایزدپناه قرار داشتند.

اسامی افراد شرکت‌کننده در بازی‌های المپیک ۱۹۵۶ ملیورن

تیمسار سرلشکر ایزدپناه، رئیس سازمان تربیت بدنی
یعقوب لطیفی، سرپرست اردو
حبیب‌الله بلور، سرپرست کشتی
عبدالله مجتبیوی، مربی کشتی



غلامرضا تختی، برنده مدال طلای المپیک ۱۹۵۶، در بازگشت از ملیورن نشان درجه یک تربیت بدنی را دریافت داشت. محمدرضا شاه نشان را به سینه تختی نصب می‌کند و سرلشکر ایزدپناه ناظر این صحنه است.

چنانچه خواهیم دید، گردن‌آویز زرین المپیک را نصب خود کرد و بعدها نیز نماینده مجلس شورای ملی از شاهی شد و پس از آن در چند فیلم سینمایی نقش اول را بازی کرد که معروف‌ترین آن «ببر مازندران» بود.

درگذشت صدری

آقای ابوالفضل صدری، یکی از بنیادگذاران ورزش نوین ایران که سال‌ها ریاست دبیرخانه تربیت بدنی را به عهده داشت، هنگامی که دو ساعت قبل از شروع بازی‌ها با اتومبیل عازم استادیوم ورزشی ملیورن بود، بر اثر سکنه قلبی درگذشت. این اتفاق در روحیه ورزشکاران که با شوق و شوری فراوان خود را برای رژه آماده می‌کردند اثر کسل‌کننده‌ای گذاشت و شرکت‌کنندگان در حالی که بازوبند سیاه بسته بودند، با قیافه‌های افسرده و غمگینی در مراسم رژه شرکت کردند؛ در صورتی که آن زنده‌یاد در روز برافراشتن پرچم ایران در اردوی المپیک با کمال سلامت و شادابی کامل میان کلیه ورزشکاران و سرپرستان ایستاده و در مراسم عکس‌برداری شرکت کرده بود.

جریان، بنا بر روایتی که باغبانباشی، قهرمان دوهای استقامت، تعریف می‌کند از این قرار بوده است: ←

شیوه تمرین‌های قهرمانان دیگر با باغباناشی متفاوت بود، چون آنان زیر نظر مربیان آموخته و باتجربه، با هدف و برنامه مشخص تمرین می‌کردند، ولی باغباناشی با تمرینات دیمی و بدون هیچ‌گونه روش علمی، فقط حداکثر فشار را به خود می‌آورد؛ به طوری که وقتی قهرمان بزرگی مانند زاتوپک تمرینش تمام می‌شد، هنوز باغباناشی در حال دو بود. فکر می‌کرد با بیشتر تمرین کردن و بیشتر فشار آوردن می‌تواند موفق شود.

روز مسابقه دوی ماراتن، هوا نسبت به روزهای دیگر گرم‌تر بود و باغباناشی پس از دویدن ۹ کیلومتر، شریان پایش پاره شد و خونریزی پیدا کرد و او را به بیمارستان بردند.

رکوردهای باغباناشی در فاصله کرج و تهران به مسافت ۴۲ کیلومتر برابر با دو ساعت و بیست دقیقه بود. معمولاً در دوی ماراتن رکورد اعلام نمی‌شود، چون شرایط اجرای مسابقه و مسیر آن در جاهای مختلف فرق می‌کند.

شوروی و در وزن برداری پس از آمریکا و شوروی بر سکوی سوم ایستاد.

در رده‌بندی کشورهای شرکت‌کننده در بازی‌های المپیک ملبورن بر حسب دریافت گردن‌آویز، ایران با دو گردن‌آویز زرین، دو گردن‌آویز سیمین و یک گردن‌آویز برنز، در بین سی و هشت کشوری که گردن‌آویز به دست آورده بودند، مقام هفدهم را کسب کرد و بیست و یک کشور باقیمانده گردن‌آویزی به دست نیاوردند.

در این بازی‌ها من در وزن میان‌سنگین شرکت کرده بودم و با وجود اینکه رکورد قابل توجهی به جای گذاشتم، در مجموع با قهرمان فرانسوی ۴۲۵ کیلو مساوی کردم، ولی چون هنگام وزن‌کشی او در حدود سیصد گرم از من سبک‌تر بود، طبق قوانین بازی‌ها او برنده گردن‌آویز برنز شد و من مقام چهارم را به دست آوردم.

دلیل آن نیز این بود که در حرکت دوم دوزرب، مچ پای راستم پیچید. بدون توجه به این ضرب‌خوردگی، در حرکت

→ هنگامی که علی باغباناشی در کنار خیابان در ملبورن منتظر تاکسی بود تا خود را به استادیوم برای مراسم افتتاحیه برساند، اتومبیلی جلویش توقف می‌کند و آقای صدی از داخل اتومبیل از باغباناشی می‌پرسد که آیا او نیز به استادیوم می‌رود. باغباناشی جواب مثبت می‌دهد و بلافاصله در صندلی جلو، در کنار راننده که دختری از زیارویان استرالیا بود، می‌نشیند.

آقای صدی سر صحبت را با باغباناشی درباره مسابقه‌ها باز می‌کند و باغباناشی نیز از وضع خود و مربیان شرح می‌دهد، ولی ناگهان آقای صدی در حین صحبت‌هایش خاموش می‌شود. راننده اتومبیل به باغباناشی اشاره می‌کند که او خوابیده. وقتی باغباناشی سرش را به عقب برمی‌گرداند، متوجه می‌شود که او سخته کرده و درگذشته است. اتومبیل به سرعت به طرف بیمارستان حرکت می‌کند، اما پزشکان پس از معاینه اظهار می‌دارند ایشان بر اثر عارضه قلبی درگذشته است. مرحوم صدی با صداقت و علاقه وافر



کاروان اعزامی ایران به بازی‌های المپیک ۱۹۵۶ ملبورن در پای پرچم برافراشته شده ایران در دهکده المپیک ردیف ایستاده از راست حسین اصلانخانی منصفی فارابی دکتر رهنوردی لطیفی تیمسار خسروانی داوود نصیری تیمسار ایزدپناه صدی ابولمؤکی، شعاع، مجید بختیار غلامرضا مجید، نبی سروری زندی، زرینی گیوه چی ردیف نشسته از راست رضی زاده، مجتبیو خجسته پور نوری حبیب بلور تختی یعقوبی منصور، تهر، پیروی

آلن میمون فرانسوی که در بازی‌های ۱۹۴۸ لندن و ۱۹۵۲ هلسینکی در دوهای پنج‌هزار متر و ده‌هزار متر به «سایه زاتوپک» معروف شده بود و پس از زاتوپک مقام دوم را به دست آورده بود، در این مسابقه به خوبی درخشید و توانست گردن‌آویز زرین المپیک را در ماراتن، که بزرگ‌ترین افتخار هر المپیکی است، با رکوردی برابر دو ساعت و بیست و پنج دقیقه به دست آورد.

در این مسابقه زاتوپک، قهرمان افسانه‌ای چکسلواکی، مقام ششم را به دست آورد و کوستلسی آمریکایی نفر بیستم گردید.

آلن میمون که در بازی‌های پیشین سه گردن‌آویز سیمین به دست آورده بود، توانست در سی و پنج سالگی به آرزوی دیرین خود که قهرمانی المپیک بود دست یابد و این برتری خود را مروهون زاتوپک، دوندۀ بزرگ جهان، می‌دانست.

پس از بازگشت پنجشنبه بیست و دوم آذرماه ۱۳۳۵ ساعت ۱۰:۳۰ بامداد، ورزشکاران اعزامی به بازی‌های المپیک ملبورن به اتفاق سرپرستان در کاخ مرمر به حضور شاهنشاه شرفیاب شدند و شاهنشاه به تختی و حبیبی گردن‌آویز درجه یک تربیت بدنی دادند و با یکایک قهرمانان صحبت کرده، از وضع زندگی و کارشان پرسش‌هایی کردند. **دنباله دارد**

سوم ضربه بیشتری دید؛ به طوری که یک شب در بیمارستان بستری شدم و پایم را تا نزدیکی‌های زانو گچ گرفتند که با همان وضع به ایران برگشتم.

این حادثه یکی از دردناک‌ترین حوادث زندگی‌ام بود؛ زیرا یکی از آرزوهایم داشتن گردن‌آویز المپیک بود که در هر دو المپیک ۵۲ و ۵۶ ناکام شدم و غم این حادثه سال‌ها مرا رنج می‌داد و مانند موربانه وجودم را می‌خورد. چون کاملاً روشن بود که گردن‌آویز برنز، حتی گردن‌آویز سیمین، حق من بود و از هر لحاظ بر رقیب فرانسوی خود برتر بودم. به طوری که خواهد آمد، در سال بعد، یعنی در سال ۱۹۵۷، مسابقه‌های قهرمان جهان، این رقیب فرانسوی حاضر نشد و من توانستم با بالا بردن پانزده کیلو بیشتر از رکورد خود، نفر دوم جهان بشوم.

در قسمت دو و میدانی، باغباناشی با شرکت نکردن در مسابقه‌های پنج‌هزار متر و ده‌هزار متر، نیروی خود را برای مسابقه دوی ماراتن ذخیره کرد و با تمرینات منظم و خوبی که داشت، امید زیاد می‌رفت که موفقیت به دست آورد. از روز ورود به ملبورن، باغباناشی هر روز صبح و عصر با قهرمانان بزرگی چون زاتوپک از چکسلواکی و کوستلسی از آمریکا تمرین می‌کرد.

سال‌ها به ورزش ایران خدمت کرد. یادش گرمی باد.

ره‌آورد های ملبورن

در این بازی‌ها یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای جامعه ورزشی ایران برآورده شد. امامعلی حبیبی، همان جوان شهرستانی کارمند شهرداری شهرستان شاهی، برنده گردن‌آویز زرین المپیک در وزن چهارم کشتی آزاد و همچنین غلامرضا تختی برنده گردن‌آویز زرین المپیک در وزن هفتم کشتی شدند.

این موفقیت فوق‌العاده ارزنده و افتخارآمیز بود، به طوری که وقتی خبر آن به ایران می‌رسد، تمام کشور یکپارچه غرق در شادی می‌شوند و حتی افراد عادی این موفقیت را به همدیگر تبریک می‌گفتند. این دو قهرمان و پهلوان نامی ایران با کمال قدرت و شجاعت با حریفان خود روبه‌رو شده و با وجود دسته‌بندی‌هایی که از طرف بلوک‌های شرق و غرب بر علیه رقیبان قدرتمند خود می‌کردند، با سربلندی توانستند آنها را شکست داده و تاج قهرمانی را بر سر نهند و گردن‌آویز زرین المپیک را که بزرگ‌ترین و بالاترین موفقیت در هر ورزشی است، نصیب خود کنند.

در کشتی و وزن‌برداری، ورزشکاران ایران توانستند مقام سوم خود را نگه دارند. در کشتی، ایران پس از ترکیه و

وعده دوباره پزشکيان برای افزایش رقم کالابرگ؛ وزیر اقتصاد می‌گوید فقط برخی دهک‌ها مشمول افزایش رقم کالابرگ می‌شوند!



بود؛ تکانی که شوک بزرگی به قیمت اقلام خوراکی وارد کرد و همان زمان هم این یارانه‌ی حمایتی نتوانست کمر راست کارگران را صاف کند.

مجید رحمتی عضو هیئت مدیره شورای کار استان تهران نیز معتقد است حتی افزایش دو برابری رقم کالابرگ هم نمی‌تواند کمکی به معیشت خانوارهای کم‌درآمد باشد: «امروز پس از عبور از امواج پی‌درپی گرانی، قدرت خرید این یارانه‌ها به شدت سقوط کرده است؛ به طوری که حتی دو برابر شدن مبلغ کالابرگ نیز نمی‌تواند شکاف عمیق میان درآمد کارگران و هزینه‌های واقعی سبد معیشت را پوشش دهد.»

این فعال کارگری مشکل اصلی را رقم پایین حقوق مصوب اقشار کارگری ارزیابی می‌کند: «شتاب تورم روی اقلام خوراکی و مایحتاج سفره مردم به هیچ وجه قابل مقایسه با سایر بخش‌ها نیست. وقتی دستمزدهای جامعه کارگری متناسب با تورم جهشی اقلام خوراکی رشد نمی‌کند، این ناترازی بنیادین، فشار را بر مصرف‌کننده نهایی مضاعف می‌سازد و عملاً سفره‌ها را کوچک‌تر می‌کند.»

مجید رحمتی افزوده «تحولات بازار نشان می‌دهد شکاف قیمتی ایجاد شده، بسیار بزرگ‌تر و عمیق‌تر از توان پرداختی مردم است و اختلاف هزینه‌ها و شکاف معیشتی امروز، حداقل بیش از دو تا دو و نیم برابر شده است. برآیند ارقام به وضوح ثابت می‌کند که این دست اقدامات بازتوزیعی، بدون مهار ریشه‌ای تورم، صرفاً در حکم یک مسکن موقتی و ناپایدار است.»

او تأکید کرده که «افزایش رقم کالابرگ اثر ملموس و مستمری بر بهبود معیشت کارگران نخواهد داشت؛ چرا که بازار بلافاصله خود را با ارقام جدید نقدینگی تعدیل می‌کند. این شیوه‌ی تزریق مستقیم پول، در بستر ناترازی بازار، خیلی زود خود به یکی از محرک‌های اصلی و شتاب‌دهنده‌های تورم تبدیل می‌شود؛ زیرا در چرخه اقتصاد، تحریک تقاضا در شرایط کمبود عرضه کالا، خود به خود موج جدیدی از گرانی پدید می‌آورد.»

کالابرگ خریداری می‌کند. پیرو اعتراضات نسبت به ناچیز بودن رقم کالابرگ و با توجه به هشدارهای کارشناسان و فعالان صنفی درباره بحران گسترده معیشتی در میان اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد مسعود پزشکيان ماه گذشته نیز دستور افزایش رقم کالابرگ را صادر کرد اما پس از چند روز سخنگوی دولت اعلام کرد فعلاً خبری از افزایش رقم کالابرگ نیست. احمد میدری وزیر کار نیز اعلام کرد منابع برای افزایش رقم کالابرگ در دست نیست.

اکنون دولت‌مردان جمهوری اسلامی با توجه به آزادسازی پول‌های بلوکه شده ایران در دیگر کشورها - با اجرای تفاهم‌نامه امضا شده میان رژیم تهران و آمریکا- امیدوارند منابع مالی برای برخی پولپاشی‌ها و هزینه‌ها از جمله افزایش رقم کالابرگ امکان‌پذیر شود. با اینهمه همچنان تحلیلگران معتقدند حتی افزایش دو برابری رقم کالابرگ را نیز چاره‌ساز حل بحران معیشتی نیست.

در همین رابطه خبرگزاری «ایلنا» نوشته کارشناسان و فعالان کارگری معتقدند این تصمیمات، بیش از آنکه یک جراحی اقتصادی یا حمایت ریشه‌ای باشد، دوییدن انفعالی دولت پشت سر قطار شتابان تورم است.

خبرگزاری «ایلنا» افزوده این طرح رفاهی، در همان آغاز کار، با دو چالش و ابهام اساسی روبه‌رو است که کارآمدی آن را زیر سوال می‌برد: اولین گره کور، به معیارهای مبهم و پرخطای دهک‌بندی بازمی‌گردد. وزارت رفاه هنوز مشخص نکرده که با چه متر و معیاری یک خانواده را «فرو دست» یا «متوسط» تلقی می‌کند. در حال حاضر، سیستم پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان بر اساس شاخص‌های ناعادلانه مثل داشتن یک خودروی مدل پایین یا گردش مالی ناچیز ناشی از وام، بسیاری از خانوارهای کارگری و نیازمند واقعی را در دهک‌های ۵ و ۶ قرار داده است؛ مسئله‌ای که باعث شده این قشر عملاً از چرخه حمایت‌های ویژه دولت حذف شوند.

همچنین زمان تصویب کالابرگ یک میلیون تومانی در دی ماه سال قبل، هم‌زمان با آخرین مرحله‌ی حذف ارز ترجیحی

● مسعود پزشکيان اعلام کرده که مبلغ کالابرگ، متناسب با نرخ تورم، اصلاح می‌شود. علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد اما بلافاصله اعلام کرده افزایش رقم کالابرگ وابسته به درآمدهای نفتی کشور است و رقم کالابرگ در صورت افزایش فقط مشمول شش دهک پایین درآمدی می‌شود.

● در حالیکه در ماه‌های گذشته تورم به ویژه در بخش مواد غذایی با افزایش چشمگیری روبه‌رو بوده، تحلیلگران می‌گویند ارزش واقعی یا قدرت خرید کالابرگ کاهش پیدا کرده است.

● مجید رحمتی فعال کارگری معتقد است حتی افزایش دو برابری رقم کالابرگ هم نمی‌تواند کمکی به معیشت خانوارهای کم‌درآمد باشد.

مسعود پزشکيان اعلام کرده که مبلغ کالابرگ، متناسب با نرخ تورم، اصلاح می‌شود. علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد اما بلافاصله اعلام کرده افزایش رقم کالابرگ وابسته به درآمدهای نفتی کشور است و رقم کالابرگ در صورت افزایش فقط مشمول شش دهک پایین درآمدی می‌شود. در این میان فعالان کارگری و تحلیلگران معتقدند حتی افزایش رقم کالابرگ نیز نمی‌تواند مشکلات عمیق معیشتی خانوارهای کم‌درآمد را کاهش دهد.

موضوع افزایش رقم کالابرگ در هفته‌های گذشته بارها مطرح شده است. در حال حاضر حدود ۶۰ درصد از جمعیت کشور ماهانه یک میلیون تومان به ازای هر فرد در قالب طرح کالابرگ و برای خرید کالاهای اساسی از جمله شماری از مواد غذایی مشخص و پوشک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در حالیکه در ماه‌های گذشته تورم به ویژه در بخش مواد غذایی با افزایش چشمگیری روبه‌رو بوده، تحلیلگران می‌گویند ارزش واقعی یا قدرت خرید کالابرگ کاهش پیدا کرده است. به بیان دیگر اگر یک خانوار سه نفره در دی‌ماه گذشته و زمان آغاز طرح ارائه کالابرگ می‌توانست یک سبد مشخص از کالا را با این اعتبار مالی خریداری کند، اکنون و در کمتر از شش ماه سبدي به مراتب کوچکتر را با منابع

مذاکرات محرمانه جمهوری اسلامی و آمریکا در سوئیس؛ اولویت جمهوری اسلامی توقف حملات اسرائیل به حزب الله است



قالیباف و عراقچی در حال بحث در هواپیما «معراج» در سفر به سوئیس

می‌کند. قالیباف گفته بود مذاکرات با آمریکا همچنان در چارچوب «خطوط قرمز» جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت. مذاکره با «قاتلان علی خامنه‌ای» با موجی از انتقادات درون حکومتی مواجه شده است. در واکنش به این انتقادات قالیباف در «ایکس» نوشت، «خدا کند که شرمنده شهدای مظلوم و ملت ایران نباشم و روسفید به یارانم ببیوندم که برای دیدنشان لحظه‌شماری می‌کنم.»

با افزایش اختلاف‌ها برای سر مذاکره کردن یا نکردن با آمریکا شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، گفته شد شنبه ۳۰ خرداد، در دستورالعملی جدید، رسانه‌ها را از القای آنچه «دوگانه میدان- دیپلماسی» نامید بر حذر داشت و تاکید کرد رسانه‌ها باید از هرگونه روایت‌سازی مبتنی بر تعارض میان این دو حوزه خودداری کنند.

شبکه سی‌ان‌ان به نقل از یک مقام ایرانی گزارش داد که پایان دادن به حملات اسرائیل به لبنان، مهم‌ترین موضوع دستورکار هیأت ایرانی در مذاکرات امروز با آمریکا در سوئیس است.

این مقام افزود جمهوری اسلامی این دور از گفتگوها را بخشی از مذاکرات رسمی پیش‌بینی‌شده در توافق اولیه امضا شده میان دو کشور می‌داند؛ زیرا برخی مفاد کلیدی تفاهم‌نامه هنوز محقق نشده که مهم‌ترین آن، بندی است که بر پایان جنگ در لبنان تأکید دارد.

ملی و شماری دیگر از مقامات جمهوری اسلامی برای مذاکره با آمریکا به زوریخ سوئیس رفته‌اند. همزمان، مقام‌های آمریکایی نیز برای حضور در این مذاکرات وارد سوئیس شده‌اند. جی‌دی ونس معاون ترامپ، استیو ویتکاف فرستاده ویژه دونالد ترامپ و جرد کوشتر از جمله چهره‌های حاضر در مذاکرات هستند.

اجرای تفاهمات دوجانبه، آتش‌بس در لبنان و پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی در دستور کار این مذاکرات قرار دارد.

نمایندگان کشورهای میانجی نیز در سوئیس حضور دارند. محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر، پیش از آغاز نشست‌ها با ایگنازیو کاسیس وزیر خارجه سوئیس، درباره آخرین تحولات مرتبط با توافق تهران و واشنگتن گفتگو کرد.

همچنین گزارش‌ها از سفر شهپاز شریف نخست‌وزیر پاکستان و عاصم منیر فرمانده ارتش این کشور، به سوئیس حکایت دارد. قطر و پاکستان از بازیگران اصلی در شکل‌گیری تفاهم اسلام‌آباد و تسهیل ارتباطات میان ایران و آمریکا محسوب می‌شوند.

وزارت خارجه سوئیس اعلام کرده است که شرایط لازم برای برگزاری گفت‌وگوهایی محرمانه و امن را در بورگن‌اشتوک فراهم کرده و به دلیل حساسیت مذاکرات، از ارائه جزئیات بیشتر درباره شرکت‌کنندگان و محتوای نشست‌ها خودداری

● محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، عباس عراقچی وزیر خارجه، عبدالناصر همتی رئیس بانک مرکزی، علی باقری‌کنی معاون بین‌الملل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و شماری دیگر از مقامات جمهوری اسلامی برای مذاکره با آمریکا به زوریخ سوئیس رفته‌اند.

● همزمان، مقام‌های آمریکایی نیز برای حضور در این مذاکرات وارد سوئیس شده‌اند. جی‌دی ونس معاون ترامپ، استیو ویتکاف فرستاده ویژه دونالد ترامپ و جرد کوشتر از جمله چهره‌های حاضر در مذاکرات هستند.

● مذاکره با «قاتلان علی خامنه‌ای» با موجی از انتقادات درون حکومتی مواجه شده است. در واکنش به این انتقادات قالیباف در «ایکس» نوشت، «خدا کند که شرمنده شهدای مظلوم و ملت ایران نباشم و روسفید به یارانم ببیوندم که برای دیدنشان لحظه‌شماری می‌کنم.»

● شبکه سی‌ان‌ان به نقل از یک مقام ایرانی گزارش داد که پایان دادن به حملات اسرائیل به لبنان، مهم‌ترین موضوع دستورکار هیأت ایرانی در مذاکرات امروز با آمریکا در سوئیس است.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، عباس عراقچی وزیر خارجه، عبدالناصر همتی رئیس بانک مرکزی، علی باقری‌کنی معاون بین‌الملل دبیرخانه شورای عالی امنیت

تلگراف: اختلاف نظر متحدان ترامپ بر سر توافق با رژیم ایران



داشته باشد.

مارک لوین، مفسر محافظه‌کار آمریکایی که بارها مورد ستایش دونالد ترامپ قرار گرفته و به مراسم «حنوکا» در دسامبر در کاخ سفید دعوت شده بود، از سوی ترامپ با عنوان «مارک لوین بزرگ» معرفی شد.

او از زمان آغاز همپارن‌ها در تهران در ۲۸ فوریه، به یکی از پر سر و صداترین حامیان ترامپ تبدیل شد و تلاش کرد از سیاست‌های ریاست جمهوری آمریکا در برابر بخش فزاینده‌ای از هواداران جنبش «عظمت را دوباره به آمریکا برگردانیم» که نسبت به ادامه درگیری‌ها و سیاست‌های دولت بدبین شده بودند، دفاع کند.

او با حضور در برنامه‌های تلویزیونی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های محافظه‌کار، استدلال می‌کرد که اقدامات ترامپ در قبال رژیم ایران در راستای منافع امنیتی آمریکا و متحدانش قرار دارد و از پایگاه سیاسی رئیس جمهوری می‌خواست از این سیاست‌ها حمایت کند.

اما آقای لوین در عین حال به همفکران محافظه‌کار خود هشدار داد. او در یکی از پیام‌های متعدد خود در شبکه‌های اجتماعی که در انتقاد از این توافق منتشر کرد نوشت: «وقتی گرد و غبار فرو بنشیند، مردم آمریکا خشمگین خواهند شد.»

وی افزود: «در حالی که ما بندها و مفاد یادداشت تفاهم را برای یافتن تضمین‌ها موشکافی می‌کنیم، دشمن هیچ اهمیتی نخواهد داد. آنها فقط کار خود را انجام می‌دهند.» بسیاری از جمهوری‌خواهان اساساً به جمهوری اسلامی ایران برای پایبندی به تعهداتش در برابر ایالات متحده اعتماد ندارند. کشوری که رهبران رژیم سال‌ها از آن با عنوان «شیطان بزرگ» یاد کرده‌اند. در حالی که حکومت ایران همواره مدعی بوده در پی ساخت سلاح هسته‌ای نیست، به غنی‌سازی اورانیوم در سطوحی بسیار فراتر از نیازهای غیر نظامی، در تأسیسات زیرزمینی ادامه داده است.

چارلی گرو، استراتژیست جمهوری‌خواه، در گفتگو با روزنامه «تلگراف» گفته: «من به ایرانی‌ها اعتماد ندارم. تا آنجا که به یاد می‌آورم، آنها به هیچ توافقی پایبند

داشته باشد. در مقابل گروهی دیگر معتقدند که دستیابی به یک توافق می‌تواند راهی برای مهار تنش‌ها و جلوگیری از درگیری‌های گسترده‌تر در خاورمیانه باشد.

این اختلاف‌نظرها باعث شده که بخشی از پایگاه سیاسی ترامپ که تاکنون در بسیاری از مسائل سیاست خارجی از مواضع او حمایت کرده بود، در برابر احتمال توافق با تهران، مواضع متفاوتی اتخاذ کند. بعضی از چهره‌های برجسته جریان «عظمت را دوباره به آمریکا باز گردانیم» هرگونه توافق با جمهوری اسلامی را نشانه ضعف دانسته‌اند. در حالیکه عده‌ای دیگر آن را اقدامی عملگرایانه برای پیشبرد منافع آمریکا ارزیابی می‌کنند.

متحدان دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده، یکی پس از دیگری به انتقاد از توافق صلح او با رژیم ایران پرداخته‌اند.

چهره‌هایی از حزب جمهوری‌خواه و ائتلاف سیاسی «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم» نسبت به یادداشت تفاهمی که روز چهارشنبه به امضای رئیس جمهوری رسید، اعتراض کرده‌اند.

از سناتورهای جمهوری‌خواه گرفته تا مفسران شبکه «فاکس نیوز»، این توافق را محکوم کرده‌اند. توافقی که ایجاد یک صندوق ۳۰۰ میلیارد دلاری (۲۲۰ میلیارد پوندی) را برای «بازسازی» ایران در برمی‌گیرد و همچنین با آزادسازی دارایی‌های مسدود شده و لغو تحریم‌های نفتی، میلیاردها دلار دیگر را در اختیار جمهوری اسلامی قرار خواهد داد.

برخی از محافظه‌کاران از این موضوع اظهار خرسندی می‌کنند که جنگی که با مسدود شدن تنگه هرمز از سوی رژیم ایران موجب آشفتگی اقتصادی گسترده شده بود، پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای ماه نوامبر رو به پایان است.

اما گروهی دیگر این توافق را با سیاست مداخلات قدرت‌های غربی در برابر آلمان نازی در دهه ۱۹۳۰ میلادی مقایسه کرده‌اند. سیاستی که منتقدان آن را یکی از عوامل جسورتر شدن آدولف هیتلر و در نهایت آغاز جنگ جهانی دوم می‌دانند. آنها هشدار می‌دهند که امتیازدهی به جمهوری اسلامی ممکن است پیامدهای مشابهی در پی

● حامیان و متحدان سیاسی دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده، بر سر احتمال دستیابی به توافقی با جمهوری اسلامی ایران دچار اختلاف نظر و چند دستگی شده‌اند. اختلافی که نشانه‌هایی از شکاف در پایگاه سیاسی جنبش «عظمت را دوباره به آمریکا باز گردانیم» را آشکار کرده است.

● از سناتورهای جمهوری‌خواه گرفته تا مفسران شبکه «فاکس نیوز» این توافق را محکوم کرده‌اند. توافقی که ایجاد یک صندوق ۳۰۰ میلیارد دلاری (۲۲۰ میلیارد پوندی) را برای «بازسازی» ایران در برمی‌گیرد و همچنین با آزادسازی دارایی‌های مسدود شده و لغو تحریم‌های نفتی، میلیاردها دلار دیگر را در اختیار جمهوری اسلامی قرار خواهد داد.

● بسیاری از جمهوری‌خواهان اساساً به جمهوری اسلامی ایران برای پایبندی به تعهداتش در برابر ایالات متحده اعتماد ندارند. کشوری که رهبران رژیم سال‌ها از آن با عنوان «شیطان بزرگ» یاد کرده‌اند. در حالی که حکومت ایران همواره مدعی بوده در پی ساخت سلاح هسته‌ای نیست، به غنی‌سازی اورانیوم در سطوحی بسیار فراتر از نیازهای غیر نظامی، در تأسیسات زیرزمینی ادامه داده است.

● بر اساس نظرسنجی تابستانی مؤسسه ریگان، جمهوری‌خواهان هوادار جنبش «عظمت را دوباره به آمریکا باز گردانیم» تغییر حکومت در ایران را بر دستیابی به توافق صلح ترجیح می‌دهند. در این نظر سنجی ۵۱ درصد از پاسخ‌دهندگان از تغییر رژیم در ایران حمایت کرده‌اند، در حالی که تنها ۲۵ درصد طرفدار توافق صلح بوده‌اند.

● به گفته مارک تبسن، ستون نویس و از مشاوران مورد اعتماد آقای ترامپ، اختصاص صندوقی به ارزش ۳۰۰ میلیارد دلار برای بازسازی تهران که دولت آمریکا تأکید دارد منابع آن از سوی متحدان خاورمیانه‌ای تأمین خواهد شد نه از بودجه ایالات متحده، یک فاجعه است. این طرح مانند پیشنهاد طرح مارشال برای بازسازی آلمان در زمانی که نازی‌ها هنوز در قدرت بودند، است.»

● مشکل پیچیده‌ای که رئیس جمهوری آمریکا با آن روبروست این است که برخی از جمهوری‌خواهان در آستانه بازنسنجی قرار دارند یا اخیراً در انتخابات مقدماتی از رقبای خود شکست خورده‌اند. از این رو اهرم فشاری که او پیش‌تر با تهدید به پایان دادن آینده سیاسی آنان در اختیار داشت، تا حد زیادی تضعیف شده است.

پایه‌های شعار سیاسی رئیس جمهوری ایالات متحده «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم»، بر سر توافقی که از سوی منتقدان به «سیاست دلجویی و مداخلات با نازی‌ها» تشبیه شده است، دچار شکاف و چنددستگی شده است.

حامیان و متحدان سیاسی دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده، بر سر احتمال دستیابی به توافقی با جمهوری اسلامی ایران دچار اختلاف نظر و چند دستگی شده‌اند. اختلافی که نشانه‌هایی از شکاف در پایگاه سیاسی جنبش «عظمت را دوباره به آمریکا باز گردانیم» را آشکار کرده است. برخی از منتقدان این توافق، آن را با سیاست «مداخلات با نازی‌ها» در آستانه جنگ جهانی دوم مقایسه کرده و هشدار داده‌اند که هرگونه مصالحه با جمهوری اسلامی می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای امنیت و منافع غرب به همراه

شناخته می‌شود در ازای کاهش و محدودیت فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم بخشی از تحریم‌های اعمال شده علیه رژیم ایران را لغو می‌کند.

مشکل پیچیده‌ای که رئیس جمهوری آمریکا با آن روبروست این است که برخی از جمهوری‌خواهان در آستانه بازنشستگی قرار دارند یا اخیراً در انتخابات مقدماتی از رقبای خود شکست خورده‌اند. از این رو اهرم فشاری که او پیش‌تر با تهدید به پایان دادن آینده سیاسی آنان در اختیار داشت، تا حد زیادی تضعیف شده است.

سناتور بیل کسیدی از ایالت لوئیزیانا هم اعلام کرده «رونالد ریگان در گور خود آرام نیست و به خود می‌پیچد.» او این توافق را «برجام+» [برجام پلاس] توصیف کرد.

سناتور تام تیلیس از ایالت کارولینای شمالی نیز گفته «این یادداشت تقاهم، پس از جنگی که حدود ۱۰۰ میلیارد دلار (۷۴ میلیارد پوند) هزینه در برداشت و به کشته شدن ۱۳ نظامی آمریکایی انجامید، به هیچ وجه کافی و رضایت بخش نیست.

سناتور جان کورتین از ایالت تگزاس که در ماه ژوئن و پیش از شکست خود در انتخابات مقدماتی پیشنهاد داده بود یکی از بزرگراه‌های اصلی به نام دونالد ترامپ نامگذاری شود، گفته «هر آنچه تاکنون شنیده‌ام، موجب نگرانی من شده است.»

منبع: تلگراف
ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

بودجه ایالات متحده، یک فاجعه است.»
او ادامه داد: «این طرح مانند پیشنهاد طرح مارشال برای بازسازی آلمان در زمانی که نازی‌ها هنوز در قدرت بودند، است.»

لیندسی گراهام، یکی از نزدیک‌ترین متحدان دونالد ترامپ در کنگره آمریکا، نیز همین مقایسه را مطرح کرده است. هر چند پس از گفتگو با استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ایالات متحده در امور خاورمیانه، از این یادداشت تفاهم حمایت کرد. بن دومنیک، از چهره‌های شناخته شده شبکه «فاکس نیوز»، اظهار داشته «همه چیز در این توافقنامه نامطلوب به نظر می‌رسد و این توافق نتوانسته هیچ یک از اهدافی را که آقای ترامپ در آغاز این مناقشه ترسیم کرده بود، برآورد سازد.»

اریک اریکسون، از منتقدان اولیه دونالد ترامپ که بعدها از او حمایت کرد نیز اعلام کرده که «رئیس جمهوری آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران تسلیم شده است.»

به گفته‌ی چارلی کوپر که در دولت جورج دبلیو بوش خدمت کرده است، شماری از جمهوری‌خواهان بر این باورند که آقای ترامپ می‌توانست «برای دستیابی به شرایطی بهتر مقاومت کند» و به‌جای آنچه آنان «تسلیم شدن» تلقی می‌کنند، امتیازات بیشتری بگیرد.

به نظر می‌رسد برخی از جمهوری‌خواهان نیز نمی‌توانند توافقی را که یادآور توافق باراک اوباما در سال ۲۰۱۵ با جمهوری اسلامی ایران است را هضم کنند و با آن کنار بیایند. این توافق که با عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک»

فنانده‌اند. دست‌کم این برداشت من است.»
او افزود: «فقط مسئله زمان است تا این توافق از هم بپاشد و با شکست روبرو شود.»

جان کندی، سناتور جمهوری‌خواه از ایالت لوئیزیانا، نیز ارزیابی مشابهی ارائه کرده است. او روز چهارشنبه گفته: «هیچ‌کس اطمینان ندارد که ایران به تعهداتش عمل خواهد کرد. مگر اینکه توسط یک فرد دائم‌الخمر در خانه آموزش دیده باشید.»

دونالد ترامپ با وعده پایان دادن به «جنگ‌های بی‌پایان» و مداخلات پرهزینه و بی‌نتیجه‌ی آمریکا در خارج از کشور به شهرت سیاسی رسید. معاون او، جی‌دی‌ونس، نیز یکی از صداهای برجسته گرایش انزواگرایانه در دولت به شمار می‌رود و از سوی برخی منتقدان متهم شده است که برای پایان دادن به جنگ، حاضر به پذیرش توافقی به هر قیمتی بوده است. با این حال، نتایج اولیه نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از هواداران جنبش «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم» که ونس طی سال‌های گذشته برای جلب حمایت آنان تلاش فراوانی کرده است، نسبت به یادداشت تفاهم با جمهوری اسلامی دیدگاهی تردیدآمیز دارند.

بر اساس نظرسنجی تابستانی «مؤسسه ریگان» جمهوری‌خواهان هوادار جنبش «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم» تغییر حکومت در ایران را بر دستیابی به توافق صلح ترجیح می‌دهند. در این نظرسنجی ۵۱ درصد از پاسخ‌دهندگان از تغییر رژیم در ایران حمایت کرده‌اند، در حالیکه تنها ۲۵ درصد طرفدار توافق صلح بوده‌اند.

این ارقام در میان کل رأی‌دهندگان جمهوری‌خواه نیز تقریباً مشابه است و نشان می‌دهد که تردید نسبت به توافق با جمهوری اسلامی تنها به بخشی از جریان «عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم» محدود نمی‌شود، بلکه در میان طیف گسترده‌تری از محافظه‌کاران آمریکایی نیز وجود دارد.

راد درهر، نویسنده محافظه‌کار آمریکایی که از نزدیکان جی‌دی‌ونس به شمار می‌رود، در انتخابات سال ۲۰۲۴ به دونالد ترامپ رأی داد. تصمیمی که به گفته او تا حد زیادی به دلیل یکی از اصلی‌ترین وعده‌های ترامپ یعنی «پرهیز از جنگ‌های جدید» بود.

وی روز سه‌شنبه در خبرنامه‌ای نوشت: «ایالات متحده بدون اینکه به اهداف سیاسی و بنیادین خود دست پیدا کرده باشد، میلیاردها دلار صرف جنگ کرده است. جمهوری اسلامی همچنان ذخایر اورانیوم غنی شده خود را حفظ کرده و آموخته که هر زمان که اراده کند می‌تواند تنگه هرمز را مسدود سازد و اقتصاد جهانی را به گروگان بگیرد.» او اضافه کرده: «این یک تحقیر و خفتی با پیامدهای عظیم و سرنوشت‌ساز در ابعاد راهبردی و تاریخی است.»
وی در پایان نوشته: «به نوعی احساس می‌کنم تحقیر شده‌ام. زیرا می‌خواستم ترامپ با تمام کاستی‌هایش، دوباره رئیس جمهور شود. زیرا بیش از هر سیاستمدار بلند پایه آمریکایی دیگری به او اعتماد داشتم تا کشور را از این جنگ‌های بی‌حاصل و ویرانگر دور نگه دارد. حال ببینید چه شد.»

بسیاری از منتقدان بر این باورند که تصمیم دونالد ترامپ برای پایان دادن به جنگ، تصمیمی که خود رئیس جمهوری اذعان داشت با هدف جلوگیری از یک فاجعه اقتصادی اتخاذ شده است، شباهتی آشکار به سیاست مماشات با نازی‌ها دارد.

به گفته مارک تیسن، ستون نویس و از مشاوران مورد اعتماد آقای ترامپ، اختصاص صندوقی به ارزش ۳۰۰ میلیارد دلار برای بازسازی تهران که دولت آمریکا تأکید دارد منابع آن از سوی متحدان خاورمیانه‌ای تأمین خواهد شد نه از

ترامپ و تغذیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با دلار و ذرت و سویا



© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

۱۸ سال زندان و محرومیت دائم از حرفه وکالت؛ حکم سنگین صادر شده علیه جواد علیکردی



جواد علیکردی

جواد علیکردی غروب روز ۲۱ آذرماه بازداشت شد. او پس از به خشونت کشیده شدن مراسم هفتم برادرش، با انتشار یک ویدئو به برخورد نیروهای امنیتی و انتظامی، و بازداشت گسترده شرکت‌کنندگان در این مراسم انتقاد و اعلام کرد اسناد محرمانه‌ای درباره مرگ مشکوک برادرش در اختیار دارد که در صورت تداوم فشارهای مأموران آنها را علنی منتشر خواهد کرد.

به گفته نزدیکان خانواده، ساعاتی پس از انتشار این ویدئو، نیروهای امنیتی او را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. فعالان حقوق بشر می‌گویند بازداشت جواد علیکردی در واقع واکنشی به تلاش او برای طرح پرسش درباره نحوه مرگ برادرش و پیگیری حقیقت بوده است.

خسرو علیکردی، وکیل سرشناس دادگستری و فعال حقوق بشر، در ۱۴ آذرماه ۱۴۰۴ به شکل مشکوکی در دفتر کار خود جان باخت. مقامات قضایی علت مرگ او را «ایست قلبی» اعلام کردند، اما خانواده و نزدیکانش این روایت را رد کردند. به گفته خانواده، شواهدی مانند خونریزی غیرعادی در محل جان‌باختن خسرو علیکردی وجود داشته و همین مسئله تردیدها درباره روایت رسمی را افزایش داده است. خانواده علیکردی و شماری از وکلای دادگستری خواستار شفاف‌سازی درباره علت واقعی مرگ او شدند.

این وکیل ساکن مشهد طی سالهای گذشته از جمله وکلایی بود که بدون چشم‌داشت و بطور رایگان برای هموطنانی که در نقاط مختلف ایران قربانی ساختار سرکوب جمهوری اسلامی شده بودند وکالت کرد. او با فشارهای شدید امنیتی و قضایی روبرو بود. مدتها در زندان محبوس بود و ممنوع‌الخروج و در حالیکه دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه تهران بود ممنوع‌التحصیل شد. برادرش جواد نیز به علت فعالیت‌های برادرش با فشارهای امنیتی و قضایی روبرو بود.

نیمه اردیبهشت امسال منابع حقوق بشری گزارش داده بودند با وجود برگزاری دادگاه جواد علیکردی قوه قضاییه جمهوری اسلامی از آزادی او با سپردن وثیقه مخالفت می‌کند.

جواد علیکردی شامگاه ۲۱ آذرماه ۱۴۰۴ و ساعاتی پس از برگزاری مراسم هفتم برادرش در شهر مشهد بازداشت شد. در مراسم هفتم خسرو علیکردی هزاران شهروند به صورت خودجوش شرکت کرده و شعارهایی چون «پاینده ایران» و «جاویدشاه» سر دادند. همچنین شماری از فعالان مدنی از جمله نرگس محمدی، برنده جایزه صلح نوبل، در این مراسم شرکت کردند.

در این مراسم تعدادی از خانواده‌های دادخواه از جمله خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده نوجوان جانباخته در اعتراضات ۱۴۰۱ که خسرو علیکردی وکیل آنها بود، و همچنین طیبه نظری موکل خسرو علیکردی و مادر مریم آروین وکیل جانباخته در اعتراضات ۱۴۰۱ حضور داشتند.

مأموران امنیتی و یگان ضدشورش حکومت به سوی جمعیت حمله‌ور شدند، با شلیک گاز اشک‌آور و ساچمه برای پراکنده کردن جمعیت تلاش کردند و همچنین حاضران را مورد ضرب و جرح قرار دادند. بر اساس گزارش‌ها بیش از ۱۵ نفر از جمله علی آدینه‌زاده، رضا آدینه‌زاده، طیبه نظری، نرگس محمدی، هستی امیری، پوران ناظمی، نورا حقی، عالیه مطلب‌زاده، اسدالله فخمی، اکبر امینی، حسن باقری‌نیا، ابوالفضل ابری و سپیده قلیان بازداشت شدند.

همچنین فعالان پادشاهی‌خواه نیز گزارش داده‌اند که حیدر چاه چمنی، زندانی سیاسی سابق و کنشگر پادشاهی‌خواه، که در این مراسم و پس از ضرب و جرح توسط مأموران حکومتی با صورت خونی شاهنامه خواند، توسط مأموران بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شد.

● جواد علیکردی در شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد به اتهام «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» به پنج سال زندان و به اتهام «فعالیت تبلیغی برخلاف امنیت ملی موضوع ماده ۴ قانون تشدید مجازات جاسوسی» به ۱۳ سال زندان محکوم شده است.

● جواد علیکردی همچنین به انفصال دائم از حرفه وکالت، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال تبعید به شهر سراوان در استان سیستان و بلوچستان محکوم شده است.

● جواد علیکردی شامگاه ۲۱ آذرماه ۱۴۰۴ و ساعاتی پس از برگزاری مراسم هفتم برادرش در شهر مشهد بازداشت شد. در مراسم هفتم خسرو علیکردی هزاران شهروند به صورت خودجوش شرکت کرده و شعارهایی چون «پاینده ایران» و «جاویدشاه» سر دادند.

● خسرو علیکردی، وکیل سرشناس دادگستری و فعال حقوق بشر، در ۱۴ آذرماه ۱۴۰۴ به شکل مشکوکی در دفتر کار خود جان باخت. مقامات قضایی علت مرگ او را «ایست قلبی» اعلام کردند، اما خانواده و نزدیکانش این روایت را رد کردند.

جواد علیکردی، وکیل دادگستری و برادر خسرو علیکردی، وکیل دادگستری که آذرماه گذشته به شکلی مشکوک جان باخت، از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد به ۱۸ سال حبس، انفصال دائم از حرفه وکالت، تبعید و مجازات‌های تکمیلی محکوم شد.

خبرگزاری «هرانا»، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، گزارش داده جواد علیکردی در شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد به اتهام «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی» به پنج سال زندان و به اتهام «فعالیت تبلیغی برخلاف امنیت ملی موضوع ماده ۴ قانون تشدید مجازات جاسوسی» به ۱۳ سال زندان محکوم شده است.

بر اساس این حکم صادر شده جواد علیکردی همچنین به انفصال دائم از حرفه وکالت، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال تبعید به شهر سراوان در استان سیستان و بلوچستان محکوم شده است.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات جواد علیکردی بیستم خردادماه ۱۴۰۵ در شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد برگزار شده بود. پیش از آن نیز جلسه بازپرسی او در شعبه ۹۰۲ دادسرای مشهد برگزار و پس از صدور کیفرخواست، پرونده به دادگاه انقلاب ارجاع شده بود.

سازمان حقوق بشر ایران اواخر اردیبهشت‌ماه از محکومیت جواد علیکردی به ۱۰ سال زندان خبر داده و نوشته بود «این حکم در شرایطی صادر شده که وی از زمان بازداشت در زندان وکیل‌آباد مشهد نگهداری می‌شود و تاکنون اطلاعات شفافی درباره جزئیات اتهام‌های او منتشر نشده است.»

سازمان حقوق بشر ایران به نقل از منابع نزدیک به خانواده تأکید کرده بود که روند رسیدگی به پرونده در فضایی امنیتی انجام شده و خانواده تاکنون توضیح شفافی درباره دلایل صدور چنین حکم سنگینی دریافت نکرده‌اند.

فساد ساختاری در جمهوری اسلامی؛ ۹۴ میلیارد یورو ارز حاصل از صادرات به ایران بازنگشت



● رئیس سازمان بازرسی کل کشور با اعلام اینکه بیش از ۹۴ میلیارد یورو ارز حاصل از صادرات به کشور بازنگشته است توضیح داد «از این رقم، ۵۳ میلیارد یورو مربوط به سه شرکت دولتی شامل شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز و شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی بود که بخش قابل توجهی از اختلافات آنها تاکنون شفاف‌سازی شده است.»

● دادستان تهران نیز پنج خردادماه از تشکیل ۵۸۳ پرونده قضایی در رابطه به رفع تعهد ارزی و بازگرداندن ارزهای ناشی از صادرات به کشور خبر داده و گفته بود ۶۲ برگ جلب مرتبط با این پرونده‌ها صادر و ۱۳ مدیر شرکت‌های پتروشیمی و شرکت‌های وابسته در همین رابطه احضار شده‌اند.

● غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی، دی‌ماه گذشته اعلام کرده بود که طی هشت ماه نخست ۱۴۰۴، حدود هشت میلیارد دلار، معادل ۳۸ درصد از درآمد حاصل از فروش نفت ایران، به کشور بازنگشته است.

● فساد ساختاری در جمهوری اسلامی که بخش‌های مختلف از نهادهای قانونگذار و اجرایی تا نهادهای نظارتی و قوه قضاییه را در بر گرفته مهم‌ترین عامل ایجاد سازوکاری است که سبب شده بیش از یک سوم از درآمد ارزی حاصل از فروش نفت به ایران بازنگردد.

میلیارد دلار، معادل ۳۸ درصد از درآمد حاصل از فروش نفت ایران، به کشور بازنگشته است.

این نماینده مجلس شورای اسلامی با اشاره به اختلاف چشمگیر میان میزان فروش و وصول درآمدهای نفتی گفت حکومت ایران در هشت ماه حدود ۲۱ میلیارد دلار نفت فروخته، اما تنها ۱۳ میلیارد دلار از این رقم وصول شده است. غلامرضا تاجگردون همچنین با اشاره به کاهش درآمدهای نفتی حکومت در شرایط تحریم گفته بود «سهم دولت از درآمدهای نفتی در لایحه بودجه ۱۴۰۵ از ۱۲ میلیارد دلار به هشت میلیارد دلار کاهش یافته است که این موضوع یکی از چالش‌های جدی بودجه محسوب می‌شود.»

خرگزاری «تسنیم»، وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیز همراه گذشته گزارش داد که بر اساس آمار رسمی منتشر شده، از سال ۱۳۹۷ تاکنون، حدود ۲۷۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی (به‌جز صادرات بخش دولتی شامل نفت، برق و گاز طبیعی) انجام شده که از این میزان، حدود ۹۵ میلیارد دلار، معادل ۳۵ درصد کل صادرات، به کشور بازنگشته است. در گزارش خرگزاری «تسنیم» تأکید شده بود که از سال ۱۴۰۱ تاکنون، از مجموع ۱۴۶ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی، بیش از ۵۶ میلیارد دلار یعنی حدود ۳۸ درصد، هنوز به کشور بازنگشته است.

فساد ساختاری در جمهوری اسلامی که بخش‌های مختلف از نهادهای قانونگذار و اجرایی تا نهادهای نظارتی و قوه قضاییه را در بر گرفته مهم‌ترین عامل ایجاد سازوکاری است که سبب شده بیش از یک سوم از درآمد ارزی حاصل از فروش نفت به ایران بازنگردد. از سوی دیگر تحریم‌های نفتی و ایجاد شبکه‌های غیرقانونی -از جمله توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی- برای دور زدن تحریم‌ها از مهم‌ترین دلایل بازنگشت ارزهای ناشی از صادرات نفت و پتروشیمی به کشور است.

کارت‌های بازرگانی کوتاهی یا قصور داشته‌اند نیز پرونده کفیری تشکیل شده و این پرونده‌ها به مراجع قضایی ارسال خواهد شد.»

رئیس سازمان بازرسی کل کشور همچنین از شناسایی «بیش از دو هزار مسئله و آسیب» که زمینه‌ساز بروز فساد در ساختار اجرایی کشور هستند خبر داده و گفته «با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، حدود دو هزار مسئله و آسیب شناسایی شد که از میان آن‌ها ۱۴ گلوگاه اصلی فساد استخراج و راهکارهای مقابله با آن‌ها تدوین شد.»

او در ادامه مدعی شده که «تاکنون با همکاری دستگاه‌های اجرایی، بیش از ۷۴ بستر و گلوگاه فساد مسدود شده و سایر موارد نیز در دستور کار قرار دارد.»

علی صالحی دادستان تهران نیز پنج خردادماه از تشکیل ۵۸۳ پرونده قضایی در رابطه به رفع تعهد ارزی و بازگرداندن ارزهای ناشی از صادرات به کشور خبر داده بود. او گفته بود ۶۲ برگ جلب مرتبط با این پرونده‌ها صادر و ۱۳ مدیر شرکت‌های پتروشیمی و شرکت‌های وابسته در همین رابطه احضار شده‌اند؛ برخی از این مدیران «تفہیم اتهام» شده و برخی دیگر متعهد شده‌اند ظرف مهلت تعیین‌شده نسبت به رفع تعهدات ارزی خود اقدام کنند.

دادستان تهران افزوده بود ۳۷۴ فقره احضاریه نیز برای متهمان صادر و جهت ابلاغ و پیگیری در اختیار ضابطان قرار گرفته است. تحلیلگران معتقدند عدم رفع تعهد ارزی و بازگرداندن ارز ناشی از صادرات به چرخه اقتصادی ایران از جمله دلایل کاهش درآمدهای ارزی دولت، افزایش تورم، افزایش نرخ ارز، کمبود منابع برای واردات کالاهای اساسی و سقوط ارزش پول ملی است.

در همین رابطه غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی، دی‌ماه گذشته اعلام کرده بود که طی هشت ماه نخست ۱۴۰۴، حدود هشت

رئیس سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرده بیش از ۹۴ میلیارد یورو ارز حاصل از صادرات به کشور بازنگشته است. ۲۸ میلیارد یورو از این رقم مربوط به سه شرکت دولتی از جمله شرکت ملی نفت و شرکت‌های پالایشی بوده است. همچنین ۲۲۵ نفر از صادرکنندگان هر یک بیش از ۵۰ میلیون یورو تعهد ارزی ایفا نشده داشته‌اند.

ذبیح‌الله خدائیان رئیس سازمان بازرسی کل کشور، روز یکشنبه ۳۱ خردادماه ۱۴۰۵ با شرکت در یک کنفرانس خبری به مناسبت آغاز هفته قوه قضاییه، اعلام کرد بیش از ۹۴ میلیارد یورو ارز حاصل از صادرات به کشور بازنگشته است. او توضیح داده «از این رقم، ۵۳ میلیارد یورو مربوط به سه شرکت دولتی شامل شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز و شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی بود که بخش قابل توجهی از اختلافات آنها تاکنون شفاف‌سازی شده است.»

رئیس سازمان بازرسی کل کشور ادعا کرده «با پیگیری‌های صورت‌گرفته، میزان عرضه ارز در مرکز مبادله افزایش یافت و نسبت عرضه و تقاضا متعادل شد. همچنین میزان تعهدات ایفا نشده بانک‌ها از یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون یورو به ۴۷۸ میلیون یورو کاهش یافت که نشان‌دهنده کاهش ۷۰ درصدی است.»

ذبیح‌الله خدائیان «ضعف در صدور کارت‌های بازرگانی» را علت بازنگشتن ارز و تخلفات ارزی در حوزه تجارت خارجی دانسته و گفته «در برخی موارد، کارت‌های بازرگانی به افرادی فاقد صلاحیت و حتی اشخاصی بدون سابقه فعالیت تجاری واگذار شده بود که این موضوع زمینه سوءاستفاده را فراهم کرد.» او همچنین گفته «برای افرادی که در فرآیند صدور

سرنوشت نامعلوم یک میلیارد دلار برداشت شده از صندوق توسعه ملی برای تأمین دارو و تجهیزات پزشکی



مهم‌ترین سؤال این است که این یک میلیارد دلار کجاست و چقدر از آن هزینه شده است.»

روح‌الله لک علی‌آبادی با بیان اینکه «با گفتاردرمانی، کمبود دارو برطرف نمی‌شود» تأکید کرده «این مسئله نیازمند اقدام و عمل دارد و اگر در این زمینه ترک فعلی صورت گرفته باشد، کمیسیون بهداشت و درمان در پیگیری آن بسیار مصمم است. ما به هیچ وجه کوتاه نیامده‌ایم و نخواهیم آمد و با جدیت پیگیر هستیم که مشخص شود این مبالغ کجا و چگونه هزینه شده و چرا امروز با کمبود برخی داروها مواجه هستیم. سازمان غذا و دارو توضیحاتی دادند که کمیسیون بهداشت و درمان مجلس قانع نشد و مقرر شد در جلسه بعدی این موضوع مجدداً بررسی شود.»

او همچنین گفته «در این جلسه کمیسیون بهداشت و درمان به سازمان غذا و دارو عملاً یک کارت زرد جدی داد. موضوع به‌صورت کاملاً جدی در حال پیگیری است و اعضای کمیسیون بهداشت و درمان در این خصوص کوتاه نمی‌آیند.» این نماینده مجلس شورای اسلامی با اشاره به بحران جدی کمبود دارو و مشکلاتی که در عملکرد وزیر بهداشت دولت پزشکیان وجود دارد گفته به‌علت شرایط جنگی فعلاً برنامه‌ای برای راه‌اندازی طرح استیضاح وزرا در دست نیست: «در حال حاضر و با شرایط جنگی موجود فکر می‌کنم که استیضاح وزرا (چه وزیر بهداشت و چه سایر وزرا) فعلاً مطرح نباشد. مگر اینکه شرایط آرام‌تر شود و جلسات علنی مجلس هم آغاز شود. نمایندگان مجلس قطعاً در چارچوب وظایف نظارتی از حقوق مردم دفاع خواهند کرد.»

ملی برای خرید و واردات دارو و تجهیزات پزشکی برداشته شد. دولت مدعی است ۳۰۰ میلیون دلار از این رقم هزینه شده اما سرنوشت ۷۰۰ میلیون دلار آن مبهم و نامشخص است.

روح‌الله لک علی‌آبادی عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه دوم تیرماه ۱۴۰۵ در گفت‌وگو با وبسایت «دیدبان ایران» با تأیید بحران کمبود دارو در کشور گفته پیش از جنگ با دستور علی‌خامنه‌ای «مقرر شده بود یک میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای دارو و تجهیزات برداشت شود. نکته‌ای که مطرح است و جای بحث دارد این است که از آن یک میلیارد دلار، ۳۰۰ میلیون دلار هزینه شده و معلوم نیست ۷۰۰ میلیون دلار دیگر کجا رفته و چه سرنوشتی پیدا کرده است.»

او افزوده هزینه‌کرد ۳۰۰ میلیون دلار برای تهیه دارو و تجهیزات پزشکی هم نیازمند توضیحات کامل‌تری از سوی مسئولان دولت است: «مسئولان حوزه غذا و دارو در کمیسیون بهداشت و درمان درباره ۳۰۰ میلیون دلار توضیحاتی ارائه کردند، اما قرار شد در جلسه بعدی پاسخ‌های مشخص و شفاف درباره حوزه غذا و دارو و همچنین تجهیزات ارائه شود.»

نماینده لرستان در مجلس شورای اسلامی همچنین گفته «جنگ قابل پیش‌بینی بود و ما باید برای تأمین تجهیزات برنامه‌ریزی می‌کردیم و در هیئت امنای ارزی تلاش کردیم که انبارهای تجهیزات، اقلام مصرفی و... را حداقل برای شش ماه پر نگه داریم. اما متأسفانه اشکالی که وجود دارد، موضوع برداشت یک میلیارد دلار از صندوق توسعه است.

● روح‌الله لک علی‌آبادی عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی گفته پیش از آغاز جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا با دستور علی‌خامنه‌ای یک میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای خرید و واردات دارو و تجهیزات پزشکی برداشته شد. دولت مدعی است ۳۰۰ میلیون دلار از این رقم هزینه شده اما سرنوشت ۷۰۰ میلیون دلار آن مبهم و نامشخص است.

● روح‌الله لک علی‌آبادی افزوده هزینه‌کرد ۳۰۰ میلیون دلار برای تهیه دارو و تجهیزات پزشکی هم نیازمند توضیحات کامل‌تری از سوی مسئولان دولت است.

● عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی تأکید کرده «ما به هیچ وجه کوتاه نیامده‌ایم و نخواهیم آمد و با جدیت پیگیر هستیم که مشخص شود این مبالغ کجا و چگونه هزینه شده و چرا امروز با کمبود برخی داروها مواجه هستیم.»

● فعالان بخش دارویی تأکید دارند یکی از مهمترین معضلاتی که سبب گرانی و کمبود دارو در کشور شده عدم تأمین کافی و به‌موقع ارز برای واردات دارو، تجهیزات پزشکی و مواد اولیه مورد نیاز شرکت‌های داروسازی داخلی بوده است. در چنین شرایطی سرنوشت یک میلیارد دلار برداشت شده از صندوق توسعه ملی برای تأمین دارو اهمیت پیدا می‌کند.

یک عضو کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی گفته پیش از آغاز جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا با دستور علی‌خامنه‌ای یک میلیون دلار از صندوق توسعه



گسترش اعتراضات صنفی در ایران؛ ۱۶۰۰ کارگر کارخانه ماشین‌سازی تبریز اعتصاب کردند



آغاز شده است.

خرپگزاری «ایلنا» نیز اعتصاب کارگران را تأیید کرده و گزارش داده این کارگران با بیان اینکه برای پیگیری حقوق قانونی خود دست از کار کشیدیم؛ گفته‌اند «حقوق اردیبهشت و خرداد حدود ۱۶۰۰ کارگر گروه ماشین‌سازی پرداخت نشده؛ این در حالیست که تورم و افزایش قیمت‌ها، زندگی کارگران را دشوار کرده است.»

خرپگزاری «ایلنا» به نقل از کارگران نوشته که روز سه‌شنبه نشست کمیسیون کارگری در استانداری آذربایجان شرقی برای رسیدگی به مشکلات کارگران ماشین‌سازی برگزار شده است.

کانال «پژواک کار ایران» نیز نوشته حقوق اردیبهشت و خردادماه حدود ۱۶۰۰ کارگر این مجموعه هنوز پرداخت نشده است. کارگران می‌گویند در شرایطی که تورم، گرانی و افزایش هزینه‌های زندگی فشار سنگینی بر خانواده‌های کارگری وارد کرده، محروم ماندن از دستمزدهای معوق، زندگی آنان را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده است.

این تشکل کارگری مستقل نیز گزارش داده که همزمان با اعتصاب کارگران، جلسه‌ای در کمیسیون کارگری استانداری آذربایجان شرقی برای بررسی وضعیت این واحد صنعتی برگزار شده است. با این حال، کارگران تأکید دارند که پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و تضمین حقوق آنان، مطالبه‌های فوری و غیرقابل تعویق است.

در گزارش کانال «پژواک کار ایران» آمده اعتصاب کارگران ماشین‌سازی تبریز بار دیگر نشان می‌دهد که در برابر بی‌توجهی به مطالبات مزدی، اعتراض و توقف کار

● منابع کارگری از آغاز اعتصاب ۱۶۰۰ کارگر کارخانه ماشین‌سازی تبریز در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه حقوق خبر دادند.

● این اعتصاب از روز سه‌شنبه دوم تیرماه ۱۴۰۵ آغاز شده و کارگران گفته‌اند تا پرداخت حقوق معوقه اعتصاب خود را ادامه خواهند داد.

● همزمان با اعتصاب کارگران ماشین‌سازی تبریز در روز سه‌شنبه ۲ تیرماه، شماری از کارگران واحد ریسندگی شرکت سرچین‌بافت زنجان نیز مقابل ساختمان‌های استانداری و اداره کار در این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنان در روزهای دوشنبه و یکشنبه نیز دست به تجمع و اعتراض صنفی زده بودند.

● شماری از کارگران پیمانکاری پتروشیمی تخت جمشید که از چند ماه پیش با تصمیم کارفرما از کار اخراج شده‌اند، با برپایی تجمع اعتراضی مقابل ساختمان فرمانداری بندر ماهشهر خواستار بازگشت به کار خود شدند.

منابع کارگری از آغاز اعتصاب ۱۶۰۰ کارگر کارخانه ماشین‌سازی تبریز در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه حقوق خبر دادند. این اعتصاب از روز سه‌شنبه دوم تیرماه ۱۴۰۵ آغاز شده و کارگران گفته‌اند تا پرداخت حقوق معوقه اعتصاب خود را ادامه خواهند داد.

کانال «پژواک کار ایران»، متعلق به کنفدراسیون کار ایران - خارج از کشور، از اعتصاب ۱۶۰۰ کارگر شاغل در کارخانه ماشین‌سازی تبریز خبر داده است. این اعتصاب از روز سه‌شنبه دوم تیرماه و در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد

همانطور که این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرده کمبود دارو در ایران به بحرانی جدی، به‌ویژه برای بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص، تبدیل شده است. احمد قویدل، عضو مجمع عمومی کانون هموفیلی ایران، به تازگی اعلام کرده «در حال حاضر نزدیک به پنج ماه است که بیماران هموفیلی به برخی داروهای مورد نیاز خود دسترسی ندارند. بخشی از بیماران مبتلا به اختلالات انعقادی نادر، داروهایی مانند فاکتور ۱۳، فیبرینوژن و برخی فرآورده‌های مشابه را مصرف می‌کنند که اکنون از دسترس آن‌ها خارج شده است. در این مدت تمام تلاش‌های ما برای جذب کمک‌های بین‌المللی و تأمین این داروها بی‌نتیجه مانده است.»

زهرا قلجی، مدیر انجمن تالاسمی سیستان و بلوچستان، روز گذشته با اشاره به کمبود برخی داروهای آه‌ن‌زدا از جمله «دفرازپروکس» و «دسفرال ۵۰۰» هشدار داد که اختلال در تأمین این داروها می‌تواند به آسیب اندام‌های حیاتی بیماران منجر شود.

زهرا قلجی از تمرکز بخش عمده داروها در زاهدان و دشواری دسترسی بیماران شهرستان‌ها به دارو خبر داد و گفت شماری از بیماران تالاسمی فاقد مدارک هویتی هستند و در دسترسی به خدمات درمانی، حمایتی و بیمه‌ای با مشکل مواجه‌اند.

محمود هادی‌پور دهشال، مشاور بنیاد بیماری‌های خاص، نیز اوایل خردادماه امسال گفته بود «بیماران هموفیلی در حال حاضر برای تأمین داروی خود با مشکلات جدی مواجه بوده و برخی از داروها مانند فاکتور ۱۳ در بازار پیدا نمی‌شود. بعد از گذر از این بحران باید ضعف تولید دو دارویی از پلاسما در کشور و نقش تضاد منافع در تصمیم‌سازی در صنعت پلاسما مورد توجه قرار گیرد.»

او با بیان اینکه «بر اساس نظر مدیران حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ کمبود دارویی وجود دارد و بر اساس نظر مردم این رقم خیلی بیشتر می‌شود گفته بود «اگر مریض داروی خارجی استفاده می‌کرده است الان به راحتی نمی‌توان به او توصیه کرد که داروی داخلی استفاده کند. مدتی است که «دسفرال و جیدنیو» در دسترس بیماران تالاسمی نیست. این نکته در بسیاری از موارد، بر روند درمان تأثیر منفی گذاشته و برای سلامتی بیمار خطرناک است. این مشکلات در مورد بیماران خاص بسیار جدی است. داروهای حوزه صنعت پلاسما اکنون شرایط بحرانی دارد در حالیکه سالها در مورد مشتقات داروهای صنعت پلاسما در داخل کشور تبلیغ می‌شد.»

گزارش مرکز آمار ایران از تورم اردیبهشت نیز افزایش قیمت دارو را برجسته کرده است. بر اساس این گزارش تورم ماهانه ماه اردیبهشت ۸/۹ درصد بوده است اما از بین ۱۲ گروه اصلی، بالاترین تورم ماهانه ۲۳/۱ درصد بوده که به گروه «بهداشت و درمان» تعلق داشته است. این عدد نشان می‌دهد که خانوارها در اردیبهشت برای دریافت خدمات درمانی یکسان یا خرید اقلام بهداشتی و درمانی مشخص ۲۳ درصد بیشتر از فروردین ماه هزینه کرده‌اند.

از سوی دیگر فعالان بخش دارویی تأکید دارند یکی از مهمترین معضلاتی که سبب گرانی و کمبود دارو در کشور شده عدم تأمین کافی و به‌موقع ارز برای واردات دارو، تجهیزات پزشکی و مواد اولیه مورد نیاز شرکت‌های داروسازی داخلی بوده است. در چنین شرایطی سرنوشت ۷۰۰ میلیون دلاری که دولت از صندوق توسعه ملی برداشت کرده اما مشخص نیست کجاست و همچنین شیوه هزینه‌کرد ۳۰۰ میلیون دلار دیگر که دولت مدعی است برای تأمین دارو هزینه کرده اهمیت پیدا می‌کند.

فردگرایی و حریت؛ تأملی در نسبت میان فردیت، آزادی و شکوفایی جامعه انسانی

● انسان تنها هنگامی حقیقتاً آزاد می‌شود که اجازه یابد خود تکرارناپذیر خویش باشد؛ و شاید حریت، در عمیق‌ترین معنای خود، چیزی جز این نباشد که انسان بتواند با شجاعت و مسئولیت، همان کسی شود که برای آن آفریده شده است.

مرتضی انواری* - در میان واژه‌هایی که در تاریخ اندیشه سیاسی و اجتماعی ما بیش از همه مورد سوءتفاهم قرار گرفته‌اند، شاید کمتر مفهومی را بتوان یافت که به اندازه «فردگرایی» بد فهمیده شده باشد. هرگاه سخن از فرد، استقلال رأی، حق انتخاب و آزادی انسان برای تعیین سرنوشت خویش به میان آمده است، گروهی شتابزده آن را به خودخواهی، خودپرستی یا بی‌اعتنایی به جامعه تعبیر کرده‌اند. گویی انسان تنها زمانی فضیلت‌مند است که از خویشترت خویش دست بشوید، آرزوهای شخصی خود را انکار کند و در جمعی بی‌چهره و بی‌نام مستحیل شود.

این سوءتفاهم تنها یک خطای نظری نیست؛ بلکه یکی از ریشه‌های بسیاری از استبدادهای سیاسی و فقرهای فرهنگی در جوامع انسانی بوده است. زیرا هرگاه فردیت انسان به نام خیر عمومی، مصلحت جامعه، آرمان انقلاب یا هر ایدئولوژی دیگری انکار شده، در نهایت نه جامعه شکوفا شده و نه انسان به سعادت رسیده است. آنچه باقی مانده، مجموعه‌ای از انسان‌های هم‌رنگ، محتاط، خاموش و وابسته بوده است که به تدریج توان آفرینش، شهامت اندیشیدن و حتی مسئولیت‌پذیری خویش را از دست داده‌اند.

واقعیت آن است که آزادی پیش از آنکه یک مفهوم سیاسی باشد، یک تجربه درونی است. آزادی از آن لحظه آغاز می‌شود که انسان به خود اجازه می‌دهد که «خود» باشد؛ آن‌گونه که می‌اندیشد، آن‌گونه که احساس می‌کند و آن‌گونه که استعدادهای نهفته در وجودش او را فرا می‌خواند. انسانی که از بیان اندیشه خویش بیم دارد، انسانی که برای متفاوت بودن احساس گناه می‌کند و انسانی که همواره می‌کوشد خود را با خواست جمع هماهنگ سازد، حتی اگر در جامعه‌ای ظاهراً آزاد زندگی کند، هنوز طعم حقیقی آزادی را نچشیده است.

یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های حکومت‌های ایدئولوژیک در طول تاریخ، نه کنترل بدن انسان‌ها بلکه تصرف روح آنان بوده است. آنان همواره کوشیده‌اند میان انسان و خویشترت خویش فاصله ایجاد کنند. دیکتاتوری‌ها به خوبی می‌دانند که خطرناک‌ترین انسان برای استبداد، انسانی است که به خود می‌اندیشد، پرسش می‌کند و جرئت متفاوت بودن دارد. از این رو، تقریباً همه نظام‌های تمامیت‌خواه کوشیده‌اند فردگرایی را با صفاتی چون خودخواهی، غرب‌زدگی، بورژوازی یا انحراف اخلاقی بی‌اعتبار سازند.

به جوانان آموخته می‌شود که به خود فکر نکنند، به آرزوهای شخصی خویش اهمیت ندهند و از متمایز بودن هراس داشته باشند. از آنان خواسته می‌شود در آنچه «افکار عمومی» نامیده می‌شود حل شوند و همان چیزی را بپذیرند که دیگران پذیرفته‌اند. اما مشکل از همین نقطه آغاز می‌شود. آنچه همه بدون چون و چرا می‌پذیرند، اغلب حداقل ممکن اندیشه است. هنگامی که انسان‌ها تنها به

● در میان واژه‌هایی که در تاریخ اندیشه سیاسی و اجتماعی ما بیش از همه مورد سوءتفاهم قرار گرفته‌اند، شاید کمتر مفهومی را بتوان یافت که به اندازه «فردگرایی» بد فهمیده شده باشد.

● هرگاه فردیت انسان به نام خیر عمومی، مصلحت جامعه، آرمان انقلاب یا هر ایدئولوژی دیگری انکار شده، در نهایت نه جامعه شکوفا شده و نه انسان به سعادت رسیده است. آنچه باقی مانده، مجموعه‌ای از انسان‌های هم‌رنگ، محتاط، خاموش و وابسته بوده است که به تدریج توان آفرینش، شهامت اندیشیدن و حتی مسئولیت‌پذیری خویش را از دست داده‌اند.

● یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های حکومت‌های ایدئولوژیک در طول تاریخ، نه کنترل بدن انسان‌ها بلکه تصرف روح آنان بوده است. آنان همواره کوشیده‌اند میان انسان و خویشترت خویش فاصله ایجاد کنند. دیکتاتوری‌ها به خوبی می‌دانند که خطرناک‌ترین انسان برای استبداد، انسانی است که به خود می‌اندیشد، پرسش می‌کند و جرئت متفاوت بودن دارد.

● انسان تنها زمانی می‌آفریند که احساس کند وجود او معنا دارد و کوشش او می‌تواند جهان را اندکی بهتر کند. هر پیشرفت اقتصادی و هر جهش تمدنی بر شانه انسان‌هایی ایستاده است که اجازه یافته‌اند خود باشند و استعدادهای یگانه خویش را شکوفا سازند.

● فردگرایی سفری به سوی خودخواهی نیست؛ سفری به سوی خودشناسی است. گویی در درون هر انسان، ندایی خاموش او را به سوی امکان‌های ناشناخته وجودش فرامی‌خواند. آزادی آن است که این ندا شنیده شود و حریت آن است که انسان شهامت پاسخ گفتن به آن را داشته باشد.

روز یکشنبه نیز بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی در چند شهر ایران تجمع اعتراضی برگزار کردند. بازنشستگان می‌گویند با وجود گرانی‌ها، و افزایش تورم مواد غذایی و درمان به بیش از ۱۰۰ درصد، نه تنها درآمد بازنشستگان تأمین اجتماعی به علت عدم رعایت قانون همسان‌سازی افزایش نیافته بلکه ارقام قانونی افزایش سالانه حقوق از ابتدای سال جاری تا کنون نیز هنوز به حساب آنها واریز نشده است. بازنشستگان در این تجمع سراسری شعارهایی از جمله «زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی»، «رجزخونی کافیه، سفره ما خالیه»، «نه جنگ می‌خوایم، نه کشتار، رفاه می‌خوایم ماندگار»، «تا حق خود نگیریم، از پای نمی‌نشینیم» و «گرانی، تورم؛ بلای جان مردم» سر دادند.

بازنشستگان شرکت مخابرات روز دوشنبه اول تیرماه ۱۴۰۵ در برابر ساختمان مرکزی شرکت مخابرات در تهران تجمع کردند. بازنشستگان به اجرائشدن آیین‌نامه افزایش حقوق و همچنین عملکرد «ستاد اجرایی فرمان امام» و «بنیاد تعاون سپاه» که سهامداران عمده شرکت مخابرات هستند، اعتراض دارند. «دادن حق مردم، واجب‌تر از نماز است» و «حسین حسین شعارشون، دزدی و غارت کارشون» و «مدیر بی‌کفایت استعفا استعفا» از شعارهای معترضان بود.

همچنان یکی از مهم‌ترین ابزارهای کارگران برای دفاع از حقوق خود است. گسترش همبستگی، تصمیم‌گیری جمعی و ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، از مهم‌ترین راه‌های مقابله با تعرض به معیشت و حقوق نیروی کار به شمار می‌رود.

در پی عمیق‌تر شدن مشکلات صنفی و افزایش گرانی، اعتراضات صنفی نیز در روزهای گذشته و گسترش یافته است. از بازنشستگان تأمین اجتماعی و شرکت مخابرات تا کارگران در شهرهای مختلف ایران تجمعات و اعتراضات صنفی را پیش می‌برند.

همزمان با اعتصاب کارگران ماشین‌سازی تبریز در روز سه شنبه ۲ تیرماه، شماری از کارگران واحد ریسندگی شرکت سرچین‌بافت زنجان نیز مقابل ساختمان‌های استانداری و اداره کار در این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنان در روزهای دوشنبه و یکشنبه نیز دست به تجمع و اعتراض صنفی زده بودند. به گزارش منابع صنفی، اعتراض این کارگران نسبت به عدم پرداخت سه ماه حقوق و حق بیمه و نیز پلاتکلیفی حدود ۳۵۰ کارگر در پی تعطیلی این کارخانه توسط کارفرما، انجام شده است.

یکی از کارگران سرچین‌بافت گفته که «از ابتدای سال جاری، سه ماه است که ما هیچ حقوقی دریافت نکرده‌ایم و حق بیمه ما نیز به حساب تأمین اجتماعی واریز نشده است. به دلیل همین مشکلات، روز یکشنبه کارگران شیفت عصر واحد ریسندگی دست به اعتراض زدند اما کارفرما در واکنش به این اقدام، کل شرکت را تعطیل کرد و مدعی شد که توان مالی ندارد.»

این کارگر افزوده «قرار بود روز گذشته مقامات قضایی استان برای بازدید از وضعیت کارخانه در محل حاضر شوند؛ حدود ۳۵۰ نفر از پرسنل کارخانه از ساعت ۸ صبح تا ۴ عصر مقابل شرکت جمع شده بودند تا این مسئولان را حضوری ببینند و بگویند که فشار کاری ما چقدر است. اما به دلیل تجمع صنفی کارگران، گزارش نادرستی به مقامات دادگستری داده و به آن‌ها گفته بودند که در کارخانه شلوغی شده است. در نتیجه بازدید را لغو کردند و رفتند در داخل یکی از ادارات، بدون حضور کارگران جلسه گذاشتند و ما راه ندادند.»

او همچنین گفته «امروز صبح هم کارگران مقابل استانداری و اداره کار تجمع کردند اما پاسخ روشنی دریافت نکردیم. مسئولان می‌گویند دادگستری و استانداری پیگیر هستند و بررسی‌ها تا روز چهارشنبه زمان می‌برد تا به نتیجه برسد. اما ۹۰ درصد کارگران متأهل، سرپرست خانوار و مستأجر هستند. در این شرایط اقتصادی، با سه ماه بی‌حقوقی چگونه شکم بچه‌هایشان را سیر کنند؟ کارخانه کاملاً تعطیل است و ما چشم‌انتظار اقدام فوری مسئولان هستیم.»

همزمان در روز سه‌شنبه شماری از کارگران پیمانکاری پتروشیمی تخت جمشید که از چند ماه پیش با تصمیم کارفرما از کار اخراج شده‌اند، با برپایی تجمع اعتراضی مقابل ساختمان فرمانداری بندر ماهشهر خواستار بازگشت به کار خود شدند. یکی از کارگران به نمایندگی از سایر کارگران معترض، گفته حدود ۵۰ کارگر با سابق بین ۵ تا ۱۲ سال، تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکار در پتروشیمی تخت جمشید مشغول به کار هستند که از حدود سه ماه پیش، از ورودشان به محل کار جلوگیری شده و بیکار شده‌اند.

روز دوشنبه اول تیرماه هم جمعی از کارکنان مرکز بهداشت اسلام‌آباد غرب در این شهرستان تجمع اعتراضی برگزار کردند. آنان نسبت به وضعیت پرداخت‌ها در نظام بهداشت و درمان کشور انتقاد دارند و خواستار رسیدگی به مشکلات معیشتی، وضعیت حقوق دریافتی و مزایای شغلی خود هستند.

آن چیزی که او را از حقیقت خویش دور می‌کند، آزاد شده است. او از اسارت ترس، تقلید، جزم‌اندیشی و اجبار هم‌رنگ شدن با دیگران رهایی یافته و جرئت کرده است به خویش خویش بازگردد.

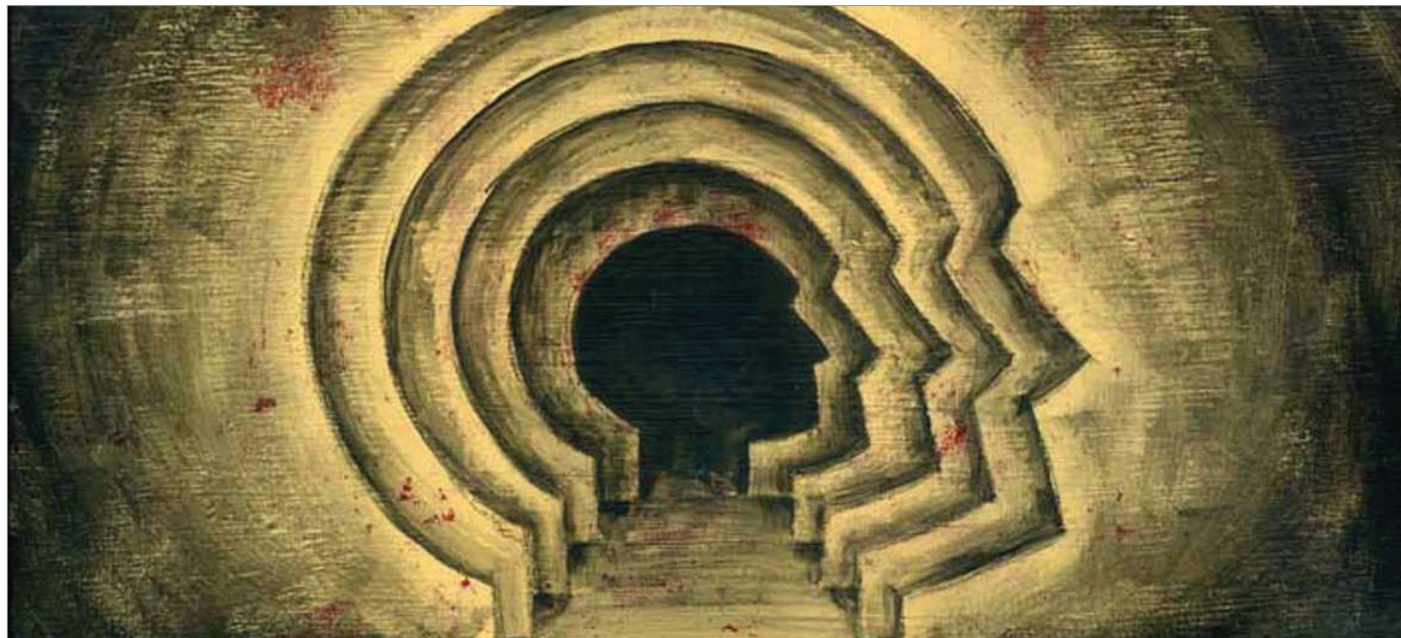
در این معنا، فردگرایی سفری به سوی خودخواهی نیست؛ سفری به سوی خودشناسی است. گویی در درون هر انسان، ندایی خاموش او را به سوی امکان‌های ناشناخته وجودش فرامی‌خواند. آزادی آن است که این ندا شنیده شود و حریت آن است که انسان شهامت پاسخ گفتن به آن را داشته باشد. شاید بتوان گفت خداوند هر انسان را همچون بذری یگانه‌ای آفریده است؛ بذری که اگر فرصت شکوفایی بیابد، به درختی تبدیل

دیگر دلیلی برای خطر کردن، نوآوری و آفرینش نمی‌دیدند. سرانجام آنچه میان همگان تقسیم شد، رفاه نبود؛ فقر بود. آنچه به برابری رسید، فرصت نبود؛ کمبود بود. جامعه‌ای که می‌خواست بهشت برابری بسازد، به تقسیم گرسنگی رسید؛ گرسنگی اقتصادی، گرسنگی فکری و گرسنگی انسانی.

انسان تنها زمانی می‌آفریند که احساس کند وجود او معنا دارد و کوشش او می‌تواند جهان را اندکی بهتر کند. هر پیشرفت اقتصادی و هر جهش تمدنی بر شانه انسان‌هایی ایستاده است که اجازه یافته‌اند خود باشند و استعداد‌های یگانه خویش را شکوفا سازند. از این منظر، آنچه گاه خودخواهی نامیده می‌شود، در

دنبال کمترین اختلاف و بیشترین شباهت باشند، اندیشه عمومی به سوی کم‌عمق‌ترین و کم‌خطرترین ایده‌ها میل می‌کند. نتیجه آن است که جامعه به جای آنکه عرصه رقابت اندیشه‌ها و شکوفایی استعدادها باشد، به قلمرو نوعی میانگین فکری تبدیل می‌شود؛ میانگینی که نه اوج می‌آفریند، نه نبوغ می‌پرورد و نه افق تازه‌ای پیش روی بشر می‌گشاید.

تمدن انسانی، در حقیقت، محصول خروج انسان‌ها از همین میانگین است. هر اندیشه بزرگ، هر کشف علمی، هر اثر هنری و هر تحول اجتماعی ابتدا در ذهن یک فرد آغاز شده است. پیش از آنکه جمعی به حقیقتی ایمان



می‌شود که هیچ درخت دیگری دقیقاً همانند آن نیست. انکار فردیت، در حقیقت، ناتمام گذاشتن بخشی از آفرینش است. از این رو، دفاع از فردگرایی، دفاع از خودخواهی نیست. دفاع از حق انسان برای اندیشیدن، انتخاب کردن، آفرینش و شکوفا کردن استعداد‌های یگانه خویش است. دفاع از فردگرایی، دفاع از کرامت انسان و دفاع از خود آزادی است. انسان آزاد، انسانی نیست که از دیگران گسسته است؛ انسانی است که نخست با خویش خویش آشتی کرده است. تنها کسی می‌تواند به جامعه خدمت کند که پیش‌تر اجازه یافته باشد خود را بشناسد و استعداد‌های یگانه‌اش را شکوفا کند. باغ تمدن انسانی از گل‌های هم‌شکل پدید نمی‌آید؛ از شکوفایی بی‌شمار انسان‌هایی پدید می‌آید که جرئت کرده‌اند خود باشند. آزادی، در ژرف‌ترین معنای خود، حق انسان برای تبدیل شدن به آن چیزی است که می‌تواند باشد؛ و حریت، شجاعت پیمودن این راه است.

شاید «در جستجوی آزادی» در نهایت چیزی جز همین سفر بازگشت به خویش نباشد؛ سفری که در زبان فلسفه آن را خودآگاهی، در زبان عرفان آن را بازگشت به اصل و در زبان سیاست آن را آزادی می‌نامیم. انسان تنها هنگامی حقیقتاً آزاد می‌شود که اجازه یابد خود تکرارناپذیر خویش باشد؛ و شاید حریت، در عمیق‌ترین معنای خود، چیزی جز این نباشد که انسان بتواند با شجاعت و مسئولیت، همان کسی شود که برای آن آفریده شده است.

*مرتضی انواری، مقام پیشین وزارت دفاع آمریکا و تحلیلگر مسائل بین‌الملل.

حقیقت احترام به کرامت انسانی است. انسان باید نخست خویش خویش را بشناسد و برای آن ارزش قائل شود. کسی که خود را دوست ندارد، دشوار می‌تواند دیگری را دوست بدارد. عشق به خانواده، مسئولیت در برابر همسایه، وفاداری به دوستان و حتی میهن‌دوستی، همگی از نقطه‌ای عمیق‌تر آغاز می‌شوند؛ از آشتی انسان با خویش خویش. انسان ابتدا باید خود را دوست بدارد تا بتواند خانواده‌اش را دوست بدارد. باید خانواده را دوست بدارد تا به همسایگان و همکارانش مهر بورزد. از آنجا عشق به شهر و سرزمین و فرهنگ خویش زاده می‌شود و سرانجام این دایره به انسان‌دوستی می‌رسد. جهانی بودن بدون ریشه داشتن ممکن نیست و عشق به بشریت از انسانی آغاز می‌شود که نخست با خود آشتی کرده است.

برای ما ایرانیان، این بحث اهمیتی دوچندان دارد. در چهار دهه گذشته، جمهوری اسلامی نه تنها بر رفتار شهروندان، بلکه بر سبک زندگی، پوشش، هنر، موسیقی، اندیشه و حتی رؤیاهای آنان نیز کوشیده است سلطه پیدا کند. شهروند مطلوب در چنین نظامی، انسانی نیست که می‌اندیشد، بلکه انسانی است که تکرار می‌کند. او نباید خود را تعریف کند؛ هویتش باید از پیش برایش تعریف شده باشد.

اما روح انسان از چنین قالب‌هایی بزرگ‌تر است. انسان نیاز دارد که خود باشد. این نیاز نه وارداتی است و نه محصول مدرنیته؛ بخشی از طبیعت وجودی اوست. شاید در همین جاست که مفهوم «حریت» معنایی ژرف‌تر پیدا می‌کند. در سنت فکری ما، حریت تنها به معنای رهایی از زندان و زنجیر نیست. انسانِ حُر کسی است که از بند هر

بی‌اورد، فردی جرئت کرده است آن را ببیند. پیش از آنکه جامعه‌ای راهی تازه بیابد، انسانی تنها و متفاوت نخستین گام را برداشته است.

به همین دلیل، فردگرایی نه دشمن جامعه، بلکه پیش‌شرط شکوفایی آن است. جامعه چیزی مستقل از افراد نیست. جامعه از انسان‌ها ساخته می‌شود. اگر افراد ضعیف، ترسان و وابسته باشند، جامعه نیز ضعیف، ترسان و وابسته خواهد شد. اگر انسان‌ها امکان رشد استعداد‌های خویش را پیدا کنند، جامعه نیز از ثمره آن بهره خواهد برد.

طبیعت بهترین آموزگار ما در فهم این حقیقت است. باغی را تصور کنید که در آن گل سرخ، یاس، نرگس، بنفشه و لاله، هر یک بر اساس طبیعت خویش می‌شکفند. زیبایی باغ دقیقاً از همین تنوع پدید می‌آید. هیچ باغبانی برای ایجاد هماهنگی، همه گل‌ها را به یک شکل در نمی‌آورد. زیرا می‌داند که یکسانی، جان زیبایی را می‌گیرد.

جامعه انسانی نیز چنین است. شاعر، صنعتگر، کارآفرین، دانشمند، فیلسوف، آموزگار و هنرمند، هر یک گلی متفاوت در باغ تمدن‌اند. اگر همه مجبور شوند یک‌گونه ببیندند و یک‌گونه زندگی کنند، شاید اطاعت افزایش یابد، اما حیات اجتماعی فقیر خواهد شد.

تجربه حکومت‌های کمونیستی در قرن بیستم نیز شاهدهی بر همین حقیقت است. این نظام‌ها با آرمان برابری آغاز کردند، اما در عمل فردیت را به حاشیه راندند. مالکیت فردی محدود شد، انگیزه‌های شخصی سرکوب گردید و کامیابی فردی به دیده سوءظن نگریسته شد. نتیجه آن بود که جامعه به تدریج موتور خلاقیت خویش را از دست داد. انسان‌ها

سه هزار بیمار هموفیلی در ایران، پنج ماه محروم از دارو!



● داروهای «فاکتور ۱۳» و «فیبرینوژن» در کشور به صفر رسیده است و نبود این داروها می‌تواند برای بیماران به خونریزی‌های خطرناک، جراحی‌های پرریسک و حتی مرگ منجر شود.

● احمد قویدل گفته «در این مدت تمام تلاش‌های ما برای جذب کمک‌های بین‌المللی و تأمین این داروها بی‌نتیجه مانده است.»

بخشی از بیماران هموفیلی در ایران که شمار آن‌ها به سه هزار نفر می‌رسد، بیش از پنج ماه است که به دارو دسترسی نداشته‌اند. بر اساس گزارش‌ها موجودی داروهای «فاکتور ۱۳» و «فیبرینوژن» در کشور به صفر رسیده است و نبود این داروها می‌تواند برای بیماران به خونریزی‌های خطرناک، جراحی‌های پرریسک و حتی مرگ منجر شود.

احمد قویدل، عضو مجمع عمومی کانون هموفیلی ایران، در گفتگو با روزنامه «پیام ما» اعلام کرده «در حال حاضر نزدیک به پنج ماه است که بیماران هموفیلی به برخی داروهای مورد نیاز خود دسترسی ندارند. بخشی از بیماران مبتلا به اختلالات انعقادی نادر، داروهایی مانند فاکتور ۱۳، فیبرینوژن و برخی فرآورده‌های مشابه را مصرف می‌کنند که اکنون از دسترس آن‌ها خارج شده است. در این مدت تمام تلاش‌های ما برای جذب کمک‌های بین‌المللی و تأمین این داروها بی‌نتیجه مانده است.»

عضو کانون هموفیلی ایران افزوده «فاکتور ۱۳ و فیبرینوژن از منابع پلاسمایی تأمین می‌شوند، اما نه تولیدکننده داخلی دارند و نه در ماه‌های گذشته امکان تأمین آن‌ها فراهم شده است. بر اساس اطلاعاتی که به ما رسیده، قرار است شرکت تولیدکننده داروهای پلاسمایی امکان واردات این فرآورده‌ها را نیز فراهم کند.»

احمد قویدل درباره تعداد بیماران نیازمند این داروها گفته «حدود هزار بیمار مبتلا به کمبود فاکتور ۱۳ در کشور وجود دارند. همچنین بین هزار و ۵۰۰ تا دو هزار بیمار نیز به فیبرینوژن و سایر فرآورده‌های مشابه نیاز دارند. در مجموع حدود سه هزار بیمار به این داروها وابسته هستند و نبود آن‌ها جان بیماران را با خطر مواجه کرده است.»

گفته او، کانون هموفیلی ایران از فدراسیون جهانی هموفیلی درخواست کمک کرد، اما تنها سه هزار واحد فاکتور ۸ پلاسمایی به ایران اختصاص داده شد: «این دارو در داخل کشور نیز وجود داشت و نیاز اصلی ما محسوب نمی‌شد. از سه دارویی که به عنوان نیاز فوری معرفی کرده بودیم، هیچ‌کدام تأمین نشد. صلیب سرخ جهانی نیز در این زمینه کمکی به بیماران ایرانی نکرد.»

محمود هادی‌پور دهشال، مشاور بنیاد بیماری‌های خاص، نیز اوایل خردادماه امسال گفته بود «بیماران هموفیلی در حال حاضر برای تأمین داروی خود با مشکلات جدی مواجه بوده و برخی از داروها مانند فاکتور ۱۳ در بازار پیدا نمی‌شود. بعد از گذر از این بحران باید ضعف تولید دو دارویی از پلاسما در کشور و نقش تضاد منافع در تصمیم‌سازی در صنعت پلاسما مورد توجه قرار گیرد.»

او با بیان اینکه «بر اساس نظر مدیران حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ کمبود دارویی وجود دارد و بر اساس نظر مردم این رقم خیلی بیشتر می‌شود گفته بود «اگر مریض داروی خارجی استفاده می‌کرده است الان به راحتی نمی‌توان به او توصیه کرد که داروی داخلی استفاده کند. مدتی است که «دسفرال و جیدینو» در دسترس بیماران تالاسمی نیست. این نکته در

برای او سازگاری دارد و چون وجود ندارد از نظر مردم کمبود محسوب می‌شود.» بحران در بخش تأمین دارو از چند سال پیش آغاز، و هر سال عمیق‌تر شد. گرانی و کمبود دارو سبب شده بسیاری از بیماران روند درمان را خود را متوقف کنند و یا دوز داروهای مصرفی را نصف یا یک-سوم کنند.

گزارش مرکز آمار از تورم اردیبهشت ۱۴۰۵ نیز افزایش پرسرعت قیمت دارو در ایران را بازتاب داده است. بر اساس این گزارش تورم ماهانه ماه اردیبهشت ۸/۹ درصد بوده است اما از بین ۱۲ گروه اصلی، بالاترین تورم ماهانه ۲۳/۱ درصد بوده که به گروه «بهداشت و درمان» تعلق دارد. این عدد نشان می‌دهد که خانواده‌ها در اردیبهشت برای دریافت خدمات درمانی یکسان یا خرید اقلام بهداشتی و درمانی مشخص ۲۳ درصد بیشتر از فروردین ماه هزینه می‌کنند.

با وجود افزایش قیمت دارو -و برخلاف تصور عمومی- درآمد داروخانه‌ها نه تنها افزایش نیافته بلکه با زیان گسترده روبرو شده و بسیاری از آنها به مرز ورشکستگی رسیده‌اند. روندی که از سوی یدالله سهرابی عضو شورای عالی نظام پزشکی «پارادوکس» خوانده شده است.

او گفته «از یک سو قیمت اسمی دارو افزایش یافته، اما از سوی دیگر، «مارژین» یا همان حاشیه سود واقعی داروخانه به شدت منقبض شده است. در حال حاضر، داروخانه‌ها با هزینه‌هایی اداره می‌شوند که با تورم بسیار بالایی رشد کرده‌اند (اعم از اجاره‌بها، حقوق پرسنل، مالیات، حامل‌های انرژی، ملزومات و...)، اما سود سبب دارویی آنها به صورت دستوری و بسیار پایین‌تر از این نرخ‌ها نگه داشته شده است. داروخانه دیگر نه تنها یک واحد خدماتی پویا نیست، بلکه به تبدیل به واحد خدمات‌رسان شده که برای حیات و بقای خود دست و پا می‌زند.» عضو شورای عالی نظام پزشکی توضیح داده «حاشیه سود در بسیاری از اقلام استراتژیک به حداقل رسیده و از طرفی، بیمه‌ها سهم خود را با تأخیرهای طولانی مدت پرداخت می‌کنند. وقتی داروخانه دارو را نقدی می‌خرد و مطالباتش را ماه‌ها بعد دریافت می‌کند، در واقع دارد به دولت و سازمان‌های بیمه‌گر وام بدون بهره پرداخت می‌کند؛ آن هم با پولی که هر روز ارزشش کمتر می‌شود.»

بسیاری از موارد، بر روند درمان تأثیر منفی گذاشته و برای سلامتی بیمار خطرناک است. این مشکلات در مورد بیماران خاص بسیار جدی است. داروهای حوزه صنعت پلاسما اکنون شرایط بحرانی دارد در حالیکه سالها در مورد مشتقات داروهای صنعت پلاسما در داخل کشور تبلیغ می‌شد.»

او با تأکید بر اینکه در حوزه دارو کمبودهای جدی وجود دارد» گفته بود: «کمبود داروهای وارداتی که به دلیل عدم تخصیص ارز وضعیت نگران‌کننده‌ای دارد. دوم کمبود داروهای تولیدی است. این موضوع در حال حاضر یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعاتی است که در حوزه دارو مطرح می‌شود. وضعیت نامطلوب تولید دارو در داخل کشور پرسش‌هایی را به صورت جدی مطرح می‌کند.»

او گفته بود «سالها این تبلیغ صورت گرفته که قرار است حجم زیادی از داروهای مورد نیاز در داخل کشور تولید شود و کشور به خودکفایی برسد. چندین دهه است که حمایت گسترده از این صنعت انجام شده است تا مانع خروج ارز از کشور شوند، اما در حال حاضر شرکتهای داخلی تولید دارو نشان داده‌اند که در تحقق این هدف موفق نبوده و با وجود حمایت گسترده نتوانستند نیاز دارویی کشور را در روزهای دشوار مرتفع کنند.»

محمود هادی‌پور دهشال با بیان اینکه باید برون‌داد واقعی حمایت از تولید ماده اولیه دارویی مورد ارزیابی قرار گیرد، گفته بود «مقابل به تحریم نیازمند حمایت از یک گروه خاص و ممنوعیت واردات نیست. لازم است تا همزمان منابع دسترسی افزایش یافته و واردات به صورت هوشمندانه مدیریت شود. در واقع همه موارد را باید به صورت همزمان مدنظر قرار داد.»

هادی‌پور به کمبودهای دارویی اشاره و توضیح داد: «در شرایط فعلی دو نوع زاویه دید نسبت به کمبود وجود دارد. در واقع کمبود بر مبنای نظر مدیران دارویی کشور و کمبود بر اساس نظرات مردم شکل گرفته است. مدیران دارویی بر اساس مولکول و ژنریک کمبود را اعلام می‌کنند. به طور مثال اعلام می‌شود امپرازول در بازار وجود دارد و کمبودی مشاهده نمی‌شود، اما بیمار بر این باور است که داروی فلان کارخانه

ایران گرسنه نیست؛ ایران گروگان گرفته شده است



این سخن به معنای دشمنی با مردم این کشورها نیست؛ مسئله، منافع دولت‌هاست. ایران آزاد، سهم طبیعی خود را در اقتصاد، گردشگری، فرهنگ، انرژی و امنیت منطقه بازخواهد گرفت؛ و همین برای بسیاری از بازیگران منطقه‌ای خوشایند نیست.

اما ایران آزاد، ایران قابل معامله نیست. ایران آزاد، ایران وابسته، تحقیرشده و ضعیف خواهد بود. شاید به همین دلیل است که برخی ترجیح می‌دهند ایران نه کاملاً آزاد، بلکه فقط کنترل‌شده، مهار شده و قابل پیش‌بینی باقی بماند.

این محاسبه اشتباه است.

رهایی ایران نه با گندم خارجی به دست می‌آید، نه با توافق‌هایی که مردم ایران را نادیده می‌گیرند. رهایی ایران به دست خود مردم ایران خواهد بود؛ مردمی که سال‌ها سختی کشیده‌اند، اما سختی را برای زنده ماندن صرف نخواستند. آنان زندگی می‌خواهند، اما زندگی با کرامت. آنان نان می‌خواهند، اما نان بدون آزادی را زندان با سفره پرتر می‌دانند.

پاسخ سه پرسش آغازین روشن است.

تکلیف کشته‌های آبان، مهسا و دی‌ماه با هیچ توافقی پاک نمی‌شود. همانطور که شاهزاده رضا پهلوی گفت «هیچ توافقی که جمهوری اسلامی را مشروع نگه دارد، پاسخی برای آن خون‌ها نیست».

دارایی‌های آزادشده نیز زمانی به مردم می‌رسد که حکومتی مردمی، پاسخگو و ملی بر آن نظارت کند؛ نه حکومتی که ثروت ایران را به ابزار بقای خود تبدیل کرده است.

و جهان؟ جهان اگر نداند، نادان است؛ و اگر بداند و چشم ببندد، شریک اخلاقی این تحقیر است.

مردم ایران گندم تحقیرآمیز نمی‌خواهند. صدقه نمی‌خواهند. کشورشان را می‌خواهند؛ با همه ثروت، تاریخ، کرامت و آینده‌ای که از آنان ربوده شده است.

ایران گرسنه نیست؛ ایران گروگان گرفته شده است.

حالا اگر توافقی امضا شود و جمهوری اسلامی با آرامش، با پول آزادشده و با مشروعیت تازه به کار خود ادامه دهد، این خون‌ها چه می‌شود؟ آیا جهان باز هم می‌خواهد وانمود کند مسئله فقط پرونده هسته‌ای، نفت، تنگه هرمز و ثبات بازار است؟

این همان جایی است که ایرانیان احساس تحقیر می‌کنند. آنان صدقه نمی‌خواهند. آنان نمی‌خواهند دارایی ملی‌شان به معامله‌ای تبدیل شود که یک سوی آن حکومت سرکوبگر است و سوی دیگر آن منافع اقتصادی قدرت‌های خارجی. این پول، پول ملت ایران است؛ پول نفت، گاز، رنج و آینده مردمی که خودشان از آن محروم مانده‌اند.

بخشی از جهان با جمهوری اسلامی مشکل دارد، اما با ایران آزاد و نیرومند نیز راحت نیست. ایران آزاد، اگر به دست مردمش بازسازی شود، می‌تواند در چند سال به قدرتی اقتصادی، فرهنگی، گردشگری و منطقه‌ای تبدیل شود؛ کشوری با نیروی انسانی فرهیخته، منابع طبیعی، جایگاه تاریخی و ظرفیت بزرگ برای همکاری با جهان.

در همین منطقه نیز کشورهایی مانند قطر، عمان و ترکیه و امروز پاکستان از نبود یک ایران طبیعی، آزاد و نیرومند بی‌سود نبوده‌اند. قطر در میدان انرژی، میزبانی سیاسی و نفوذ رسانه‌ای رشد کرده است؛ عمان از نقش میانجی و مسیرهای پنهان دیپلماتیک سود برده است؛ و ترکیه در تجارت، ترانزیت، گردشگری، درمان، مهاجرت و جذب سرمایه ایرانیان جای خالی ایران را پر کرده است.

پاکستان نیز نمونه دیگری از همین بازی منطقه‌ای است. وقتی ۶ جنگنده پاکستانی برای همراهی هواپیمای رئیس‌جمهوری اسلامی به پرواز درمی‌آیند، این فقط یک تشریفات دیپلماتیک ساده نیست؛ نمایش پیامی سیاسی است.

کشوری که خود با بحران اقتصادی، بدهی، ناامنی و وابستگی‌های نظامی روبروست، با چنین نمایشی می‌خواهد نقش میانجی، محافظ و بازیگر امنیتی منطقه را به رخ بکشد. اما پرسش اصلی همچنان بی‌پاسخ می‌ماند: این نمایش‌های نظامی برای امنیت مردم ایران است یا برای حفظ حکومتی که همان مردم را سرکوب کرده است؟

س.روزبه - سه پرسشی که جهان باید پاسخ دهد: اگر فردا توافقی امضا شود و جمهوری اسلامی همچنان بر سر کار بماند، تکلیف کشته‌های آبان، جنبش مهسا و دی‌ماه چه می‌شود؟

وقتی دارایی‌های ایران آزاد می‌شود تا به خرید گندم، ذرت و سویا گره بخورد، این پول ملت ایران است یا پاداشی غیرمستقیم برای حکومتی که همان ملت را سرکوب کرده است؟

آیا جهان واقعا نمی‌داند مردم ایران چه می‌خواهند، یا ترجیح می‌دهد نداند؟

در روزهای گذشته، مقام‌های آمریکایی از این سخن گفتند که دارایی‌های آزادشده ایران می‌تواند صرف خرید گندم، ذرت و سویا از آمریکا شود؛ معامله‌ای که به گفته آنان هم به کشاورزان آمریکایی سود می‌رساند و هم به مردم ایران غذا می‌رساند.

برای کسی که تاریخ ایران را نمی‌شناسد، این شاید یک پیشنهاد اقتصادی یا حتی انسانی به نظر برسد. اما برای بسیاری از ایرانیان، بوی تحقیر داشت.

زیرا مسئله ایران، گرسنگی یک ملت نیست؛ گروگان گرفته شدن یک کشور است.

ایران یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان است: نفت، گاز، تاریخ، نیروی انسانی تحصیل‌کرده، موقعیت جغرافیایی استثنایی و ظرفیت بزرگ اقتصادی و فرهنگی. مردم ایران بهتر از هر کسی می‌دانند ثروت کشورشان کجاست. مشکل آنان کمبود منابع نیست؛ مشکل آنان حکومتی است که همین منابع را چهل‌وهفت سال خرج بقای خود، سرکوب داخلی و شبکه‌های نیابتی در منطقه کرده است.

پس وقتی از بیرون گفته می‌شود «پولتان را آزاد می‌کنیم تا با آن گندم بخرید»، ایرانی چه می‌شود؟ می‌شوند که هنوز به چشم ملتی صاحب اراده، تاریخ و خواست سیاسی دیده نمی‌شود؛ بلکه به چشم جمعیتی گرسنه دیده می‌شود که با چند کشتی خوراک آرام می‌گیرد.

این همان خطای بزرگ در فهم ایران است.

ایرانیان سال‌های سخت کم ندیده‌اند. کوپن دوران جنگ را به یاد دارند؛ صف‌های طولانی برای برنج، روغن، کره و نفت را به یاد دارند؛ بمباران شهرها و سال‌هایی را به یاد دارند که خمینی و جمهوری اسلامی، زندگی مردم را قربانی شعارهایی کردند که هیچ ربطی به منافع ایران نداشت. مثل «راه قدس از کربلا می‌گذرد» همان نسلی که سختی کشید، و نسل بعدی یارانه و امروز کالا برگ. ملت امروز نمی‌گوید سهمیه‌ام را بیشتر کنید، می‌گوید این سیستم را بردارید و کاری نمی‌کنید حداقل پشتیبانی و کمک کنید.

از جنبش سبز تا دی‌ماه، از آبان تا جنبش مهسا، مطالبه‌ای اصلی مردم روشن بوده است: آزادی، حق انتخاب، زندگی عادی، کرامت انسانی، حق رأی و حق تعیین سرنوشت.

در آبان ۱۳۹۸، صدها نفر در خیابان‌های ایران کشته شدند. در جنبش مهسا، چند معترض اعدام شدند، هزاران نفر بازداشت شدند و بسیاری با احکام سنگین، شکنجه، پرونده‌های امنیتی و تهدید روبرو شدند. در دی‌ماه نیز خون شهروندانی بر زمین ریخت که نه برای معامله هسته‌ای آمده بودند، نه برای بازگشایی تنگه هرمز؛ آنان برای حق زندگی آزاد ایستاده بودند.

هشدار سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور درباره وضعیت روانی دانش‌آموزان



حکومت به علت هراس از گسترده شدن اعتراضات در مدارس کشور، مدارس را تعطیل اعلام کردند. در حالیکه مدارس تا اواخر بهمن‌ماه تعطیل بود، بار دیگر و چند روز پس از بازگشایی مدارس، بار دیگر از هفته نخست اسفندماه مدارس با آغاز جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا تعطیل شدند.

تعطیلی مدارس پیشتر به دلیل آلودگی هوا یا در دوران پاندمی کرونا نیز رخ داده بود و همچنان وزارت آموزش و پرورش نتوانسته زیرساخت‌های لازم برای آموزش آنلاین دانش‌آموزان را فراهم آورد. از سوی دیگر امسال در حالی دانش‌آموزان نیمی از سال تحصیلی را در محیط مدرسه حضور نداشتند که قطع همزمان اینترنت جهانی در اعتراضات دی ۴۰۴ و همچنین در سه ماه نخست پس از آغاز جنگ، و مشکلات در زیرساخت‌های اینترنت داخلی، در عمل بخشی از دانش‌آموزان را از دسترسی به آموزش آنلاین نیز محروم کرد.

دوری از محیط فیزیکی مدرسه، ماندن در خانه، اختلال در برخورداری از آموزش آنلاین در کنار فشارهای ناشی از سرکوب گسترده معترضان دی ۴۰۴ و شرایط بحرانی جنگ، همگی سبب ایجاد اختلالات از جمله اضطراب در میان بخشی از کودکان و نوجوانان شده است.

در این میان دانش‌آموزان دبیرستانی به علت تأثیر مستقیم معدل در رتبه کنکور و سرنوشت دانشگاهی دانش‌آموزان با مشکلات بیشتری روبرو هستند. تصمیمات یک‌شبه و بخشنامه‌های ناگهانی و متناقض وزارت آموزش و پرورش نیز بر سردرگمی و نگرانی دانش‌آموزان افزوده است.

در هفته‌های گذشته شماری از دانش‌آموزان در شهرهای مختلف ایران به تصمیمات وزارت آموزش و پرورش اعتراض کردند. با اینهمه همچنان رویکرد غیرمستولانه وزارت آموزش و پرورش در برابر سرنوشت تحصیلی و سلامت روان دانش‌آموزان ادامه دارد.

بسیاری از نوجوانان به عاملی جدی برای افزایش اضطراب، فرسودگی روانی، کاهش امید، و اختلال در عملکرد روزمره تبدیل شده است.

بیانیه سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور نسبت به افزایش فشارهای روانی به نوجوانان هشدار داده و نوشته دانش‌آموزانی که طی سال‌های اخیر تجربه‌های دشوار دیگری مانند سوگ، حوادث ناگوار، بحران‌های اجتماعی، و فشارهای تحصیلی را پشت سر گذاشته‌اند نیازمند حمایت ویژه و تصمیم‌گیری‌های پایدارتر و قابل پیش‌بینی‌تر هستند. این گزارش افزوده بدیهی است که سیاست‌گذاری آموزشی و آزمون‌ی باید علاوه بر ملاحظات علمی و اجرایی، پیامدهای روان‌شناختی آن بر میلیون‌ها دانش‌آموز و خانواده‌های آنان را نیز مورد توجه قرار دهد.

بخش پایانی این بیانیه نیز از راهکارهایی را به مسئولان را ارائه داده است: «ایجاد ثبات و شفافیت در زمان‌بندی امتحانات، کنکور، و فرایندهای مرتبط»، «در نظر گرفتن پیوست سلامت روان نوجوانان به‌عنوان ضرورتی جدی» «جلوگیری از تغییرات ناگهانی و تصمیم‌هایی که موجب افزایش اضطراب و احساس ناامنی روانی در میان دانش‌آموزان می‌شود»، «ارائه برنامه‌های حمایتی روان‌شناختی برای دانش‌آموزان پایه‌های یازدهم و دوازدهم، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر» و «در نظر گرفتن عدالت آموزشی با هدف کاهش فشار روانی غیرضروری بر نوجوانان و خانواده‌ها».

سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور تأکید کرده که سلامت روان دانش‌آموزان بخشی جدایی‌ناپذیر از سرمایه انسانی آینده کشور است و توجه به آن نه اقدامی جانبی، بلکه ضرورتی ملی است.

دانش‌آموزان در ایران طی ماه‌های گذشته با فشارهای روانی مضاعفی در حوزه آموزش روبرو بودند. از اوایل زمستان و همزمان با اعتراضات دی ۴۰۴ نهادهای امنیتی

● سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور با صدور بیانیه‌ای بر ضرورت توجه فوری به وضع روانی دانش‌آموزان تأکید کرده و نوشته در ماه‌های اخیر، جامعه دانش‌آموزی، به‌ویژه دانش‌آموزان پایه‌های یازدهم و دوازدهم، تحت فشارهای متعدد آموزشی، روانی، و اجتماعی قرار گرفته‌اند.

● این بیانیه نسبت به افزایش فشارهای روانی به نوجوانان هشدار داده و نوشته دانش‌آموزانی که طی سال‌های اخیر تجربه‌های دشوار دیگری مانند سوگ، حوادث ناگوار، بحران‌های اجتماعی، و فشارهای تحصیلی را پشت سر گذاشته‌اند نیازمند حمایت ویژه و تصمیم‌گیری‌های پایدارتر و قابل پیش‌بینی‌تر هستند.

● دوری از محیط فیزیکی مدرسه، ماندن در خانه، اختلال در برخورداری از آموزش آنلاین در کنار فشارهای ناشی از سرکوب گسترده معترضان دی ۴۰۴ و شرایط بحرانی جنگ، همگی سبب ایجاد اختلالات از جمله اضطراب در میان بخشی از کودکان و نوجوانان شده است.

● در هفته‌های گذشته دانش‌آموزان در شهرهای مختلف به تصمیمات متناقض و یک‌شبه وزارت آموزش و پرورش اعتراض کردند. با اینهمه همچنان رویکرد غیرمستولانه این وزارتخانه در برابر سرنوشت تحصیلی و سلامت روان دانش‌آموزان ادامه دارد.

سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور با صدور بیانیه‌ای بر ضرورت توجه فوری به وضع روانی دانش‌آموزان تأکید کرده و نوشته در ماه‌های اخیر، جامعه دانش‌آموزی، به‌ویژه دانش‌آموزان پایه‌های یازدهم و دوازدهم، تحت فشارهای متعدد آموزشی، روانی، و اجتماعی قرار گرفته‌اند. این بیانیه تأکید کرده تغییرات مکرر در برنامه‌ریزی‌های آموزشی، نگرانی درباره امتحانات نهایی، کنکور، آینده تحصیلی، و بلاتکلیفی‌های ناشی از تصمیم‌های متغیر برای

مرکز آمار ایران: سال گذشته رشد اقتصادی ایران بدون نفت به منفی ۰/۳ سقوط کرد



● مرکز آمار ایران اعلام کرده رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۴ با احتساب درآمدهای نفت فقط ۰/۲ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت منفی ۰/۳ درصد بوده است.

● پیشتر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارش داده بود که رشد اقتصاد ایران در دی‌ماه ۱۴۰۴ نسبت به ماه مشابه سال قبل از آن به منفی ۰/۴ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت به منفی ۰/۶ درصد کاهش یافته بود.

● صندوق بین‌المللی پول فروردین امسال چشم‌انداز رشد ایران در سال جاری میلادی را منفی ۶/۱ درصد اعلام کرد که ۷/۲ واحد درصد کمتر از برآورد این نهاد بین‌المللی از رشد اقتصادی کشور در ژانویه ۲۰۲۶ بود.

● با کاهش رشد اقتصادی ایران موجی از اخراج نیروی کار و رکود تورمی اقتصاد ایران را فرا خواهد گرفت. از ابتدای جنگ در هفته اول اسفندماه تا کنون نیز آمارها از اخراج و بیکاری حدود چهار میلیون نفر در ایران حکایت دارد.

● در حالیکه پیامدهای جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا در اقتصاد کشور نمایان شده که در آنسو کمبود شدید انرژی سبب آغاز جیره‌بندی برق در بخش‌های مختلف صنعتی و کشاورزی شده است؛ موضوعی که سالهاست بر رشد اقتصادی و درآمدهای صادراتی ایران اثر منفی داشته است.

مرکز آمار ایران اعلام کرده رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۴ با احتساب درآمدهای نفت فقط ۰/۲ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت منفی ۰/۳ درصد بوده است.

طبق اعلام مرکز آمار ایران، محصول ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ در سال ۱۴۰۴ به رقم ۱۰۰,۴۹۲ هزار میلیارد ریال با نفت و ۷۵,۹۴۲ هزار میلیارد ریال بدون احتساب نفت رسیده که نشان از رشد ۰/۲ درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت (به قیمت پایه) و منفی ۰/۳ درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت دارد. جزئیات گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۴ رشته فعالیت‌های گروه کشاورزی رشد منفی ۲/۹ درصد، گروه صنایع و معادن ۰/۵ درصد (شامل استخراج نفت و گاز طبیعی ۱/۸، سایر معادن ۴/۱، صنعت منفی ۱/۵، توزیع گاز طبیعی ۲، تأمین آب و برق منفی ۶/۵ و ساختمان ۱/۴ درصد) و گروه خدمات ۰/۳ درصد نسبت به سال ۱۴۰۳، رشد داشته است.

این آمار در مقایسه با رشد سه درصدی سال ۱۴۰۳، کاهش قابل توجه جدی را نشان می‌دهد. گزارش‌های دیگر نهادهای حکومتی از وضعیت رشد اقتصادی در سال گذشته نیز گویای وضعیتی بحرانی است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مهرماه سال گذشته در گزارشی اعلام کرد که رشد اقتصادی ایران در نیمه اول سال ۱۴۰۴ منفی ۰/۳ درصد بوده است.

این در حالیست که طی ماه‌های گذشته و از ابتدای زمستان ۱۴۰۴ اقتصاد ایران با رکود تورمی عمیق‌تری روبرو شده است. اعتراضات دی ۴۰۴ و قطع سه هفته‌ای اینترنت در بازه این اعتراضات، جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا و قطع سه ماهه اینترنت از اسفندماه تا خردادماه از جمله دلایل تشدید بحران اقتصادی در ایران بوده است.

روبرو بود، افزایش داده است.

با کاهش رشد اقتصادی ایران موجی از اخراج نیروی کار و رکود تورمی اقتصاد ایران را فرا خواهد گرفت. از ابتدای جنگ در هفته اول اسفندماه تا کنون نیز آمارها از اخراج و بیکاری حدود چهار میلیون نفر در ایران حکایت دارد. برخی از این افراد به علت ورشکستگی یا تعطیلی واحدهای صنفی شغل خود را از دست داده و بیکار شده‌اند. برخی دیگر نیز به‌علت اعمال سیاست‌های انقباضی در محل کارشان و اخراج بخشی از نیروی کار به‌عنوان راهکاری برای کاهش هزینه‌ها بیکار شدند.

در آنسو افزایش تورم در اقتصاد ایران نیز سرعت بیشتری پیدا کرده است. میانگین تورم در اردیبهشت امسال نسبت به اردیبهشت سال گذشته بیش از ۷۰ درصد شده است. میانگین تورم موادغذایی نیز به بیش از ۱۳۰ درصد رسیده است.

افزایش هزینه‌ها در کنار درآمدهای ناکافی و بیکاری میلیون‌ها نفر به معنای افزایش قابل توجه جمعیت زیر خط فقر در ایران است. اگر چه مقامات جمهوری اسلامی امیدوار هستند در قالب تفاهم‌نامه و یا توافق احتمالی با ایالات متحده تا حدودی بحران کنونی در اقتصاد کشور را پشت سر بگذارند اما کارشناسان اقتصادی مشکلات اقتصاد ایران را عمیق و ساختاری ارزیابی کرده و می‌گویند صرفاً با آزادسازی پولهای بلوکه شده ایران در دیگر کشورها یا برداشته شدن تحریم‌ها، مشکلات اقتصاد ایران حل نخواهد شد.

در حالیکه پیامدهای جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا در اقتصاد کشور نمایان شده که در آنسو کمبود شدید انرژی سبب آغاز جیره‌بندی برق در بخش‌های مختلف صنعتی و کشاورزی شده است؛ موضوعی که سالهاست بر رشد اقتصادی و درآمدهای صادراتی ایران اثر منفی داشته است. در چنین شرایطی به نظر نمی‌رسد حتی با پیشرفت مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا، وضعیت رشد اقتصادی به زودی و در آینده نزدیک با رشد قابل توجهی روبرو شود.

در همین رابطه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرده که رشد اقتصاد ایران در دی‌ماه ۱۴۰۴ نسبت به ماه مشابه سال قبل از آن به منفی ۰/۴ درصد و رشد اقتصادی بدون نفت به منفی ۰/۶ درصد کاهش یافته بود.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آمده بود که در دی ۴۰۴ بخش خدمات با رشد منفی ۰/۹ درصدی بیشترین کاهش را ثبت کرد. کاهش فعالیت در عمده‌فروشی، هتل و رستوران، آموزش و بهداشت به‌ویژه تحت تأثیر اعتراضات دی‌ماه و قطع اینترنت بود و سهم منفی ۰/۴۸ واحد درصدی را در رشد داشت.

در میان گروه‌های اقتصادی، تنها گروه نفت عملکردی مثبت داشت و با سهم ۰/۰۸ واحد درصدی بیشترین اثر افزایشی را بر رشد دی‌ماه به‌جا گذاشت.

صندوق بین‌المللی پول اواخر فروردین امسال در گزارشی اعلام کرد ایران، قطر و عراق سه کشوری هستند که بیشترین آسیب اقتصادی را از جنگ خاورمیانه متحمل شدند.

صندوق بین‌المللی پول چشم‌انداز رشد ایران در سال جاری میلادی را منفی ۶/۱ درصد اعلام کرد که ۷/۲ واحد درصد کمتر از برآورد این نهاد بین‌المللی از رشد اقتصادی کشور در ژانویه ۲۰۲۶ بود.

بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، پیش‌بینی رشد عربستان سعودی برای سال ۲۰۲۶ با کاهش ۱/۴ واحد درصدی به ۳/۱ درصد رسید.

این گزارش افزوده بود که پیش‌بینی رشد چین در ۲۰۲۶ به ۴/۴ درصد کاهش یافت که تنها ۰/۱ درصد کمتر از برآورد ژانویه است چرا که کاهش تعرفه‌های آمریکا و اقدامات محرک اقتصاد تا حدی اثرات جنگ برای این کشور را جبران خواهد کرد.

جنگ ۴۰ روزه جمهوری اسلامی با اسرائیل و آمریکا همچنین خسارت هنگفت اقتصادی ایجاد کرده که فشار هزینه‌ای بر دولت را، در حالیکه از پیش با کسری بودجه

اقدام عجیب دولت پزشکیان برای آزادسازی قیمت نان؛ افزایش ناگهانی و دو برابری قیمت نان در چند شهر



هفت هزار و ۵۰۰ تومان قیمت‌گذاری شد. معاون توسعه و برنامه‌ریزی فرماندار اسلامشهر نیز با تأیید افزایش قیمت نان در این شهرستان اعلام کرد که نرخ انواع نان با رشد ۱۰۰ درصدی در سامانه نانوبی‌ها اعمال شده است.

در مشهد نیز رئیس اتحادیه نانوبیان از افزایش حدود ۴۹ درصدی قیمت نان در خراسان رضوی خبر داد. در همدان هم نرخ‌نامه جدید نان ابلاغ شد و لواش دو هزار تومان، سنگک هشت هزار تومان و بربری ساده شش هزار و ۵۰۰ تومان تعیین شد.

موضوع قیمت نان از چند وقت پیش مطرح بود برخی استان‌ها هم قیمت را غیر رسمی گران کرده بودند اما دولت اعلام می‌کرد افزایش قیمت در دستور کار نیست.

غلامرضا نوری قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی جمهوری اسلامی، گفته است امسال حدود ۵۰۰ همت برای یارانه نان در بودجه در نظر گرفته شده؛ دولت گندم را با قیمت حدود ۴۸ هزار و ۵۰۰ تومان از کشاورزان می‌خرد و با قیمتی نزدیک به هزار تومان به آردسازی‌ها و نانوبی‌ها می‌دهد.

او گفته تغییر مسیر یارانه از زنجیره آرد و نانوبی به خانوار یا کالابریگ در دست بررسی است، اما تصمیم نهایی گرفته نشده است.

دولت پزشکیان طراحی آزادسازی قیمت نان را از سال گذشته در دستور کار قرار داده بود و افزایش

پیرو طرح دولت پزشکیان برای حذف یارانه آرد، قیمت نان طی ساعات گذشته در چند شهر ایران از جمله تهران افزایش یافته است. در حالیکه تورم بالای مواد غذایی و بروز پدیده «ارزان‌خواری» در میان خانوارها سبب افزایش تقاضا برای نان به عنوان مهمترین خوراکی «شکم‌سیرکن» شده است با افزایش دو برابری قیمت نان، خرید آن نیز برای بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد راحت نیست.

محمد جواد کرمی رئیس کارگروه آردونان اتاق اصناف ایران بامداد سه‌شنبه دوم تیرماه ۱۴۰۵ از افزایش قیمت نان در تهران خبر داد. این افزایش بدون اعلام پیشین و به صورت شبانه صورت گرفته است.

قیمت نان لواش در تهران با افزایش ۱۰۰ درصدی روبرو و دو برابر شده است. به گفته محمد جواد کرمی در استان تهران، نان لواش ۲۷۰۰ تومان، بربری ۱۰ هزار تومان و سنگک ۱۵۵۰۰ تومان قیمت‌گذاری شده است.

به گزارش رسانه‌های داخلی نرخ‌های تازه از سه‌شنبه، دوم تیر، روی دستگاه‌های نانوبی‌ها اعمال شده است و بسیاری از شهروندان بامداد امروز با مراجعه به نانوبی متوجه افزایش قیمت نان شده‌اند.

خبرگزاری «مهر» هم گزارش داده در استان مازندران به‌طور ناگهانی شهروندان با افزایش حدود دو برابری قیمت نان روبرو شده‌اند؛ لواش هزار و ۷۰۰ تومان، تافتون دو هزار و ۶۰۰ تومان، بربری شش هزار و ۵۰۰ تومان و سنگک

قیمت نان در تهران به‌طور شبانه و بدون اعلام قبلی افزایش یافت. نرخ‌های تازه از سه‌شنبه، دوم تیر، روی دستگاه‌های نانوبی‌ها اعمال شده است و بسیاری از شهروندان بامداد امروز با مراجعه به نانوبی متوجه افزایش قیمت نان شده‌اند.

معاون توسعه و برنامه‌ریزی فرماندار اسلامشهر نیز با تأیید افزایش قیمت نان در این شهرستان اعلام کرد که نرخ انواع نان با رشد ۱۰۰ درصدی در سامانه نانوبی‌ها اعمال شده است.

در استان مازندران به‌طور ناگهانی شهروندان با افزایش حدود دو برابری قیمت نان روبرو شده‌اند. مقامات شهرستان اسلامشهر نیز افزایش دوبرابری قیمت نان در این شهرستان را تأیید کردند.

دولت پزشکیان طراحی آزادسازی قیمت نان را از سال گذشته در دستور کار قرار داده بود و افزایش اخیر قیمت نان نیز گویای اجرای همین برنامه است. حذف یارانه نان به‌طور مستقیم هزینه خانوارهای کم‌درآمدی که قوت غالب آنها نان است را با افزایش چند برابری روبرو خواهد کرد.

روزنامه «اطلاعات» با انتقاد از اقدام دولت نوشته «دولت می‌خواهد کسری بودجه لازم برای افزایش رقم کالابریگ را از محل یارانه حذف شده نان تأمین کند، اما علاوه بر تورم جدید، نان را که آخرین مؤلفه معیشتی در امان مانده از گرانی‌هاست، از سفره مردم دریغ می‌کند.»

خسته‌ترین مادر دنیا ...



قدر محمدرضا شاه فقید را ندانستیم و بهای آن را با چهار دهه تاریکی، مهاجرت، زندان، اعدام، فقر و داغ پرداختیم. تاریخ، گاهی درس‌هایش را با مهریانی نمی‌دهد.

اما من هنوز امیدوارم. چون هیچ شبی، هرچقدر هم بلند باشد، توان ایستادن در برابر طلوع را ندارد.

این تاریکی چهل و هفت ساله هم ماندنی نیست.

روزی خواهد رسید که مادران بر مزار فرزندان فقط گل بگذارند، نه بغض.

روزی خواهد رسید که نام جاویدنام‌های هجده و نوزده دی را نه با اشک، که با افتخار و آزادی فریاد خواهیم زد. من آن روز را می‌بینم.

روزی که ایران دوباره به خودش برمی‌گردد و با پرچم پر افتخار شیر و خورشید دوباره بوی امید می‌دهد و مردمش، بعد از سال‌ها، بدون ترس به آینده نگاه می‌کنند.

به روح تمام جاویدنام‌ها قول می‌دهم: خون شما در حافظه این خاک گم نخواهد شد.

ایران از دل این شب عبور می‌کند، و خورشید، دیر یا زود، بر فراز سرزمینی خواهد تابید که نامش ایران است؛

همان ایرانی که برایش جان دادید، همان ایرانی که دوباره لبخند خواهد زد.

مهدی نوذر - گاهی فکر می‌کنم ایران، خسته‌ترین مادر دنیا است؛ مادری که چهل و هفت سال است لباس سیاه از تنش بیرون نیامده، اما هنوز هر صبح با امید چشم باز می‌کند.

امشب، نام‌های زیادی در ذهنم قدم می‌زنند... جاوید نام‌های هجده و نوزده دی.

جوان‌هایی که آرزو داشتند روزی در خیابان‌های همین سرزمین، آزادی مثل باد بوزد و هیچ مادری با صدای زنگ در، از ترس نلرزد. آن‌ها رفتند، اما نرفتند.

در هر کوچه، در هر دیوار، در هر پرچمی که هنوز بوی ایران می‌دهد، نفس می‌کشند.

من باور نمی‌کنم که سهم این سرزمین، فقط اندوه باشد. باور نمی‌کنم که تاریخ، همیشه با اشک نوشته شود.

ایران، روزهای خوش را هم خواهد دید؛ روزی که کودکانش به جای صدای گلوله، صدای خنده را به‌خاطر بسپارند.

روزی که زندان‌ها خالی و مدرسه‌ها پر از رؤیا باشند، روزی که هیچ ایرانی برای دوست داشتنش مجازات نشود.

و امروز، بیش از هر زمان دیگری، سنگینی یک ناسپاسی قدیمی را حس می‌کنم. ما قدر آرامشی را که داشتیم ندانستیم.

→ اخیر قیمت نان نیز گویای اجرای همین برنامه است. حذف یارانه نان به‌طور مستقیم هزینه خانوارهای کم‌درآمدی که قوت غالب آنها نان است را با افزایش چند برابری روبرو خواهد کرد.

روزنامه «اطلاعات» با انتقاد از طرح دولت برای آزادسازی قیمت نان نوشته «دولت و وزارت جهاد کشاورزی در اقدامی سوال برانگیز و بی‌موقع به سراغ حذف یارانه نان رفته‌اند تا یارانه نان در کالابری الکترونیک ادغام و تخصیص یابد که به معنی افزایش قابل توجه بهای نان خواهد بود. دولت می‌خواهد کسری بودجه لازم برای افزایش رقم کالابری را از محل یارانه حذف شده نان تأمین کند، اما علاوه بر تورم جدید، نان را که آخرین مؤلفه معیشتی در امان مانده از گرانی‌هاست، از سفره مردم دریغ می‌کند.»

این مطلب افزوده «هیچ الگوی اطلاعاتی نخواهد توانست مقدار مصرف نان در خانوارهای مختلف را پیش‌بینی کند و دولت ناچار به تعیین تعداد استاندارد نان در کالابری خواهد شد که مازاد آن باید به نرخ آزاد خریداری شود. حذف یارانه نان در شرایط جاری، اقدام بسیار خطرناکی است که پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی گسترده‌ای دارد. مردم از افزایش مداوم قیمت‌ها به ستوه آمده‌اند و تحمل گرانی جدید درباره نان که آخرین سنگر حفظ معیشت حداقلی برای بسیاری اقشار است را ندارند.»

در بخش دیگری از مطلب انتقادی روزنامه «اطلاعات» آمده «در حالی که افزایش نرخ تورم و رشد قیمت انواع کالاها و خدمات فشار معیشتی بر مردم را به نحو قابل توجه و طاقت‌فرسایی افزایش داده و گلابه مردم از کم عملی دولت در این خصوص رو به افزایش است، دولت و وزارت جهاد کشاورزی در اقدامی سوال برانگیز و بی‌موقع به سراغ حذف یارانه نان رفته‌اند.»

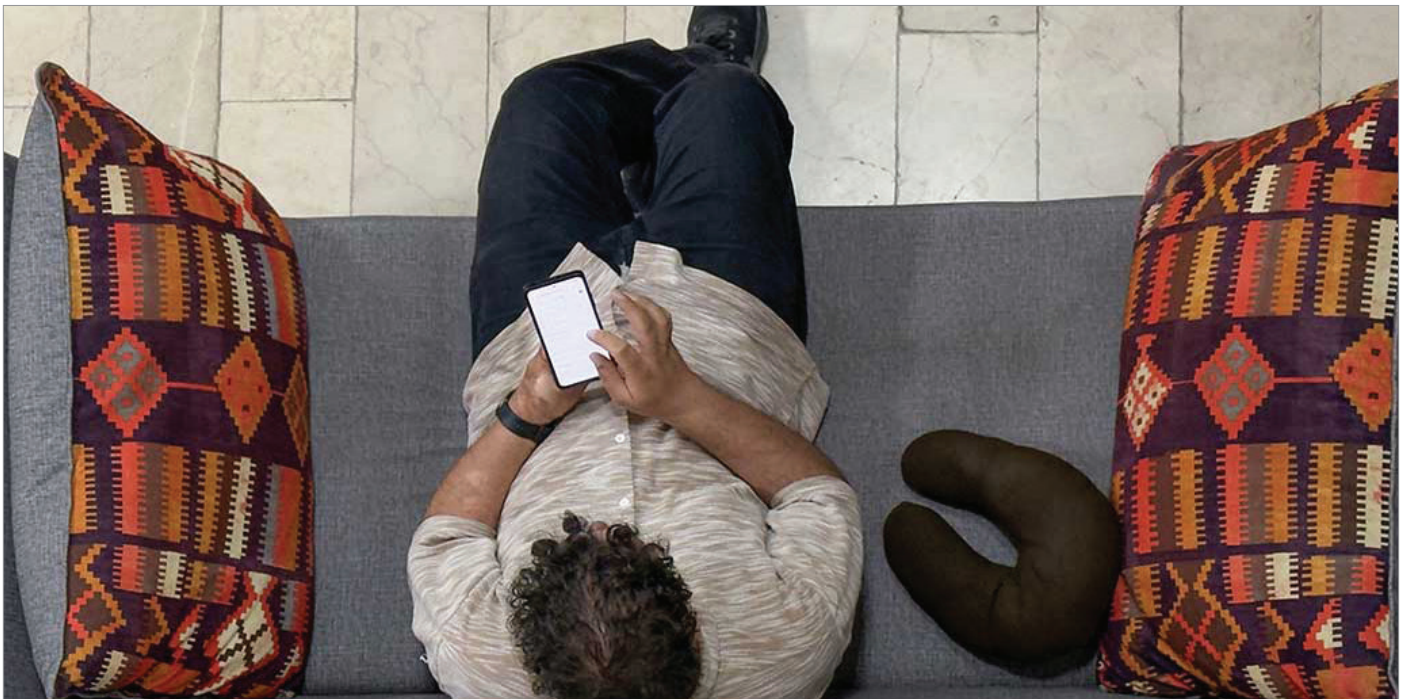
در ادامه مطلب روزنامه «اطلاعات» آمده «در نهایت باید به دولت هشدار داد طاقت مردم در تحمل گرانی‌ها پایان یافته و جامعه ممکن است بر اثر وارد شدن فشار جدید، آن هم درخصوص کالایی چون نان که فراگیری بسیار گسترده و موثری در شهرها و روستاها و اقشار ضعیف دارد، دچار التهاب و شوکی شدید شود، شوکی که بسان پاس گل به دشمن کمین کرده خواهد بود.»

اواخر بهمن‌ماه نیز روزنامه «کیهان» چاپ تهران با استناد به لایحه بودجه ۱۴۰۵ و برنامه تیم اقتصادی دولت نوشته بود «دولت تحت تأثیر مشاورانی که در زمین دشمن بازی می‌کنند؛ به دنبال آزادسازی قیمت نان است؛ اقدامی مشکوک و مرموز که می‌تواند فاجعه به بار بیاورد؛ بنابراین دلسوزان کشور باید جلوی آن را بگیرند.»

در این مطلب آمده بود «برخی مسئولان در بدترین زمان ممکن و صرفاً تحت تأثیر کسانی که نمی‌خواهند راهکارهای جایگزین را به کار ببرند؛ کشور را دچار بحران کرده‌اند. دولت، تحت تأثیر مشاوره به اصطلاح اقتصاددان‌هایی که برخی آنها را مشکوک و مرموز می‌دانند و برخی آنها را عامل دشمن؛ کشور را در زنجیره‌ای از بحران‌ها قرار داده و به دنبال ادامه سیاست‌های اقتصادی شوک‌درمانی است. متأسفانه بخشی از افراد مؤثر در مجلس هم با این سیاست‌ها همراه شده‌اند.»

روزنامه «کیهان» نوشته بود «آزادسازی‌های قبلی در قالب حذف ارز ترجیحی که در بدترین زمان ممکن رخ داده، تبعات سنگین اجتماعی و امنیتی به جا گذاشته و در شرایطی که دشمن به دنبال ایجاد آشوب در کشور و سوءاستفاده‌های تروریستی است، اما عده‌ای در دولت، همچنان بر ادامه سیاست‌های بحران‌ساز اصرار دارند.»

ادامه اختلال اینترنت در ایران؛ ۶۸ درصد از کاربران اینستاگرام بازنگشتند!



کندی‌های آزادکننده دست‌وپنجه نرم می‌کنند که عملاً فرآیند خدمت‌رسانی آنان را مختل کرده است.

حمید محمودزاده، مدیرعامل پلتفرم «دیدار» و یکی از فعالان شناخته‌شده حوزه اینترنت نیز مسئولیت بحران فعلی را متوجه مسئولانی می‌داند که در حوزه تکنولوژی و اینترنت هیچ‌گونه دانش تخصصی ندارند اما درباره آن تصمیم‌گیری می‌کنند.

این کارشناس ریشه بسیاری از تصمیمات آسیب‌زا را در ناآشنایی بدنه حاکمیت با بدیهیات فناوری ارزیابی می‌کند. او با انتقاد از نگاه مکانیکی به موضوع دسترسی به اینترنت، مهاجرت کاربران از پلتفرم‌های جهانی به داخلی و... مشکل را در سطح دانش تصمیم‌گیران می‌بیند: «نکته اینجاست که ما در ساختار حکومتی خود افرادی را داریم که هیچ دانشی در حوزه فناوری‌های روز ندارند. نمی‌دانند چه اتفاقاتی در حال وقوع است، زیرا هیچ‌گاه کار جدی در این حوزه انجام نداده‌اند. نمایندگان مجلسی داریم که وقتی صحبت می‌کنند، متوجه می‌شویم درک درستی از اینترنت و ساختارهای آن ندارند.» حمید محمودزاده به سیاست‌های دستوری دولت در این حوزه اشاره کرده و چنین رویکردی را نقد می‌کند: «وظیفه دولت در تمام دنیا ایجاد زیرساخت است تا بخش خصوصی روی آن کسب‌وکار خود را بنا کند، اما در کشور ما مسیر برعکس است. ما زیرساخت می‌سازیم، زحمت می‌کشیم، با فیلترینگ دست‌وپنجه نرم می‌کنیم و پس از عبور از موانع، فردی ناآگاه با تصمیمات محدودکننده و شعارهای ملی، تمام ساخته‌های ما را نابود می‌کند.»

او برخی اهداف از جمله بومی‌سازی تکنولوژی‌ها را جزو سیاست‌های غلطی می‌داند که سال‌هاست کشور خود را درگیر آن‌ها کرده است: «ما به خاطر سیاست‌های اشتباهمان، سال‌هاست که از جست‌وجوگر ملی، سیستم‌عامل ملی و تلفن ملی سخن می‌گوییم. اما با این سیاست‌ها فقط مجموعه‌ای از پروژه‌های بی‌اساس تعریف شد، عده‌ای در آنجا رانت بردند و در نهایت هیچ‌چیز ساخته نشد.»

۶۸ درصد از کاربران ایرانی اینستاگرام پس از وصل شدن اینترنت بین‌المللی باز هم به این برنامه برنگشته‌اند.

کیوان نقره‌کار، کارشناس شبکه‌های اجتماعی در اینباره به «همشهری» گفته یکی از دلایل عدم بازگشت کاربران به برنامه‌هایی مانند اینستاگرام نیاز به استفاده از وی‌پی‌ان‌ها برای اتصال به اینترنت بین‌الملل است: «هنوز هم برای دسترسی به اینستاگرام نیاز به فیلترشکن هست که هم هزینه دارد و هم از نظر امنیتی ممکن است به گوش‌ها آسیب بزند. همه این عوامل باعث می‌شود که کاربر به استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی ادامه دهد و انعکاس آن در آمار بازگشت کاربران اینستاگرام قابل مشاهده است.»

این کارشناس شبکه‌های اجتماعی افزوده «وقتی کاربری برای مدتی طولانی در یک سرویس باقی می‌ماند و از یک سرویس دیگر محروم می‌شود، به خدمات جدید عادت می‌کند و در همان فضا هم کارهای خود را پیش می‌برد. در دنیای دیجیتال به این اتفاق Habit Lock می‌گویند. از طرف دیگر، وقتی در یک فضا مدت زیادی کار نکنیم، بعد از بازگشت باید پست و استوری‌های زیادی بگذاریم تا به شرایط عادی برگردیم. برای بعضی افراد سخت است که بخواهند دوباره در فضای قبلی فعال شوند.»

او همچنین افزوده «یک موضوع دیگر هم این است که وقتی کاربر به پیام‌رسان‌های داخلی مراجعه می‌کند، می‌بیند که به بخشی از فضای ذهنی و کاری آنها در این پیام‌رسان‌ها پاسخ داده می‌شود و کار دارد انجام می‌شود. در این موقع کاربر فکر می‌کند که اگر دوباره به اینستاگرام برود، ممکن است باز هم دچار محرومیت شود و در نتیجه به استفاده از پلتفرم فعلی ادامه می‌دهد.» استفاده از فیلترشکن هم در مدت اختلال اینترنت یک مشکل بزرگ بود.

در این میان شاغلان حوزه‌های متکی به شبکه بیش از سایرین از این وضعیت آسیب می‌بینند. برای نمونه، رانندگان تاکسی‌های اینترنتی که نانشان در گرو اتصال پایدار به شبکه و مسیرپای‌های آنلاین است، روزانه با خطاهای متعدد و

● در حالیکه اینترنت فیلترشده در ایران پس از سه ماه و از اوایل خردادماه دوباره متصل شده است اما گزارش‌ها از اختلال شدید اینترنت و ناتوانی در تأمین هزینه فیلترشکن برای بخش زیادی از اقشار حکایت دارد.

● نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد پس از اتصال دوباره اینترنت همچنان ۶۸ درصد از کاربران اینستاگرام که ساکن ایران بوده‌اند به این شبکه اجتماعی بازنگشته و فعالیتی در آن ندارند.

● کیوان نقره‌کار، کارشناس شبکه‌های اجتماعی: «هنوز هم برای دسترسی به اینستاگرام نیاز به فیلترشکن هست که هم هزینه دارد و هم از نظر امنیتی ممکن است به گوش‌ها آسیب بزند.»

● حمید محمودزاده، مدیرعامل پلتفرم «دیدار» و یکی از فعالان شناخته‌شده حوزه اینترنت مسئولیت بحران فعلی اینترنت در ایران را متوجه مسئولانی می‌داند که در حوزه تکنولوژی و اینترنت هیچ‌گونه دانش تخصصی ندارند اما درباره آن تصمیم‌گیری می‌کنند.

در حالیکه اینترنت فیلترشده در ایران پس از سه ماه دوباره متصل شده است اما گزارش‌ها از اختلال شدید اینترنت و ناتوانی در تأمین هزینه فیلترشکن برای بخش زیادی از اقشار حکایت دارد. نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد پس از اتصال دوباره اینترنت همچنان ۶۸ درصد از کاربران اینستاگرام که ساکن ایران بوده‌اند به این شبکه اجتماعی بازنگشته و فعالیتی در آن ندارند. جمهوری اسلامی از نهم اسفندماه ۱۴۰۴ و ساعتی پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا اینترنت بین‌المللی را قطع کرد. قطع اینترنت حدود سه ماه به طور انجامید و در نهایت با مصوبه‌ای از سوی دولت پزشکیان اینترنت جهانی دوباره وصل شد. کاربران و کارشناسان اما در هفته‌های گذشته از اختلال شدید اینترنت و هزینه سرسام‌آور فیلترشکن‌ها شکایت دارند. روزنامه «همشهری» به نقل از نتایج یک پژوهش نوشته

گسترش پدیده «ارزان‌خواری» در ایران به علت گرانی و فقر



است. مسعود رسولی، دبیر انجمن صنعت بسته‌بندی گوشت و مواد پروتئینی کشور، نیز ماه گذشته اعلام کرد تقاضا برای گوشت قرمز در فروردین ۱۴۰۵ نسبت به مدت مشابه سال گذشته با کاهش ۵۰ درصد روبرو و نصف شده است.

این فعال صنفی علت نصف شدن تقاضا برای گوشت قرمز را کاهش قدرت خرید خانوارها و افزایش قیمت گوشت عنوان کرد و گفت این کاهش تقاضا در سطح فروشگاه‌های عرضه‌کننده به‌طور محسوس مشاهده شده و به تغییر الگوی مصرف خانوارها منجر شده است.

بسیاری از فعالان صنفی کارگران و بازنشستگان، به عنوان دو قشر کم‌درآمد در ایران، تأکید دارند سفره‌های این اقشار به شدت کوچک شده و به علت بی‌ارزش شدن درآمدهایشان و موج فزاینده گرانی نه تنها مواد غذایی مفید را از سبد مصرفی آنها حذف کرده بلکه این اقشار حتی دیگر توان خرید خوراک کافی را ندارند.

عبدالله قاسمی عضو هیئت مدیره انجمن صنفی مرغداران استان گیلان اوایل بهار امسال با اشاره به سیاست‌های اشتباه دولت در حذف ارز ترجیحی گفته بود «افزایش چند برابری قیمت مرغ بعد از حذف ارز ترجیحی موجب نصف شدن مصرف مرغ در کشور شده است.»

مرکز آمار ایران نیز در گزارشی اعلام کرده میانگین مصرف ماهانه گوشت قرمز خانوارها در ایران از ۲/۸ کیلوگرم در سال ۱۳۹۰ به ۱/۲۵ کیلوگرم در سال ۱۴۰۳ سقوط کرده است.

آمارها نشان می‌دهد مجموع مصرف برنج خانوار در سال ۱۳۹۰ به طور متوسط ماهانه حدود ۱۲ کیلو بوده است. این رقم در سال ۱۴۰۳ به ۶/۵۲ کیلو رسید.

مقایسه درآمد حدود ۲۰ میلیون تومانی کارگران با گوشت کیلویی بیش از دو میلیون تومان و برنج کیلویی ۷۰۰ هزار تومان به خوبی علت کاهش مصرف مواد غذایی اساسی و ضروری مانند گوشت، مرغ و لبنیات، و همچنین حذف برنج از سفره‌های شهروندان و رواج پدیده «ارزان‌خواری» را توضیح می‌دهد.

تغذیه‌ای پایین‌تری دارند و این روند در صورت تداوم، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش سوءتغذیه و بروز بیماری‌های غیرواگیر در سال‌های آینده شود.

او این سخنان را در جلسه گروه ارتقای سلامت با موضوع «آسیب‌های پسا جنگ و امنیت غذایی» که با حضور مقامات دولت و جمعی از متخصصان تغذیه برگزار شد مطرح کرد. کارشناسان در این جلسه تأکید کردند چالش اصلی در ایران در شرایط پسا جنگ کمبود فیزیکی مواد غذایی نیست، بلکه کاهش قدرت خرید خانوارها و محدود شدن دسترسی اقتصادی آن‌ها به غذای سالم و مغذی است. کارشناسان حاضر در نشست همچنین نسبت به وضعیت تغذیه کودکان هشدار داده و این گروه را از آسیب‌پذیرترین اقشار در برابر فقر غذایی دانستند. آمارها نیز نشان از کاهش سرانه مصرف مواد غذایی مفید و ضروری و جایگزین شدن مواد غذایی شکم‌سیرکن مانند ماکارونی با انواع پروتئین و سبزیجات و غلات هستند. آمارها نشان می‌دهند از سال ۱۴۰۰ تا کنون، سرانه مصرف لبنیات در هر سال با کاهش ۱۰ تا ۱۵ درصدی روبرو شده است. ماه گذشته نیز علی‌احسان مظفری رئیس اتحادیه تعاونی‌های صنایع لبنی کشور گفته بود سرانه مصرف سالانه لبنیات در ایران سالانه به کمتر از ۵۰ کیلوگرم رسیده است

رئیس اتحادیه تعاونی‌های صنایع لبنی پیشنهاد کرده بود دولت می‌تواند، مشابه برخی دوره‌های گذشته، بخشی از محصولات لبنی را از طریق کالا برگر یا حمایت‌های غیرنقدی در اختیار خانوارها قرار دهد.

محمد فرید، سخنگوی انجمن صنایع فرآورده‌های لبنی ایران، نیز گفته کاهش مصرف سرانه لبنیات هم از منظر بهداشتی و هم از منظر تولید، اتفاق نامطلوبی است و هشدار داده «آمار پوکی استخوان در کشور بالاست و با کاهش مصرف سرانه شیر و لبنیات بالاتر هم می‌رود.»

همچنین بر اساس گزارش سال گذشته مرکز آمار ایران، میزان مصرف گوشت قرمز هر فرد شهری در ۱۵ سال گذشته دست‌کم ۴۰ درصد کاهش یافته و این میزان در روستاها ۴۸ درصد بوده

● لیلا آزادبخت عضو فرهنگستان علوم پزشکی با هشدار درباره گسترش پدیده «ارزان‌خواری» در کشور اعلام کرد افزایش فشارهای اقتصادی می‌تواند خانوارها را به سمت مصرف غذاهای کم‌ارزش غذایی سوق دهد.

● کارشناسان همچنین نسبت به وضعیت تغذیه کودکان هشدار داده و این گروه را از آسیب‌پذیرترین اقشار در برابر فقر غذایی دانستند.

یک عضو فرهنگستان علوم پزشکی با هشدار درباره گسترش پدیده «ارزان‌خواری» در کشور اعلام کرد افزایش فشارهای اقتصادی می‌تواند خانوارها را به سمت مصرف غذاهای کم‌ارزش غذایی سوق دهد؛ موضوعی که به گفته کارشناسان می‌تواند در سال‌های آینده به افزایش سوءتغذیه و بیماری‌های غیرواگیر منجر شود.

افزایش پرسرعت تورم، درآمدهای ناکافی و عدم موفقیت برنامه‌های حمایتی دولت از اقشار کم‌درآمد سبب بروز بحرانی جدی در تأمین مواد غذایی کافی در اقشار حقوق‌بگیر و نیازمند شده است. بر اساس اعلام مرکز آمار ایران میانگین تورم اقتصاد ایران در اردیبهشت امسال نسبت به اردیبهشت سال گذشته با افزایش بیش از ۷۰ درصدی روبرو شده و در این ماه تورم مواد غذایی به بیش از ۱۳۰ درصد رسیده است.

در آنسو اکثر خانوارهای حقوق‌بگیر در ایران سالهاست با افزایش درآمدهایی کمتر، و نامتناسب با نرخ تورم، روبرو هستند. این روند سبب عقب‌ماندگی درآمدی این خانوارها از هزینه زندگی، کاهش قدرت خرید و در نهایت کوچک شدن سفره‌ها شده است.

لیلا آزادبخت، عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی با اشاره به پدیده «ارزان‌خواری» در میان خانوارهای ایران پرداخت و نسبت به پیامدهای آن هشدار داد.

لیلا آزادبخت گفت افزایش فشارهای اقتصادی می‌تواند خانوارها را به سمت مصرف غذاهایی سوق دهد که ارزش

سومین دوره هنر اجرا «روز پرفورمنس» در پاریس؛ من دوباره سبز خواهم شد، می‌دانم



کوتاهی به یکی از برنامه‌های مستقل و چند فرهنگی در صحنه هنر معاصر پاریس تبدیل شده است. ● در این دوره، ۲۸ هنرمند از ملیت‌ها و زمینه‌های هنری مختلف در قالب ۱۴ گروه اجرایی، مجموعه‌ای از پرفورمنس‌ها، اجراهای صوتی، موسیقایی و میان رشته‌ای را در فضای داخلی و خارجی «شکیرایی» به نمایش گذاشتند.

کتابیون حلاجان - سومین دوره هنر اجرا «روز پرفورمنس» (Performance Day) روز یکشنبه ۱۴ ژوئن ۲۰۲۶ در پاریس و در مجموعه هنری شکیرایی (Shakirail) برگزار شد. این پروژه از سال ۲۰۲۴ به کوشش مهدی یارمحمدی هنرمند مجسمه‌ساز ساکن پاریس با هدف ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و ارائه هنر پرفورمنس شکل گرفته و در مدت کوتاهی به یکی از برنامه‌های مستقل و چند فرهنگی در صحنه هنر معاصر پاریس تبدیل شده است.

در این دوره، ۲۸ هنرمند از ملیت‌ها و زمینه‌های هنری مختلف در قالب ۱۴ گروه اجرایی، مجموعه‌ای از پرفورمنس‌ها، اجراهای صوتی، موسیقایی و میان رشته‌ای را در فضای داخلی و خارجی «شکیرایی» به نمایش گذاشتند. بیش از ۳۰۰ نفر از علاقه‌مندان هنر معاصر، هنرمندان و پژوهشگران در این روز از این برنامه‌ها دیدن کردند.

یکی از ویژگی‌های مهم این دوره، حضور و مشارکت هنرمندان ایرانی در کنار هنرمندان بین‌المللی بود. مریم آقایی، مهدی یارمحمدی، پریا وطن خواه و هورا میرشکاری در چهار پروژه اجرایی حضور داشتند که هر یک به موضوعاتی چون حافظه، تبعید، خشونت سیاسی، هویت و مقاومت پرداختند.

مهدی یارمحمدی پایه‌گذار پروژه روز پرفورمنس می‌گوید: «این رویداد کاملاً مستقل است و به هیچ نهادی



● سومین دوره هنر اجرا «روز پرفورمنس» (Perfor-mance Day) روز یکشنبه ۱۴ ژوئن ۲۰۲۶ در پاریس و در مجموعه هنری شکیرایی (Shakirail) برگزار شد. ● این پروژه از سال ۲۰۲۴ به کوشش مهدی یارمحمدی هنرمند مجسمه‌ساز ساکن پاریس با هدف ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و ارائه هنر پرفورمنس شکل گرفته و در مدت



برگزاری نمایشگاه هنری مرکز فرهنگی ایرانیان لندن به مناسبت هفته پناهندگان



ویدئو

با حنا، طراحی جواهرات طلا و نقره، از ملل مختلف به نمایش درآمد.
این نمایشگاه علاوه بر حمایت مرکز فرهنگی و هنری ایرانیان لندن، با مشارکت و حضور هنرمندان و اعضای گروه و انجمن‌هایی مانند «خبریه یاران»، «گروه تئاتر پارسا»، «گروه شبکه اجتماعی»، «خبریه فینچلی» و «کنیسه مترقی فینچلی» در محوطه دانشگاه میدلسکس لندن برپا شد.

در روزها و شب‌هایی بود که در فاصله ای پراضطراب از ایران، در بی خبری از عزیزانم، سپری می‌کردم. احساساتی در من شکل می‌گرفت که خودم از شدت و غریب بودن آنها شگفت زده می‌شدم؛ احساساتی که هرگز تصور نمی‌کردم در آدمی وجود داشته باشد.

در «آنجا هنوز شب است»، با چهار هنرمند همکاری کردم؛ داریوش فائزی نویسنده و بازیگر که نقش روح من را در اینجا ایفا می‌کند و مارتینا مودوتی هنرمند چند رسانه‌ای که در نقش جسم حضور دارد. این دو، در واقع بازتاب تنش مداوم میان این دو بخش از وجود من هستند؛ تنشی که در آن روزها در من جریان داشت. میان زندگی روزمره و آشفتگی درونی، نوعی زیست دوگانه را تجربه می‌کردم؛ از یک سو مجبور بودم در جهان بیرون عادی باشم و لبخند بزنم، و از سوی دیگر، در درونم ترس، نگرانی و بی‌خبری از عزیزانم سنگینی می‌کرد. ساخت ویدیو این پرفورمنس را آرنو بونیور طراح صحنه و فیلمساز و موسیقی ۱۱ دقیقه‌ای آن را حامد زهری نوازنده و آهنگساز بر عهده داشتند. آخرین تصویر اثر، برای من به روزهایی بازمی‌گردد که مردم ایران در خاموشی و قطع کامل اینترنت، با نور چراغ‌های موبایل به خیابان آمده بودند؛ تصویری که فکر می‌کنم برای همیشه در حافظه جمعی ما حک شده است.

مرکز فرهنگی ایرانیان لندن، نمایشگاهی هنری یک روزه‌ای را به مناسبت هفته پناهندگان در روز دوشنبه پانزدهم ژوئن ۲۰۲۴ در منطقه هندنون شهر لندن برگزار کرد.
در این نمایشگاه، آثار هنرمندان ایرانی و غیرایرانی از جمله صنایع دستی، لباس و جواهرات عرضه شد و به فروش رسید.

همچنین طراحی لباس، معرق کاری پارچه، کلاژ، طراحی

و درست همان‌جا که مرگ می‌خواهد آخرین کلمه را بگوید، پژواک شعر فروغ فرخزاد شنیده می‌شود؛ که می‌گوید «من دوباره سبز خواهم شد، می‌دانم...» و یادآوری می‌کند که حافظه را نمی‌توان اعدام کرد؛ همان‌گونه که امید را نمی‌توان به دار آویخت. تا زمانی که صدایی بخواند، بدنی شهادت دهد و

انسانی به یاد بیاورد، امکان رویش همچنان باقی است.
پرفورمنس پریا وطن‌خواه با عنوان جاودانه (Everlasting) در مورد قتل‌عام مردم در دی‌ماه سال ۱۴۰۴ در ایران بود. پریا وطن‌خواه می‌گوید هیچ موضوع دیگری را نمی‌توانستم انتخاب کنم. دوست داشتم موضوع دیگری انتخاب کنم و کمی از ایران دور باشم، اما با دیدن این همه ظلم و جنایت غیر ممکن بود که بتوانم انتخاب دیگری داشته باشم. پرفورمنس «جاودانه» با همکاری میلا سارتی هنرمند چند رسانه‌ای و کاملیتو که بخش صدا را به عهده داشت اجرا شد. مریم آقایی، هنرمند چندرسانه‌ای، با پرفورمنس «آنجا هنوز شب است» در این رویداد حضور داشت. او می‌گوید: برنامه‌ریزی این پروژه از ماه‌ها پیش آغاز شده بود و در ابتدا ایده‌ای کاملاً متفاوت در ذهن داشتم؛ اما رخدادهای هولناک و تکان‌دهنده‌ای که در ایران اتفاق افتاد، مسیر اثر را به طور کامل تغییر داد و ایده اولیه را دگرگون کرد. این پرفورمنس، بازتاب کشمکش عمیق میان جسم و روح من

وایسته نیست، این هنرمندان هستند که یکدیگر را حمایت می‌کنند. در دوره‌ای که بخش اقتصادی بر اکثر رویدادهای هنری غالب است و هنر بیشتر در خدمت قدرت و سیاست قرار دارد، ما توانستیم این رویداد را بدون وابستگی، با حمایت خودمان برگزار کنیم. به عنوان مثال، هنرمندانی از کشور آلمان با هزینه خودشان برای این روز به پاریس آمدند تا اجرا داشته باشند. این حرکت همبستگی، عشق و روابط انسانی را به دور از مرزهای سیاسی نشان می‌دهد، که وظیفه هنر واقعی نیز همین است.»

امسال بیشتر پرفورمنس‌ها به صورت گروه دو نفره انجام شد و هزینه‌ها نسبت به سال گذشته بالاتر رفت. به عنوان مثال برای موسیقی، نور، لباس و غیره ... خود هنرمندان هزینه‌ها را متحمل شدند. اینها را تأکید کردم تا به این نکته‌ی مهم برسیم که در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر نیاز به عشق و همبستگی داریم. در این روز هنرمندان بدون هیچ چشم داشتی با عشق کنار هم کار کردند و این انرژی زیبا را در گوشه ای از جهان گسترش دادند.
در این دوره من به هنرمندان موضوع ندادم اما، شرایط روز دنیا به ویژه ایران تأثیر گذاشته بود و اجراهای بسیاری از هنرمندان با پیام‌های ضد خشونت، ضد جنگ، سرکوب و اعدام بود.

انتظار من از پرفورمنس به عنوان یک شاخه از هنرهای امروزی، با اجرا و زبان بدن، همان پیام صریح هنرمند است که در زمان حال با توجه به شرایط محیط ایراد می‌شود. اجرای من با جان باتلر هنرمند چند رسانه‌ای آمریکایی «کودو کودو» نام داشت. این بازی دوران کودکی ما در منطقه سیستان است، گل را به شکل ظرفی ته گود می‌ساختیم و بعد بر زمین می‌کوبیدم تا انفجار ایجاد شود، هر کسی که بهتر بتواند منفجر کند موفق تر است و پول بیشتری می‌گیرد. ما در این پرفورمنس یاد آور جنگ‌هایی شدیم که امروز مانند بازی‌های کودکان شده است، اما حقیقت از بین رفتن جان و مال انسان‌های بی‌شمار است. پرفورمنس مشترک هورا میرشکاری و کلر پرو هنرمند چند رسانه‌ای با نام «Je reverdirai, je le sais...» بود. هورا میرشکاری می‌گویی عنوان این اجرا از شعری از فروغ فرخزاد وام گرفته شده است؛ شعری که از امکان رویش، حتی در دل ویرانی، سخن می‌گوید؛ از ایمانی خاموش به بازگشت زندگی، زمانی که به نظر می‌رسد همه چیز تاریک است. این پرفورمنس بر مرز باریک میان حضور و حذف، حافظه و فراموشی، زندگی و مرگ حرکت می‌کند.

دو هنرمند با اتکا به بدن، صدا و سکوت، آیینی می‌آفرینند که در آن زمان کش می‌آید و هر حرکت، حامل زخمی نادیدنی است. من در فضایی بسته و محصور آواز می‌خوانم. صدای من از دل محدودیت برمی‌خیزد؛ صدایی که نه تنها یک آواز، بلکه شهادت زنده ماندن است. آوازی که دیوارها را نمی‌شکند، اما از آن‌ها عبور می‌کند و حافظه را از خاموشی نجات می‌دهد. در پیرامون این فضای بسته، کلر پرو با حرکت‌هایی آرام، چرخشی و آیینی می‌گردد؛ گویی مدام میان سوگواری و تولد در رفت‌وآمد است. بدن او در جست‌وجوی کسانی است که دیگر حضور ندارند، اما غایبشان همچنان فضا را انباشته است.

این اثر، در لایه‌ای عمیق‌تر، سوگواری‌های است برای جوانانی که هر بامداد، با نخستین آذان، در سکوت به چوبه‌های دار سپرده می‌شوند؛ جان‌هایی که پیش از آنکه روز آغاز شود، از جهان حذف می‌شوند. اجرایی درباره اعدام و خشونت است که می‌کوشد مرگ را به امری عادی بدل کند و حافظه را خاموش سازد. اما این اجرا تسلیم خاموشی نمی‌شود. آواز، در برابر طناب می‌ایستد؛ بدن، در برابر حذف.

شاهنشاهی؛ تداوم تاریخی دولت ایرانی و مسئله هویت سیاسی ایران



تکامل سیاسی به معنای گسست از تاریخ نیست؛ بلکه به معنای استمرار تاریخ در شرایط جدید است.

مشروعیت تاریخی و مسئله استمرار ملت

در اینجا باید به مسئله‌ای پرداخت که در بسیاری از مباحث سیاسی معاصر یا نادیده گرفته می‌شود و یا به صورت ناقص مورد توجه قرار می‌گیرد؛ و آن مسئله مشروعیت تاریخی است.

بخش بزرگی از نظریه‌های سیاسی جدید، مشروعیت را صرفاً بر پایه انتخابات، قرارداد اجتماعی، قانون اساسی یا رضایت شهروندان تعریف می‌کنند. این عناصر بدون تردید از ارکان مهم نظام سیاسی مدرن هستند، اما برای فهم موجودیتی به نام ایران کافی نیستند.

اگر مشروعیت صرفاً محصول اراده سیاسی نسل حاضر باشد، آنگاه باید توضیح داد که چه چیزی ملت را از یک تجمع موقت سیاسی متمایز می‌کند. ملت صرفاً مجموعه‌ای از افراد هم‌زمان نیست. ملت حاصل استمرار نسل‌های متوالی در طول تاریخ است.

زبان، فرهنگ، حافظه جمعی، تجربه تاریخی، اسطوره‌های ملی، پیروزی‌ها، شکست‌ها، نهادها و میراث تمدنی، همگی در شکل‌گیری هویت ملی نقش دارند.

از این رو، مشروعیت سیاسی تنها یک امر حقوقی نیست، بلکه دارای بعدی تاریخی نیز هست. هیچ نسلی ایران را از نو تأسیس نکرده است. هیچ نسلی زبان فارسی را خلق نکرده است. هیچ نسلی به تنهایی صاحب تمدن ایران نیست.

هر نسل ایران را از نسل‌های پیشین تحویل می‌گیرد و به نسل‌های بعدی منتقل می‌کند. به همین دلیل، دولت در ایران تنها مسئول اداره حال نیست؛ بلکه مسئول حفظ پیوستگی تاریخی ملت نیز هست.

امپراتوری به گستره قدرت اشاره می‌کند؛ شاهنشاهی به ماهیت دولت.

ایران؛ یک ملت - تمدن

بسیاری از کشورهای جدید، محصول تحولات چند سده اخیر هستند؛ اما ایران از معدود جوامعی است که پیش از شکل‌گیری دولت‌های مدرن نیز دارای هویت تاریخی مستقل بوده است.

ایران صرفاً یک دولت نبوده است؛ بلکه یک ملت - تمدن بوده است.

در طول بیش از دو هزار سال، سلسله‌ها تغییر کردند، مرزها گسترش یافتند یا کاهش پیدا کردند، حکومت‌ها سقوط کردند و حکومت‌های جدید پدید آمدند، اما ایده ایران باقی ماند.

آنچه این تداوم را حفظ کرد، صرفاً زبان یا فرهنگ نبود؛ بلکه وجود یک دولت تاریخی بود که خود را تجسم سیاسی ایران می‌دانست.

شاهنشاهی در این معنا، ظرف تاریخی استمرار ایران بود.

اصل تداوم در فلسفه سیاسی

یکی از مهمترین اصول فلسفه سیاسی آن است که نهادهای پایدار از دل تجربه تاریخی ملت‌ها شکل می‌گیرند. هیچ ملت زنده‌ای توسعه خود را با انکار گذشته آغاز نمی‌کند.

صنعت بر صنعت پیشین بنا می‌شود. علم بر میراث علمی گذشته استوار می‌گردد. فرهنگ از دل فرهنگ تاریخی رشد می‌کند. و سازمان سیاسی نیز در بستر سنت‌های ملی تکامل می‌یابد. به همین دلیل، ملت‌های موفق معمولاً نهادهای تاریخی خود را نابود نمی‌کنند، بلکه آنها را با مقتضیات زمان تطبیق می‌دهند.

عظیم بادام دوست - در بحث‌های سیاسی معاصر ایران، واژه «شاهنشاهی» غالباً یا به صورت احساسی و نوستالژیک به کار می‌رود و یا با مفاهیمی چون امپراتوری، سلطنت مطلقه و حکومت فردی خلط می‌شود. نتیجه آن است که یکی از بنیادی‌ترین نهادهای تاریخ ایران، به جای آنکه موضوع مطالعه‌ای فلسفی و تاریخی قرار گیرد، به موضوعی صرفاً سیاسی و جناحی تقلیل می‌یابد.

پرسش اصلی اما چیز دیگری است: آیا شاهنشاهی صرفاً یک شکل از حکومت در گذشته ایران بوده است، یا آنکه بیانگر یکی از مهمترین عناصر تداوم تاریخی و هویتی ملت ایران است؟

برای پاسخ به این پرسش، باید نخست میان «امپراتوری»، «پادشاهی» و «شاهنشاهی» تمایز قائل شد و سپس نسبت میان هویت تاریخی ایران و سازمان سیاسی آن را بررسی کرد.

شاهنشاهی و امپراتوری؛ دو مفهوم متفاوت

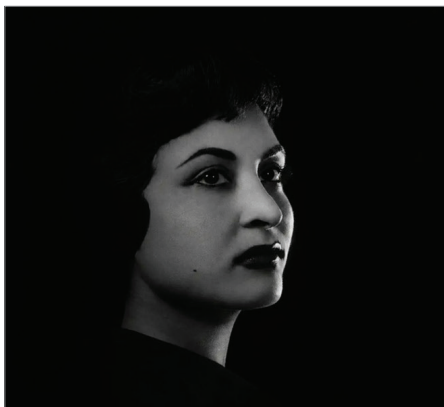
در ادبیات سیاسی جدید، غالباً شاهنشاهی ایران با واژه «امپراتوری» ترجمه می‌شود. این ترجمه اگرچه از جهاتی درست است، اما تمام حقیقت را بیان نمی‌کند.

امپراتوری در معنای کلاسیک خود به ساختاری سیاسی اطلاق می‌شود که مجموعه‌ای از سرزمین‌ها و اقوام مختلف را تحت اقتدار یک مرکز سیاسی گرد می‌آورد.

اما شاهنشاهی ایران صرفاً یک ساختار توسعه‌سرزمینی نبود. شاهنشاهی مفهومی برخاسته از سنت سیاسی ایران بود که در آن شاهنشاه نه فقط فرمانروای سرزمین‌ها، بلکه نگهدارنده نظم سیاسی، استمرار تاریخی و وحدت تمدنی کشور محسوب می‌شد.

از این منظر، امپراتوری بیشتر یک مفهوم جغرافیایی و سیاسی است؛ در حالی که شاهنشاهی مفهومی تاریخی، تمدنی و هویتی است.

آذر عظیمیا، از خوانندگان برنامه ماندگار «گل‌ها»، درگذشت



● آذرمیدخت عظیمیا سراج‌پور معروف به آذر عظیمیا، خواننده پیشکسوت موسیقی ایران و از نخستین خوانندگان برنامه خاطره‌انگیز «گل‌ها»، روز دوم تیرماه ۱۴۰۵ در سن ۹۹ سالگی در اصفهان درگذشت.

● آذر عظیمیا که به نخستین بانوی آواز اصفهان نیز معروف است در سال ۱۳۰۶ در این شهر متولد شد. او فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۳۳ با رادیو ایران آغاز کرد و سهمی مهم و ارزشمند در تاریخ موسیقی معاصر ایران داشت.

● او همچنین از نخستین هنرمندانی بود که در مجموعه برنامه‌های «گل‌ها» حضور یافت و در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷ همکاری پیوسته‌ای با این برنامه داشت.

آذرمیدخت عظیمیا سراج‌پور معروف به آذر عظیمیا، خواننده پیشکسوت موسیقی ایران و از نخستین خوانندگان برنامه خاطره‌انگیز «گل‌ها»، روز دوم تیرماه ۱۴۰۵ در سن ۹۹ سالگی در اصفهان درگذشت.

آذر عظیمیا که به نخستین بانوی آواز اصفهان نیز معروف است در سال ۱۳۰۶ در این شهر متولد شد. او فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۳۳ با رادیو ایران آغاز کرد و سهمی مهم و ارزشمند در تاریخ موسیقی معاصر ایران داشت.

او همچنین از نخستین هنرمندانی بود که در مجموعه برنامه‌های «گل‌ها» حضور یافت و در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷ همکاری پیوسته‌ای با این برنامه داشت.

نخستین اثری که آذر عظیمیا در برنامه «گل‌ها» اجرا کرد «یک شاخه گل» سروده از ابوالحسن وزری بود که با همراهی ویولن ابوالحسن صبا و سنتور فرامرز پایور اجرا کرد.

آذر عظیمیا در طول سال‌های فعالیت هنری خود، آثار متعددی را در برنامه «گل‌های صحرایی» و دیگر برنامه‌های رادیویی اجرا کرد. قطعه «راه شیراز» از شناخته‌شده‌ترین آثار او به شمار می‌رود که با ارکستر فابری به رهبری همسرش، زنده‌یاد مرتضی حنانه، آهنگساز و رهبر ارکستر، اجرا شد.

در حالی که پرسش بنیادی‌تر آن است که آیا ملت ایران برای استمرار تاریخی خود به یک نهاد نمادین و تاریخی نیاز دارد یا خیر.

پاسخ به این پرسش مستقل از پاسخ به این سؤال است که حدود اختیارات آن نهاد چه باید باشد.

از این منظر، شاهنشاهی پیش از آنکه موضوعی حقوقی باشد، موضوعی مربوط به حافظه تاریخی، تداوم تمدنی و هویت سیاسی ایران است.

تنظیم حدود قدرت، امری متعلق به قانون اساسی است؛ اما اصل وجود نهاد، به حوزه فلسفه سیاسی و تاریخ تمدنی تعلق دارد.

ایران امروز و مسئله آینده

ایران امروز با بحرانی عمیق در حوزه هویت سیاسی روبرو است.

بخش مهمی از این بحران ناشی از گسست میان دولت و سنت تاریخی ایران است.

آینده ایران نمی‌تواند صرفاً بر تقلید از الگوهای سیاسی وارداتی بنا شود؛ همان‌گونه که نمی‌تواند در گذشته متوقف بماند.

راه حل، بازگشت به گذشته نیست؛ بلکه بازگشت به تداوم تاریخی است.

نهادهای سیاسی آینده ایران، هر شکلی که داشته باشند، زمانی از مشروعیت و پایداری برخوردار خواهند بود که با هویت تاریخی و تمدنی ایران سازگار باشند.

مسئله اصلی ایران صرفاً انتخاب میان چند فرمول حقوقی یا اداری نیست.

مسئله اصلی یافتن صورتی از سازمان سیاسی است که بتواند استمرار تاریخی ملت ایران را نمایندگی کند و در عین حال با مقتضیات حکومت قانون، حقوق شهروندی، توسعه ملی و مشارکت سیاسی نیز سازگار باشد.

پرسش بنیادین آینده ایران این نیست که کدام الگوی خارجی باید تقلید شود.

پرسش بنیادین آن است که چگونه می‌توان تداوم تاریخی ایران را در قالب نهادهای سیاسی متناسب با جهان معاصر بازآفرینی کرد.

نتیجه‌گیری:

شاهنشاهی در تاریخ ایران صرفاً یک نظام حکومتی نبوده است.

شاهنشاهی صورت تاریخی دولت ایرانی و یکی از مهمترین عوامل تداوم ملت ایران در طول قرون بوده است. بنابراین مسئله شاهنشاهی را نباید در قالب منازعه میان گذشته و آینده فهمید؛ بلکه باید آن را در چارچوب رابطه میان هویت تاریخی و سازمان سیاسی یک ملت تحلیل کرد. ایران زمانی می‌تواند آینده‌ای پایدار بسازد که آینده خود را بر بنیاد تداوم تاریخی خویش بنا کند.

ملت‌هایی که حافظه تاریخی خود را حفظ می‌کنند، می‌توانند نهادهای خود را نوسازی کنند؛ اما ملت‌هایی که پیوند خود را با تاریخ خویش قطع می‌کنند، ناگزیر باید بارها و بارها از نقطه صفر آغاز کنند.

شاهنشاهی در این معنا، نه یادگار گذشته، بلکه یکی از تجلیات تداوم تاریخی ایران است.

و شاید مهمترین پرسش پیش روی ایرانیان در قرن بیست و یکم نیز همین باشد: «چگونه می‌توان میان میراث تاریخی ایران و الزامات جهان جدید آشتی برقرار کرد، بی‌آنکه نه تاریخ قربانی تجدد شود و نه آینده در اسارت گذشته بماند؟»

→ در چنین چارچوبی، شاهنشاهی را می‌توان یکی از مهمترین نهادهای حامل تداوم تاریخی دولت ایرانی دانست؛ نهادی که در طول قرن‌ها، فارغ از تغییر سلسله‌ها و تحولات سیاسی، استمرار دولت ایرانی را نمایندگی کرده است.

شاهنشاهی به‌عنوان نهاد تداوم ملی

در مورد ایران، پرسش اساسی این نیست که کدام سلسله حکومت کرده است.

پرسش اصلی آن است که کدام نهاد توانسته است در طول قرن‌ها وحدت سیاسی و هویتی ایران را نمایندگی کند.

پاسخ تاریخی روشن است: این نهاد، شاهنشاهی بوده است.

شاهنشاهی در ایران صرفاً یک مقام حکومتی نبود. نماد تداوم دولت، حافظ یگانگی سرزمینی و نقطه اتصال

نسل‌های متوالی ایرانیان به یکدیگر بود. از این رو، شاهنشاهی را باید نه صرفاً یک شکل حکومت، بلکه یک نهاد تمدنی دانست.

دولت؛ تجسم سیاسی یک تمدن

یکی از خطاهای رایج در فهم دولت، تقلیل آن به یک دستگاه اداری است.

دولت البته دارای وزارتخانه‌ها، قوانین، بودجه و ساختارهای اجرایی است، اما در ملت‌های تاریخی، دولت چیزی فراتر از یک ماشین اداری است.

دولت تجسم سیاسی یک هویت تاریخی است. همان‌گونه که زبان، ادبیات، فرهنگ و حافظه جمعی

حاملان تمدن هستند، دولت نیز صورت سیاسی آن تمدن است. این مسئله درباره ایران اهمیت ویژه‌ای دارد.

ایران صرفاً کشوری نیست که در سده‌های اخیر پدید آمده باشد؛ ایران یک ملت - تمدن است.

موجودیتی که قرن‌ها پیش از پیدایش بسیاری از دولت‌های مدرن وجود داشته و توانسته است با وجود تهاجمات، جنگ‌ها، فروپاشی سلسله‌ها و دگرگونی‌های گسترده، هویت خود را حفظ کند.

چنین تمدنی نمی‌تواند نسبت به شکل سازمان سیاسی خود بی‌تفاوت باشد.

زیرا سازمان سیاسی نیز بخشی از حافظه تاریخی ملت است.

از این منظر، شاهنشاهی صرفاً یک ساختار حکومتی نیست، بلکه یکی از اشکال تاریخی تجلی دولت ایرانی است.

همان‌گونه که زبان فارسی بخشی از تداوم تمدنی ایران است، نهاد شاهنشاهی نیز بخشی از تداوم تاریخی دولت ایرانی محسوب می‌شود.

تمايز میان نهاد و اختيارات

یکی از رایج‌ترین خطاهای نظری در مباحث سیاسی ایران، خلط میان نهاد و اختیارات نهاد است.

در حالی که این دو مسئله ماهیتاً متفاوت‌اند. ممکن است یک ملت وجود یک نهاد را برای حفظ تداوم

تاریخی و هویتی خود ضروری بدانند، اما درباره حدود اختیارات آن نهاد دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشد.

اصل وجود شاهنشاهی یک مسئله مربوط به هویت تاریخی و فلسفه سیاسی است.

اما میزان اختیارات شاهنشاه مسئله‌ای مربوط به حقوق اساسی و سازمان قدرت است.

نادیده گرفتن این تمایز موجب شده است که بسیاری از مباحث مربوط به شاهنشاهی در ایران از سطح بحث‌های تمدنی و نظری به سطح منازعات روزمره سیاسی تقلیل یابد.

دام منجی‌پنداری: روان‌شناسی امید کاذب و سیاستمدار خودشیفته؛ بررسی شخصیت سیاستمداران خودمحور با رفتارهای ناپایدار



دکتر محمد طباطبایی* - در این روزهای پرتنش، آکنده از بی‌ثباتی و سرشار از نشیب‌وفراز و عدم قطعیت کنونی، و در حالی که بسیاری از هم‌میهنان، چه در داخل و چه در خارج از کشور، در طی چند ماه گذشته امید خود را به حمایت و یا تصمیمات حمایتی اقدامات سیاستمداران کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا گره زده‌اند، این امید اغلب با این انتظار همراه بوده است که تصمیمات این سیاستمداران بتواند به تحقق آزادی، بازسازی کرامت انسانی و پایان دادن به ساختار اقتدارگرای حکومت دیکتاتوری در ایران بینجامد.

با این حال، هرگاه چنین امیدی اگر بر پایه شناختی واقع‌بینانه از شخصیت، انگیزه‌ها و محدودیت‌های سیاستمداران شکل نگیرد، ممکن است به «قهرمان‌سازی کاذب» منتهی شود و در ادامه، با تغییر شرایط یا برآورده نشدن انتظارات، این «امید کاذب» به احساس خشم، نفرت یا سرخوردگی جمعی بینجامد. از این رو، شناخت ویژگی‌های شخصیتی سیاستمداران و توجه به سازوکارهای روان‌شناسی اجتماعی می‌تواند به درک بهتر این پدیده کمک کند. این پرسش مطرح می‌شود که چرا برخی افراد یا حتی جوامع، در شرایط خاص، به چنین چهره‌هایی گرایش پیدا می‌کنند و آنان را در جایگاه «منجی» قرار می‌دهند؟ پاسخ را می‌توان در مفاهیمی چون فراقکنی جمعی، نیاز به منجی، کاهش احساس عاملیت و مسئولیت فردی و جمعی، افسردگی اجتماعی، ترس از شکست و احساس درماندگی جستجو کرد.

در شرایط بحران، ناامنی و آنچه روان‌شناس آمریکایی مارتین سلینگمن «درماندگی آموخته‌شده» می‌نامد، افراد بیش از پیش تمایل پیدا می‌کنند که کنترل و قدرت تغییر را به عاملی بیرونی و قدرتمند واگذار کنند. در چنین وضعیتی، این باور در افراد جامعه و خودآگاه جمعی شکل می‌گیرد که به تنهایی قادر به دستیابی به اهداف مورد نظر نیستند. این فرایند می‌تواند در فضای سیاسی به ایده‌آل‌سازی یک سیاستمدار و نادیده گرفتن نشانه‌های هشداردهنده منجر شود. در حالی که در فرهنگ انتظار و چشم به راه منجی بودن، بر نیروی بیرونی و منحصر به شخص نجات‌دهنده تکیه می‌شود؛ چه بسا به گمراهی و ناامیدی نیز کشیده می‌شود. در مقابل فرهنگ مسئولیت‌پذیری فردی و جمعی بر خودمحوری فرد و جامعه تکیه دارد و بر افروختن چراغ درون به معنای نقش کلیدی و تعیین‌کننده اجتماعی در این راه تأکید می‌کند.

در چنین فضایی، طرح چند پرسش اساسی می‌تواند به ارزیابی واقع‌بینانه‌تر سیاستمداران کمک کند: سیاستمدار با شخصیت پیچیده و ناپایدار چه ویژگی‌هایی دارد؟ چگونه می‌توان میان رهبری مؤثر، مسئولیت‌پذیر، شفاف و شخصیت مبهم و منجی‌پنداری تمایز قائل شد؟ و چرا افراد یا حتی یک جامعه، علی‌رغم وجود نشانه‌های هشداردهنده، چنین چهره‌هایی را در مقام «منجی» ادراک می‌کنند؟ از منظر روان‌شناختی، خطر «دوگانه‌سازی» و یا «نگرش سیاه و سفید» در جوامع متشنج و یا بحران‌زده بسیار بالاست؛ وضعیتی که در آن رویدادها صرفاً در دو قطب خوب یا بد مطلق ارزیابی می‌شوند. در چنین وضعیتی، پیچیدگی‌های واقعیت نادیده گرفته می‌شود و یک فرد یا

نیز روزه روز بیشتر به چشم می‌خورد، اما در عرصه قدرت و سیاست، پیامدهای گسترده‌تر و عمیق‌تری پیدا می‌کند. هرچند واژه «خودشیفته» امروزه در زبان روزمره بسیار رایج شده و گاه به اشتباه مترادف خودارزشمندی، جاه‌طلبی یا خودباوری تلقی می‌شود؛ در حالی که در روان‌شناسی بالینی، خودشیفتگی مفهومی بسیار دقیق‌تر و عمیق‌تر دارد. برخی سیاستمداران ممکن است ویژگی‌هایی از طیف خودشیفتگی را بروز دهند و در مواردی، الگوهای شخصیتی پیچیده‌تر و ناپایدارتری از جمله خودشیفتگی بدخیم را نیز نشان دهند.

چنین افرادی اغلب برای حفظ خودارزشمندی کاذب و شکننده خود به منابع بیرونی تأیید، قدرت و کنترل وابسته‌اند. از این رو، ممکن است به‌طور آگاهانه یا ناآگاهانه شرایطی از ابهام، تنش، ناامنی و سردرگمی ایجاد کنند؛ زیرا چنین فضایی وابستگی روانی مخاطبان را افزایش

به «منجی‌عالم» تبدیل می‌شود یا به یک «خائن و دشمن مطلق». از آنجایی که جامعه تحت فشار اجتماعی قرار دارد و احساس ناامیدی، خشم یا درماندگی در آن حاکم است، پاسخ‌های ساده و کوتاه برای آرامش درونی در برابر مسائل پیچیده بیشتر مورد اقبال قرار می‌گیرند. در نتیجه، برخی افراد ممکن است یک سیاستمدار خارجی را فراتر از واقعیت موجود، به‌عنوان ناجی و راه‌حل همه مشکلات تصور کنند؛ اما زمانی که عملکرد آن فرد یا دولت با این انتظارات آرمانی همخوانی نداشته باشد، همان تصویر ایده‌آل به سرعت جای خود را به خشم و نفرت می‌دهد.

آنچه بر پیچیدگی این فضا می‌افزاید و می‌تواند به خشم و سرخوردگی عمومی دامن بزند، ویژگی‌های شخصیتی برخی سیاستمداران، به‌ویژه گرایش‌های خودشیفته و خودمحور آنان است. هرچند این پدیده محدود به عرصه سیاست نیست و در بسیاری از حوزه‌های زندگی اجتماعی مدرن

ادامه حملات سایبری به بانک‌های ایران؛ اختلال خدمات‌دهی تشدید شد



این اختلال نقل‌وانتقالات بانکی و پرداخت با کارت در فروشگاه‌ها را نیز در بسیاری شهرها مختل کرده است. میثم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، روز گذشته با تأیید تداوم اختلال فعالیت در چهار بانک ملی ایران، تجارت، صادرات ایران و توسعه صادرات اعلام کرده بود تاکنون منشاء و دلیل حمله اصلی مشخص نشده است و حتی تغییر سخت‌افزار هم نتوانسته است مشکل را حل کند.

مشارکت فعال هر شهروند در این راستا برای رسیدن به آینده‌ای روشن است. بخصوص در شرایط کنونی که جامعه ایرانی و دیاسپورا نقشی تعیین کننده در هدایت این فضا دارد. به جای دشمن‌ستیزی و یا منجی‌تراشی بیشتر بر روی خواست همگانی توجه داشت و آن چیزی جز آزادی، انتخابات آزاد و برپایی یک نظام دموکراتیک که بر اساس خواست مردم ایران رقم خورده نیست. بایستی فراموش نکرد، آنچه که تاکنون به دست آمده است، فقط محصول تصمیمات دولتمردان کشورهای غربی نبوده است. اراده، خودباورمندی و باورمندی به پیروزی در فضای اجتماعی جامعه را نباید بی‌اهمیت جلوه داد.

در نهایت، مهمترین تضمین برای آینده ایران بیش از هر چیز منوط به امیدی واقع‌گرایانه است، که همراه با رشد آگاهی، مسئولیت‌پذیری و توانمندی جمعی، خودباورمندی گروهی، کاهش واکنش‌های احساسی افراطی در ارزیابی شرایط بحرانی حاصل می‌شود.

*دکتر محمد طباطبایی، روانشناس بالینی، روان‌درمانگر و عضو «انجمن پزشکان میهن دوست ایران»

به گزارش رسانه‌های داخلی اختلال شبکه خدمات‌دهی بانکی در ایران که از روز شنبه ۲۳ خردادماه در چهار بانک بزرگ کشور آغاز شده بود از بامداد سه‌شنبه دوم تیرماه ۱۴۰۵ تشدید شده و به بانک‌های بیشتری گسترش یافته است.

بر اساس گزارش‌ها درگاه‌های پرداخت آنلاین، خدمات کارت و موبایلی چند بانک بزرگ از جمله ملی، تجارت، صادرات و ملت با اختلال و قطع روبرو شده است.

هدف اصلی فروشنده فقط فروش، کسب سود فردی و رضایت از سودمندی شخصی و به نوعی خودخواهی مطلق است، یا او در پی آن نیز می‌کوشد رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد و سودمندی دوطرفه ایجاد کند؟ در عرصه سیاست نیز صرف شنیدن سخنان یک فرد کافی نیست؛ بلکه باید رفتار، عملکرد، نحوه تصمیم‌گیری و نظام ارزشی یک سیاستمدار نیز مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا تنها این موارد است که نشان می‌دهد آیا واقعا اعتمادی پایدار شکل می‌گیرد یا نه.

جمع‌بندی

شناخت سازوکارهای روانی شخصیت‌های ناپایدار و خودشیفته صرفاً یک بحث نظری یا دانشگاهی نیست؛ بلکه ابزاری برای افزایش آگاهی جمعی جامعه کنونی است که در دوره حساس اجتماعی و سیاسی قرار دارد. هرچه شناخت و آگاهی عمومی نسبت به این الگوهای رفتاری و روانی بیشتر باشد، احتمال آنکه جامعه میان «امید واقع‌بینانه» و «امید کاذب» تمایز قائل شود نیز افزایش می‌یابد. بدین جهت، برای این تغییر نه تنها به رهبرانی خردمند و کارآمد نیازمند است، بلکه مستلزم پذیرش مسئولیت فردی، خودآگاهی و

داده و نیاز به یک «نجات‌دهنده» را تقویت می‌کند. به همین دلیل، برخلاف تصور رایج، هدف اصلی یک سیاستمدار خودشیفته الزاما پاسخگویی به نیازهای مردمی که در جستجوی آزادی یا رهایی هستند نیست، بلکه حفظ تصویر بزرگ‌نمایی شده از خویش و تأمین نیازهای روانی و عاطفی خود به‌ویژه در کشور متبوع خود در اولویت قرار می‌گیرد.

به‌ویژه در برخی از این افراد، پشت ظاهر پرصلابت، خودباوری اغراق‌آمیز و نمایش قدرت، نوعی «خودبزرگ‌نمایی شکننده» نهفته است. بدین جهت، تمایز میان «خوددوستی سالم» و «خودشیفتگی ناسالم» اهمیت فراوانی دارد. خوددوستی سالم مبتنی بر خودآگاهی، پذیرش محدودیت‌ها و توانایی ایجاد روابط متقابل و همدلانه است. در مقابل، خودشیفتگی ناسالم اغلب با احساس درونی بی‌کفایتی، شرم یا حقارت همراه است؛ احساساتی که فرد تلاش می‌کند آنها را از طریق سلطه‌جویی، کنترل دیگران، به چالش کشیدن یا تحقیر مخالفان یا نمایش قدرت جبران کند.

در چنین شرایطی، رفتارهای آسیب‌زننده یا ایجاد تنش می‌تواند برای فرد خودشیفته احساس قدرت، برتری و به شکلی اغراق‌آمیز «سرزندگی» ایجاد کند. هنگامی که چنین ویژگی‌هایی با قدرت سیاسی همراه شود، ممکن است پیامدهایی مانند تصمیم‌گیری‌های تکانشی، تغییرات ناگهانی در مواضع، ناتوانی در پذیرش انتقاد، و اولویت دادن به تصویر شخصی به‌جای منافع عمومی را به دنبال داشته باشد.

تجربه‌های تاریخی مانند وعده‌های بی‌اساس بعد از حکومت اسلامی در ایران نیز نشان داده‌اند که نادیده گرفتن این ویژگی‌ها می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری امیدهای اغراق‌آمیز و انتظارات غیرواقع‌بینانه شود. هرگاه یک فرد سیاسی فراتر از توانایی‌ها و محدودیت‌های واقعی خود در جایگاه «منجی» قرار گیرد، احتمال شکل‌گیری امید کاذب افزایش می‌یابد؛ همان‌گونه که پس از انقلاب ۱۳۵۷ وعده‌هایی چون «آب و برق مجانی» و «بازگشت به معنویت» داده شد. امیدی که می‌تواند قضاوت جمعی را تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت به سرخوردگی، ناامیدی و حتی بازتولید چرخه قهرمان‌سازی و دشمن‌سازی بینجامد. خطر تکرار این چرخه در حال حاضر، به شکلی دیگر اما با همان ساختار روانشناختی در ارتباط با رئیس جمهور کنونی ایالات متحده آمریکا نیز از طریق طیفی از هموطنان قابل مشاهده است.

با توجه به این پایه‌های شناختی شخصیت در پژوهش‌های روان‌شناسی سیاسی، مفهوم «مثلث تاریک شخصیت» مطرح شده است که ویژگی به‌هم‌پیوسته را در بر می‌گیرد: خودشیفتگی، ماکیاولیسم (تمایل به دستکاری و بی‌توجهی به اخلاق در رسیدن به هدف) و سایکوپاتی (فقدان همدلی و بی‌پروایی نسبت به پیامد رفتار خود بر دیگران). اگر امکان این وجود داشت تا جامعه بتواند سازوکارهای شخصیتی و رفتاری سیاستمداران را با نگاهی آگاهانه بررسی کند، می‌توانست بیشتر بر اساس شناخت و ارزیابی واقع‌بینانه و کمتر بر پایه هیجان‌های لحظه‌ای واکنش نشان دهد. چنین شناختی به ما کمک می‌کند تا میان کاریزمای ظاهری که به‌عنوان نمونه در سال ۱۳۵۷ در انقلاب اسلامی رخ داد و یا ناامیدی کنونی جامعه ایرانی از رئیس جمهور کنونی ایالات متحده آمریکا شایستگی واقعی تمایز قائل شویم و اهداف و انگیزه‌های یک سیاستمدار را دقیق‌تر ارزیابی کنیم.

برای روشن شدن این تفاوت می‌توان آن را به رابطه‌ی اقتصادی میان یک فروشنده و یک خریدار تشبیه کرد: آیا

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری: خشونت در محیط کار مانع اصلی برابری جنسیتی است



از تبعیض در محیط کار بر اساس جنسیت، وضعیت اقامت و نژاد، نگاهی ویژه به مسئله خشونت جنسی در محیط کار دارد.

ماده یک کنوانسیون، «خشونت و آزار» در دنیای کار را تعریف کرده است: «طیفی از رفتارها و کردارهای غیرقابل قبول اعم از رویدادی یک‌باره یا مکرر که باهدف اعمال آسیب فیزیکی، روانی، جنسی و اقتصادی صورت می‌گیرد، یا به این آسیب‌ها منجر می‌شود یا با احتمال آسیب همراه است.»

در این ماده همچنین تأکید شده که تهدید به این رفتارها نیز مصداق خشونت و آزار و قابل پیگیری است. نقطه قوت این تعریف این است که وقوع آسیب یا قصد و نیت مرتکب برای اثبات آزار و خشونت ضروری نیست. به این معنی که تنها کافی است رفتار و کردار مورد نظر، احتمال آسیب فیزیکی، جنسی، روانی و اقتصادی را به دنبال داشته باشد. مطابق ماده یک کنوانسیون، اصطلاح «خشونت و آزار جنسیت محور» به خشونت و آزاری اطلاق می‌شود که به دلیل جنسی یا جنسیت علیه افراد اعمال می‌شود یا افرادی از جنس یا جنسیت خاص را به طور نامتناسبی تحت تأثیر قرار می‌دهد و آزار و اذیت جنسی را نیز شامل می‌شود.

سازمان بین‌المللی کار گزارش داده در طول پنج سال گذشته، پیشرفت قابل توجهی در راستای اجرای این کنوانسیون در جهان صورت گرفته است. بسیاری از کشورها اقداماتی را برای تصویب و همسو کردن قوانین و سیاست‌های ملی خود با مفاد کنوانسیون انجام داده‌اند که نشان‌دهنده به رسمیت شناختن ضرورت صیانت از کارگران در برابر خشونت و آزار و اذیت (به‌ویژه زنان کارگر) است. کنوانسیون‌ها و توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار توسط نمایندگان کارگران، دولت‌ها و کارفرمایان تهیه شده و در اجلاس بین‌المللی کار که از سوی سازمان بین‌المللی کار برگزار می‌شود به تصویب می‌رسند. کشورها پس از آن، کنوانسیون‌ها را تصویب کرده و متعهد می‌شوند که قوانین و سیاست‌های ملی خود را در جهت حمایت از آن تنظیم کنند.

۱۹۰ تأکید می‌کند که خشونت و آزار با کار ایمن، سالم، عادلانه و شرافتمندانه ناسازگار است و باید برای مقابله با آن اقدام‌های مؤثر در سطح ملی و بین‌المللی اتخاذ شود. این بیانیه همچنین به نقش اقدامات ایمنی و بهداشت شغلی در پیشگیری از خشونت و آزار در محیط کار اشاره می‌کند. بر اساس مفاد این کنوانسیون، سیاست‌های ایمنی و بهداشت شغلی باید بتوانند خطرات را شناسایی کرده، از کارگران محافظت کنند و راهکارهای مؤثری برای مقابله با تهدیدها ارائه دهند. در این میان، اتخاذ رویکردی جنسیت‌محور در برنامه‌های ایمنی و بهداشت شغلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا شرایطی فراهم شود که همه کارگران بتوانند در محیطی امن، سالم و عاری از ترس، تبعیض و آزار فعالیت کنند.

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری در پایان این بیانیه با اشاره به سالگرد تصویب این کنوانسیون اعلام کرده است که اعضای سازمان بین‌المللی کار باید برای اجرای کامل مفاد کنوانسیون شماره ۱۹۰ و توصیه‌نامه شماره ۲۰۶ تلاش کنند تا شرایطی فراهم شود که کارگران در سراسر جهان از محیط کاری امن، عادلانه و عاری از خشونت و تبعیض برخوردار باشند.

کنوانسیون مقابله با خشونت و آزار و اذیت (C۱۹۰)، نوزدهمین کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار است و در یکصد و هشتمین جلسه سازمان بین‌المللی کار باراً قاطع شرکت‌کنندگان از جمله هر چهار نماینده دولت ایران به تصویب رسید.

کنوانسیون مقابله با خشونت و آزار و اذیت (C۱۹۰) در تاریخ ۲۵ ژوئن ۲۰۲۱، پس از به تصویب رسیدن توسط اروگوئه و فیجی، لازم‌الاجرا شد. تاکنون حدود ۵۰ کشور این مقاله‌نامه را به تصویب رسانده‌اند و این روند با سرعتی کم‌سابقه ادامه دارد.

این کنوانسیون نخستین سند حقوقی بین‌المللی است که حق همه افراد را برای داشتن محیط کاری عاری از تبعیض و خشونت، به رسمیت می‌شناسد و علاوه بر تأکید بر جلوگیری

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری (ITUC) با انتشار بیانیه‌ای با اشاره به اهمیت مقابله با خشونت، تبعیض و آزار در محیط‌های کاری، تأکید کرده خشونت و آزار در بازار کار همچنان یکی از موانع مهم در مسیر تحقق برابری در محیط‌های کاری به شمار می‌رود.

در این بیانیه بر لزوم اجرای اقدامات ایمنی و بهداشت شغلی متناسب با جنسیت، از جمله رسیدگی به خشونت و آزار مبتنی بر جنسیت در محیط‌های کاری، تأکید شده است. «سازمان بین‌المللی کار» خشونت در محیط کار را اینگونه تعریف کرده است: «طیفی از رفتارها و کردارهای غیرقابل قبول اعم از رویدادی یک‌باره یا مکرر که باهدف اعمال آسیب فیزیکی، روانی، جنسی و اقتصادی صورت می‌گیرد، یا به این آسیب‌ها منجر می‌شود یا با احتمال آسیب همراه است.»

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری (ITUC) با انتشار بیانیه‌ای با اشاره به اهمیت مقابله با خشونت، تبعیض و آزار در محیط‌های کاری، تأکید کرده خشونت و آزار در بازار کار همچنان یکی از موانع مهم در مسیر تحقق برابری حقوقی، قومی و جنسیتی در محیط‌های کاری به شمار می‌رود.

بیانیه کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری (ITUC) که روز یکشنبه ۲۱ ژوئن ۲۰۲۴ برابر با ۳۱ خرداد ۱۴۰۵ به مناسبت سالگرد تصویب کنوانسیون شماره ۱۹۰ سازمان بین‌المللی کار منتشر شده خشونت و آزار در محیط کار به عنوان یکی از موانع اصلی تحقق برابری جنسیتی معرفی شده و بر ضرورت تصویب و اجرای مؤثر کنوانسیون شماره ۱۹۰ تأکید شده است.

همچنین در این بیانیه بر لزوم اجرای اقدامات ایمنی و بهداشت شغلی متناسب با جنسیت، از جمله رسیدگی به خشونت و آزار مبتنی بر جنسیت در محیط‌های کاری، تأکید شده است.

در این بیانیه آمده است که ۲۱ ژوئن سالگرد تصویب کنوانسیون شماره ۱۹۰ سازمان بین‌المللی کار درباره خشونت و آزار در بازار جهانی کار و همچنین توصیه‌نامه شماره ۲۰۶ است. این استانداردهای بین‌المللی برای نخستین بار حق هر فرد را برای برخورداری از جهانی عاری از خشونت و آزار و اذیت در محیط کار، از جمله خشونت و آزار مبتنی بر جنسیت، مورد تأکید قرار داده‌اند.

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری در این بیانیه تأکید کرده است که خشونت و آزار در بازار کار همچنان یکی از موانع مهم در مسیر تحقق برابری حقوقی، قومی و جنسیتی در محیط‌های کاری به شمار می‌رود. بر اساس این بیانیه، زنان و کارگرانی که با اشکال مختلف و همزمان تبعیض مواجه هستند، بیش از دیگران در معرض نقض حقوق و انواع آزار قرار دارند؛ موضوعی که دسترسی آنان به فرصت‌های شغلی مناسب، پیشرفت حرفه‌ای، دستمزد برابر و محیط کار ایمن را محدود می‌کند.

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری افزوده حذف خشونت و آزار در محیط کار تنها یک مسئله مرتبط با ایمنی شغلی نیست، بلکه با کرامت انسانی و حقوق بنیادین کار نیز ارتباط مستقیم دارد. بر همین اساس، کنوانسیون شماره

افزایش جرائم خشن و کودک‌فروشی در ایران به علت تشدید مشکلات اقتصادی و فقر



با خبرگزاری «ایلنا» گفته «پدیده خرید و فروش کودکان در جامعه ترکیبی از عوامل اقتصادی و غیراقتصادی است، اما دلایل اقتصادی مهم‌ترین علت روی آوردن والدین به این تجارت ناگوار است. در سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی درباره این پدیده تلخ و غیرانسانی منتشر شده که به نظر مسئله اقتصادی محرک اصلی بروز و ظهور آن در جامعه است.» او به وجود چرخه‌ای از فقر شدید، بیکاری، تورم بالا، ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی مثل غذا، مسکن، درمان، ناکافی بودن حمایت‌های اجتماعی و... در جامعه ایرانی اشاره می‌کند: «مجموعه این عوامل باعث شده‌اند که بعضا شاهد خانواده‌ها و به‌ویژه مادرانی باشیم که اقدام به فروش نوزاد یا کودک خود کنند تا جایی که بر اساس برخی گزارش‌های منتشر شده گاهی این خانواده‌ها نوزاد خود را پیش‌فروش می‌کنند، این روش نشان می‌دهد که برای برخی افراد این کار تبدیل به یک حرفه درآمدزا شده است.»

این جامعه‌شناس وجود باندهای قاچاق سازمان‌یافته کودکان را عاملی بر تشدید پدیده کودک‌فروشی ارزیابی کرده و گفته «برخی از زنان به دلیل تقاضای بازار، به فروش نوزادان‌شان به عنوان یک حرفه نگاه می‌کنند، اگرچه در این باره هم فقر علت اصلی چنین اقدامی است و حمایت از آن‌ها می‌تواند تا حدودی کمک‌کننده باشد اما بازهم وجود تقاضا در بازار عامل اصلی است که می‌تواند برخی از این زنان را وسوسه و ترغیب به باروری به قصد فروش نوزاد کند و در واقع باروری‌هایی از این دست را برای عرضه در این بازار سیاه، تشدید کند.»

عالیه شکرپیگی با بیان اینکه «خرید و فروش کودکان نه تنها نقض حقوق کودک است بلکه نشانه‌ای از وجود بحران‌های عمیق اجتماعی و اقتصادی در جامعه است» گفته «بدون حل ریشه‌های اقتصادی، قوانین به‌تنهایی نمی‌توانند این بازار سیاه را مهار کنند. پادمان باشد که گاهی شکم گرسنه همه چیز را زیرپا می‌گذارد اینکه گفته شده فقر که از در وارد شود، ایمان از بین می‌رود شاهدی بر همین ادعا است.»

است. ظرف همین چند ماه اخیر نرخ کالاهای اساسی مردم دچار تورم چند صد درصدی شده و این موضوع بر هیچ کس پوشیده نیست. اولین اثر این تلاطم اقتصادی احساس ناامنی در افراد است. احساس ناامنی افراد را به وضعیت بقا سوق می‌دهد و حس ناامنی مطمئناً در رفتار انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. اولین تأثیری که حس ناامنی دارد، این است که افراد رفتارشان از کنترل خارج می‌شود و آن خویشترنداری که در شرایط نرمال دارند را از دست می‌دهند و بی‌مقدمه و بی‌محابا رفتار می‌کنند؛ افراد در واکنش به موقعیت‌ها مکث نمی‌کنند و سریع خشم خود را بروز می‌دهند. این واکنش سریع و پر از خشم در بسیاری مواقع منجر به ارتکاب جرم و بزه می‌شود.»

این جرم‌شناس اجبار خانوارها به زندگی مشترک در یک واحد آپارتمانی به دلیل افزایش اجاره‌بهای مسکن و یا بازگشت فرزندان به خانه والدین را یکی از دلایل افزایش جرائم و خشونت‌های خانگی ارزیابی کرده است: «همزیستی از روی اجبار باعث انباشت خشم، از دست دادن کنترل و خویشترنداری می‌شود و یک جایی منجر به وقوع جرم می‌شود. در زمان شیوع کرونا اعلام شده بود که آمار خشونت خانگی، اختلافات خانوادگی و طلاق افزایش پیدا کرده، چون افراد مجبور بودند در خانه بمانند. امروزه نیز در ایران شرایط مشابه آن زمان در حال تکرار است. منتها نه به خاطر مرضی، به خاطر بیکاری و از دست رفتن استقلال مالی و اقتصادی.»

افزایش فقر سبب گسترش پدیده‌هایی همچون کودک‌فروشی و قاچاق کودکان نیز شده است. به‌تازگی خبری در ایران منتشر شده مبنی بر بازداشت یک مادر که تا کنون ۳ نوزاد خود را در ازای مبالغی ناچیز فروخته است. زنی که در سیاه‌ترین و نادیده گرفته شده‌ترین لایه‌های اجتماع زیسته و در گروه آسیب‌دیدگان اجتماعی قرار دارد، اعتراف کرده بود که اساساً برای فروختن فرزندانش اقدام به برداری‌های برنامه‌ریزی شده کرده است. در همین رابطه عالیه شکرپیگی، جامعه‌شناس، در گفت‌وگو

● قاسم قاسمی، جرم‌شناس، گفته جرائم در ماه‌های اخیر یا شاید سال‌های اخیر به ویژه جرائم علیه اموال و جرائم خشن رو به افزایش بوده است. او تأکید کرده روند فزاینده جرم و بزهکاری در جامعه با روند صعودی تورم در جامعه چند همسویی دارد و نرخ بزهکاری با نرخ تورم رابطه مستقیم دارد.

● قاسم قاسمی با اشاره به تشدید مشکلات اقتصادی و معیشتی گفته «اولین اثر این تلاطم اقتصادی احساس ناامنی در افراد است و اولین تأثیری که حس ناامنی دارد، این است که رفتارشان از کنترل خارج می‌شود و آن خویشترنداری که در شرایط نرمال دارند را از دست می‌دهند و بی‌مقدمه و بی‌محابا رفتار می‌کنند.»

● عالیه شکرپیگی، جامعه‌شناس، با اشاره به وجود چرخه‌ای از فقر شدید، بیکاری، تورم بالا، ناتوانی در تأمین هزینه‌های زندگی مثل غذا، مسکن، درمان، ناکافی بودن حمایت‌های اجتماعی و... در جامعه ایرانی گفته «مجموعه این عوامل باعث شده‌اند که بعضا شاهد خانواده‌ها و به‌ویژه مادرانی باشیم که اقدام به فروش نوزاد یا کودک خود کنند.»

افزایش تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها در ایران ارتباط مستقیمی با افزایش جرم و جنایت و خشونت خانگی دارد بطوریکه به گفته کارشناسان در ماه‌های اخیر به علت افزایش مشکلات معیشتی آمار جرائم و خشونت خانگی در ایران روندی افزایشی داشته است و پدیده‌هایی مانند کودک‌فروشی افزایش یافته است.

قاسم قاسمی، جرم‌شناس، در گفت‌وگو با روزنامه «اعتماد» گفته جرائم در ماه‌های اخیر یا شاید سال‌های اخیر به ویژه جرائم علیه اموال و جرائم خشن رو به افزایش بوده است. او تأکید کرده روند فزاینده جرم و بزهکاری در جامعه با روند صعودی تورم در جامعه چند همسویی دارد و نرخ بزهکاری با نرخ تورم رابطه مستقیم دارد.

قاسم قاسمی توضیح داده «جامعه ایران در سال‌های اخیر دچار شرایطی شده که به خاطر نوسانات اقتصادی رخ داده

جهنم آناتولی و باتلاق پناهندگان ایرانی در ترکیه



در ترکیه مواجهه‌اند به‌نحوی که محل سکونت و با تردد آنها بر اساس تصمیم‌گیری‌های اداره‌ی مهاجرت ترکیه است و در اکثریت موارد درخواست برای رسیدگی به تردد حتی برای امور درمانی و خدمات کنسولی رد خواهد شد و این میزان براساس آمارهای جدید در سال ۲۰۲۶ به میزان ۸۵ درصد است.

پرونده‌ی پناهجویی اکثریت قریب به‌اتفاق فعالین سیاسی و عقیدتی ایرانی ساکن ترکیه با کدهای ممنوعیت امنیتی G-82 و کد اداری N_82 مواجه شده که توسط آنکارا در منجلاب سال‌ها بلاتکلیفی و خطرات جانی و کمپ و دیپورتی مرکزی یا راه‌های جانفرسا و خطرناک قاچاق مواجه می‌شود که در اغلب موارد منجر به خطر مرگ پناهجوی سیاسی- عقیدتی ایرانی خواهد شد.

از سوی دیگر، پناهجویان ایرانی عملاً حق ادغام قانونی در بازار کار ترکیه را ندارند، مگر آنکه کارفرما برای فرصت شغلی مورد نظر متقاضی ترک پیدا نکند و حاضر به پرداخت هزینه‌های سنگین بیمه و اخذ مجوزهای لازم شود. از آنجا که تحقق چنین شرایطی برای پناهجویان تقریباً نزدیک به صفر است، آنان ناچارند برای تأمین هزینه‌های اولیه زندگی و گذران معیشت به بازار کار غیررسمی یا سیاه روی آورند. در این بازار نیز به دلیل وضعیت آسیب‌پذیر و حقوقی پناهجویان، معمولاً دستمزدی بین ۴۰ تا ۶۰ درصد کمتر از حداقل دستمزد مصوب در ترکیه دریافت می‌کنند.

همچنین فعالان سیاسی پناهجو در ترکیه، که اغلب از بیماری‌ها و مشکلات حاد جسمی رنج می‌برند، بر اساس قانون پناهجویی این کشور پس از یک سال از دسترسی به خدمات درمانی دولتی و پوشش بیمه درمانی محروم می‌شوند. حتی در مواردی که پرونده‌های پزشکی ←

تبدیل شبه‌جزیره آناتولی به یک ایستگاه امنیتی مهارکننده، پناهجویان آزادی‌خواه، روزنامه‌نگاران و زنان معترض ایرانی را که از چتر سرکوب داخلی گریخته‌اند، در دامنه وسیعی از بی‌حقوقی، فقر و بازداشت‌های غیرقانونی قرار داده است.

پژمان ابراهیمی - موقعت آناتولی برای پناهجویان ایرانی، بازتاب دقیقی از یک برزخ و جهنم حقوقی است. تغییرات وسیع اداری در ساختار مهاجرتی ترکیه، سلب مسئولیت حداکثری سازمان ملل از پرونده‌ی پناهجویان ایرانی و ارجاع آن به اداره‌ی مهاجرت ترکیه در طول سال‌های اخیر این کشور را به یک ایستگاه فرسایشی و برزخ برای ایرانیان بدل کرده است.

می‌توان گفت مشکل اصلی پذیرش ترکیه بر اساس محدودیت‌های جغرافیایی این کشور به معاهده‌ی ۱۹۵۱ کنوانسیون ژنو در مورد پناهجویان برمی‌گردد که در آن پناهجویان ایرانی، افغانستانی و عراقی از حقوق پناهجویی کامل برخوردار نبوده و حق ادغام در این کشور را ندارند و به آنها پناهجوی مشروط (قانون اتباع خارجی و حمایت بین المللی YUKK قانون شماره‌ی ۶۴۵۸) گفته می‌شود که ادامه‌ی زندگی آنها در ترکیه منوط به تصمیم اداری مهاجرت ترکیه و آنکارا برای خروج به کشور ثالث یا بازگشت به کشور مبدا است. از طرفی با تصمیم‌گیری‌های دولت ترکیه برای تعیین تکلیف نهایی در مورد پناهجویان بویژه پناهجویان سیاسی و عقیدتی ایرانی، روند بازاسکان به یک پروسه‌ی طولانی مدت از ۷ تا ۱۵ سال تغییر پیدا کرده که این مدت زمان نسبت به کشورهای دیگر بیش از ۲ تا ۵ برابر است.

پناهجویان ایرانی ترکیه با محدودیت‌های تردد و سکونت

تغییرات وسیع اداری در ساختار مهاجرتی ترکیه، سلب مسئولیت حداکثری سازمان ملل از پرونده‌ی پناهجویان ایرانی و ارجاع آن به اداره‌ی مهاجرت ترکیه در طول سال‌های اخیر این کشور را به یک ایستگاه فرسایشی و برزخ برای ایرانیان بدل کرده است.

پناهجویان ایرانی ترکیه با محدودیت‌های تردد و سکونت در ترکیه مواجه‌اند به‌نحوی که محل سکونت و با تردد آنها بر اساس تصمیم‌گیری‌های اداره‌ی مهاجرت ترکیه است و در اکثریت موارد درخواست برای رسیدگی به تردد حتی برای امور درمانی و خدمات کنسولی رد خواهد شد و این میزان براساس آمارهای جدید در سال ۲۰۲۶ به میزان ۸۵ درصد است.

پرونده‌ی پناهجویی اکثریت قریب به‌اتفاق فعالین سیاسی و عقیدتی ایرانی ساکن ترکیه با کدهای ممنوعیت امنیتی G-82 و کد اداری N_82 مواجه شده که توسط آنکارا در منجلاب سال‌ها بلاتکلیفی و خطرات جانی و کمپ و دیپورتی مرکزی یا راه‌های جانفرسا و خطرناک قاچاق مواجه می‌شود که در اغلب موارد منجر به خطر مرگ پناهجوی سیاسی- عقیدتی ایرانی خواهد شد.

از سوی دیگر، آسیب‌پذیری مضاعف و استعمار زنان و دختران ایرانی که به دلیل فرار از سنت‌های متحجرانه ناموسی، ساختارهای تبعیض‌آمیز قانونی یا کنشگری‌های آزادی‌خواهانه به این کشور پناه آورده‌اند، در جامعه ترکیه با بازتولید خشونت در قالب عدم تهدید کیملیک، تزلزل شدید مالی و روی آوردن به کار سیاه یا گرفتار شدن در چرخه موزای استعمار جنسی و اقتصادی تشدید می‌شود.

بحران پناهجویی در ترکیه نشان دهنده‌ی یک بن‌بست سیستماتیک در حقوق بین المللی مهاجرت است.

کامران غضنفری: قالیباف خودسرانه مجلس شورای اسلامی را تعطیل کرده است



به «اعمال مدیریت و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز» است تا چوب لای چرخ توافق با آمریکا بگذارند.



بحران پناهجویی در ترکیه نشان دهنده‌ی یک بن‌بست سیستماتیک در حقوق بین‌المللی مهاجرت است. تبدیل شبه‌جزیره آناتولی به یک ایستگاه امنیتی مهارکننده، پناهجویان آزادی‌خواه، روزنامه‌نگاران و زنان معترض ایرانی را که از چتر سرکوب داخلی گریخته‌اند، در دامنه وسیعی از بی‌حقوقی، فقر و بازداشت‌های غیرقانونی قرار داده است. حل این بحران انسانی مستلزم مداخله مستقیم جامعه بین‌المللی، فعال شدن مجدد سهمیه‌های اسکان مجدد توسط کشورهای غربی و الزام دولت ترکیه به رعایت اصل عدم بازگرداندن اجباری بر اساس معاهدات حقوق بشری است.

کامران غضنفری، از نمایندگان امضانکننده بیانیه تحسن مقابل مجلس، گفته «آقای قالیباف به صورت خودسرانه مدام به تعطیلی صحن علنی مجلس اقدام کرده است. او یک تنه تصمیم می‌گیرد و امیدواریم قبل از اینکه نمایندگان متحصن شوند سر عقل بیایند و مجلس را باز کنند.» او با بیان اینکه امیدواریم آقای قالیباف دست از لجاجت بردارد افزوده «مجلس تعطیل شد تا نمایندگان نتوانند نسبت به نقض اعمال حاکمیت ایران در تنگه هرمز اعتراض کنند. مجلس را تعطیل کردند تا بتوانند به‌صورت خودسرانه و برخلاف منافع ملی تصمیم بگیرند و کسی مانع آنها نشود.» ۴۰ نماینده مجلس شورای اسلامی اعلام کرده‌اند اگر مجلس باز نشود از روز یکشنبه هفتم تیر مقابل ساختمان مجلس تحسن کنند. این نمایندگان مخالف مذاکره و توافق با آمریکا هستند. تحلیلگران معتقدند مهمترین انگیزه اصرار این جریان بر بازگشایی صحن علنی مجلس، تعیین تکلیف طرح موسوم

هم محروم ماندن و این عمل آنها مصداق بارز شکنجه روانی پناهجویان است.

انسداد کامل بازارهای کار، تعلیق طولانی مدت پروسه‌ی سازمان ملل و اضطراب ناشی از دیپورت، افق امید در یک زندگی با ثبات در ترکیه را نابود کرده است؛ این ناامیدی سوخت اصلی و محرک باندهای قاچاق انسان است که شخص خود من هم مانند بسیاری دیگر از پناهجویان سیاسی که با این شرایط روبرو شدند به ناچار برای فرار از دیپورت و مجازات حبس طولانی شکنجه و مرگ در جمهوری اسلامی با وجود شرایط اسفناک و سخت مسیر قاچاق و خطراتی که با آن مواجه هستند، به آن تن می‌دهند.

معتبر از بیمارستان‌های دولتی ترکیه ارائه می‌کنند، درخواست بازگشایی بیمه درمانی آنان با رد مواجه می‌شود. در نتیجه، این افراد سال‌ها ناچارند یا با بیماری‌های خود دست‌وپنجه نرم کنند یا هزینه‌های سنگین درمان را شخصاً بپردازند؛ امری که با توجه به نداشتن مجوز کار قانونی و دریافت دستمزدهای ناچیز در بازار کار غیررسمی، عملاً امکان‌پذیر نیست.

از سوی دیگر، آسیب‌پذیری مضاعف و استعمار زنان و دختران ایرانی که به دلیل فرار از سنت‌های متحجرانه ناموسی، ساختارهای تبعیض‌آمیز قانونی یا کنشگری‌های آزادی‌خواهانه به این کشور پناه آورده‌اند، در جامعه ترکیه با بازتولید خشونت در قالب عدم تهدید کیملیک، تزلزل شدید مالی و روی آوردن به کار سیاه یا گرفتار شدن در چرخه موازی استثمار جنسی و اقتصادی تشدید می‌شود. (۱۲ ساعت کار روزانه و سوءاستفاده کارفرمایان از وضعیت حقوقی پناهجویان، آنان را در معرض باج‌خواهی جنسی و آزارهای کلامی قرار می‌دهد.)

با توجه به سیاست‌های اداره مهاجرت در رسیدگی به پرونده‌های پناهجویی، که در بسیاری از موارد با رد درخواست از سوی آنکارا همراه است، این قشر از پناهجویان ایرانی در ترکیه پس از سال‌ها بلاتکلیفی در «باتلاق آناتولی» به انتخاب راه‌های پرخطر قاچاق یا حتی خودکشی سوق داده می‌شوند.

می‌توان به نمونه‌هایی چون ساناز جلویی اشاره کرد که پس از ۹ سال گرفتار ماندن در چرخه معیوب و بی‌پایان پناهندگی در ترکیه و پس از اعلام قطعی رد پرونده پناهجویی‌اش از سوی اداره مهاجرت این کشور، دست به خودکشی زد و جان خود را از دست داد. همچنین می‌توان از غرق شدن نازنین فتا و دختر خردسالش دلسا در آب‌های بالکان یاد کرد؛ کسانی که به امید دستیابی به یک زندگی عادی و برخوردار از حداقل امکانات رفاهی در یکی از کشورهای اروپایی، راهی این سفر پرخطر شده بودند.

برای درک عینی و بهتر از شرایط حقوقی پناهجویان سیاسی ایرانی ساکن در ترکیه به بررسی تهدیدات امنیتی و نقض اصل عدم بازگردانی اجباری به کشور مبدا می‌پردازیم و از شرایطی صحبت خواهیم کرد که شخصاً خودم به‌عنوان یک پناهجوی سیاسی با آن روبرو بوده‌ام. در سال‌های اخیر اداری مهاجرت ترکیه پرونده‌ی پناهجویی خودم را بدون دلیل رد کرده است و با تبعید به یک شهر کوچک عملاً من را در فضایی امنیتی یک شهر کوچک منقبض و آماده‌ی تحویل به دولت ایران نمود، هرچند من به صورت مقطعی توانستم از آن تبعیدگاه فرار و خودم را به استانبول برای انتخاب راه‌های خروج غیر قانونی و قاچاقی از این کشور برسانم اما در نهایت توسط پلیس این کشور بازداشت و به‌مدت یک سال در کمپ‌های مختلف این کشور اعم از: کمپ‌های دیپورتی مرکزی، آرناتوت کوی، کرکلارالی و آگری و وان سپری کردم که از لحاظ بهداشتی و امنیت کاملاً مغایر با معاهده‌ی بین‌المللی در خصوص پناهندگان سیاسی است.

من را بعد از گذشت ۴ ماه برای دیپورت اجباری به مرز ایران بردند هرچند موفق نشدند و تلاش‌های اطلاعات ایران و برخی مامورین فاسد اداری مهاجرت ترکیه برای بازگرداندن من بی‌نتیجه ماند اما در طول همین مدت هم دست از شکنجه روانی و سفید در حق من و یا سایر پناهجویان سیاسی و آزادی‌خواهان ایرانی برنداشتند. به‌عنوان یک مثال مستند خود بنده را بعد از دستگیری توسط پلیس و اعزام به کمپ دیپورتی مرکزی به دو ماه تحمل انفرادی به نام قرنطینه‌ی پزشکی در کمپ آگری مجبور کردند که از هرگونه امکانات برای یک پناهجوی معمولی در کمپ‌های دیپورتی



یازدهمین سالگرد تولد شاهزاده رضا پهلوی در گشتگو با کیهان لندن: مسئله محوری مردم ایران معضل هسته‌ای نیست، نقض فاحش حقوق بشر است



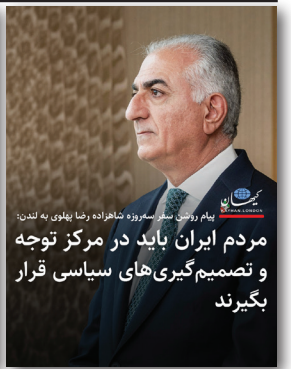
۱۸ سال زندان و محرومیت دائم از حرفه وکالت؛ حکم سنگین صادر شده علیه جواد علیکردی



کنفرانس جمهوری خواهان ملی؛ گامی دیگر در فراگیر شدن جنبش پیرامون شاهزاده رضا پهلوی



اهتزاز پرچم شیر و خورشید ایران در استادیوم لس آنجلس



پیام روشن سید سعزاده شاهزاده رضا پهلوی به لندن: مردم ایران باید در مرکز توجه و تصمیم‌گیری‌های سیاسی قرار بگیرند



بلدان عربخانه جمهوری اسلامی و آمریکا در سوئیس؛ اولویت جمهوری اسلامی توقف حملات اسرائیل به حزب الله است



مراسم وداع با مرجان ساتراپی؛ «و زخم‌های من همه از عشق است»



بی‌خبری از وضعیت مجتبی صابری، روحانی زندانی پادشاهی‌خواه



فساد ساختاری در جمهوری اسلامی؛ ۹۴ میلیارد یورو ارز حاصل از صادرات به ایران بازنگشت



جهنم آناتولی و باتلاق پناهندگان ایرانی در ترکیه



بهار تمام شد و رقم افزایش حقوق به حساب بازنشستگان اریز نشد!



تشدید بحران کمبود و گرانی دارو با بزرگ‌شدن بازار پنهان قاچاق



تنگه هرمز بسته شد



سه هزار بیمار هموفیلی در ایران، پنج ماه محروم از دارو!



سومین دوره هنر اجرا «روز پرورشش» در پاریس؛ من دوباره سبز خواهیم شد، می‌دانم



ادامه اختلال اینترنت در ایران؛ ۶۸ درصد از کاربران اینستاگرام بازنگشتند!



وعده دوباره پزشکان برای افزایش رقم کالا برگ؛ وزیر اقتصاد می‌گوید فقط برخی دهک‌ها مشمول افزایش رقم کالا برگ می‌شوند!



کوی دانشگاه ۱۳۷۸
جوابگام علامه ۱۳۸۲
اعتراضات ۱۳۹۸
زن زندگی، آزادی ۱۴۰۱
کشتار ۱۴۰۴
طرح از س. روزبه



کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کاری؛ خشونت در محیط کار مانع اصلی برابری جنسیتی است



مرکز آمار ایران؛ سال گذشته رشد اقتصادی ایران بدون نفت به منفی ۰/۳ سقوط کرد



مصوبه سران قوا؛ تمدید خودکار قراردادهای اجاره با سقف ۲۵ درصد



سرتوشت نامعلوم یک میلیارد دلار برداشت‌شده از صندوق توسعه ملی برای تأمین دارو و تجهیزات پزشکی



افزایش نگران‌کننده خشکی دریای مازندران با کاهش یک متری تراز طی پنج سال



ادامه اختلال در شبکه خدمات‌دهی چهار بانک بزرگ ایران به‌علت حمله سایبری



کاهش ۷۵ درصدی تقاضای خرید اتومبیل در ایران



دونالد ترامپ:
حکومت ایران را در موقعیتی قرار داده‌ام که آماده تسلیم شدن است



دونالد ترامپ:
جمهوری اسلامی با بازرسی‌های هسته‌ای در بالاترین سطح موافقت کرده است



بنیامین نتانیاهاو:
رویارویی با رژیم ایران و عواملش هنوز تمام نشده است



تلگراف: اختلاف نظر متحدان ترامپ بر سر توافق با رژیم ایران



هشدار ونس به دولت نتانیاهاو:
به توافق آمریکا با جمهوری اسلامی انتقاد نکنید



افزایش جرائم خشن و کودک‌فروشی در ایران به علت تشدید مشکلات اقتصادی و فقر



گسترش پدیده «ارزان‌خواری» در ایران به‌علت گرانی و فقر



کی‌یر استارمر نخست وزیر بریتانیا استحقاق داد



ضرغامی رئیس پیشین صداوسیما حکومتی، ساختار جمهوری اسلامی پوسیده



حملات سنگین اسرائیل به مواضع حزب الله



آذر عظیمیا، از خوانندگان برنامه ماندگار «گل‌ها»، درگذشت



مجوز موقت دولت ترامپ به جمهوری اسلامی برای فروش نفت



بیانیه مشترک قطر و پاکستان درباره مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی در سوئیس



قالیبا و عراقچی برای مذاکره با آمریکا به سوئیس رفتند



استان آذربایجان غربی؛ بازداشت ۴۸۰ شهروند در ارتباط با جنگ!



اسماعیل بقایا:
ناتو همدست آمریکا و اسرائیل در حمله به ایران است



رافائل گروسی:
آژانس به‌زودی بازرسی از تاسیسات هسته‌ای ایران را آغاز می‌کند



گسترش اعتراضات صنفی در ایران؛ ۱۶۰۰ کارگر کارخانه ماشین‌سازی تبریز اعتصاب کردند



اقدام عجیب دولت پزشکیان برای آزادسازی قیمت نان؛ افزایش ناگهانی و دو برابری قیمت نان در چند شهر



فوق‌هشدار
صدور احکام قضایی علیه ۱۱۱ نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ در زاهدان



کامران غصنفری:
قالیبا خودسرانه مجلس شورای اسلامی را تعطیل کرده است



هشدار سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور درباره وضعیت روانی دانش‌آموزان



تراکم و تعدیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با دلار و ذرت و سویا کارتون بهنام محمدی



تهدید نمایندگان مخالف توافق با آمریکا به تحصن در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی



ادامه حملات سایبری به بانک‌های ایران؛ اختلال خدمات‌دهی تشدید شد



عکس هفته | کربلایی که اینجاست!

تبلیغات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی همواره بر مدار شیعه‌گری و محورهایی چون «محرم» و «عاشورا» متمرکز بوده است اما حکومت در درازای چهل‌وهفت سال گذشته ایران را برای میلیون‌ها شهروند به «کربلا» تبدیل، و روزگار هزاران خانواده را «عاشورا» کرده است. تصویر: مادر جاویدنام مانی صفرپور یکی از هزاران جان‌باخته اعتراضات دی ۴۰۴ در میان دسته عزاداری محرم حضور دارد ولی تصویر فرزندش را بر دست گرفته و برای جگرگوشه‌اش سوگواری و سینه‌زنی می‌کند.